

# کتابشناسی توصیفی تاریخ‌های محلی

(منابع و متون)

○ نصرالله صالحی

## درآمدی بر تاریخ نگاری محلی:

مدخل:

تاریخ‌نگاری محلی درحقیقت جزئی از سنت عظیم تاریخ‌نگاری (و جغرافی‌نگاری) اسلامی است که در قرن سوم هجری تکوین یافت. تا پایان این قرن شماری از آثار عمده و مهم در حوزه تاریخ و جغرافیا در چهار شکل و گونه متفاوت اما مرتبط، تدوین یافت:

- ۱- تاریخ‌های عمومی (اخبارالطوال، تاریخ یعقوبی و طبری)
  - ۲- تاریخ‌های سلسله‌ای - دودمانی (اخبار النولة العباسية)
  - ۳- تاریخ‌های محلی (تاریخ مرو - از دو مؤلف)<sup>۱</sup>
  - ۴- جغرافیای تاریخی (المسالک والممالک - از دو مؤلف)<sup>۲</sup>
- اگرچه قرن سوم هجری آغاز تاریخ‌نگاری محلی محسوب می‌شود اما متأسفانه تاریخ‌های محلی در این قرن برخلاف آثار همسنگ خود، یعنی منابع جغرافیای تاریخی، نه تنها اندک شمارند بلکه اکنون در دست نیستند و تنها گزارش‌هایی از آنها به واسطه منابع دیگر به دست ما رسیده است.<sup>۳</sup> در علت قلت تاریخ‌های محلی در این قرن شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که در قرن مزبور هنوز احساسات و تعلقات جهان وطنی اسلامی جای خود را به وطن دوستی محلی و منطقه‌ای که انگیزه اساسی نگارش تاریخ‌های محلی محسوب می‌شد، نداده بود. منابع متعدد جغرافیای تاریخی<sup>۴</sup> باقی‌مانده از همان قرن به خوبی مبین نگرش غیرمحلی جغرافی‌نگاران و مورخان مسلمانی است که به سراسر قلمرو اسلامی به عنوان یک کلیت واحد و یکپارچه می‌نگریستند و درست از زمانی که این نگرش به ویژه در سرزمین‌های دور از مرکز خلافت - محض نمونه: ماورالنهر - رو به سستی نهاد، زمینه‌های اساسی برای تدوین تاریخ‌های محلی ایجاد شد.<sup>۵</sup> این امر از قرن چهارم به بعد به گونه‌ای جدی نمود یافت. از نمونه‌های بارز می‌توان به تاریخ بخارا، تاریخ قم، تاریخ جرجان [گرگان] و تاریخ اصفهان اشاره کرد.
- مؤلف تاریخ قم که تنها سه دهه دیرتر از تاریخ بخارا یعنی در سال ۳۷۸ هجری قمری آن را تألیف کرده است در خصوص انگیزه و قصد خود از نگارش این اثر می‌نویسد: «غرض و مقصود من ذکر شهر خود و

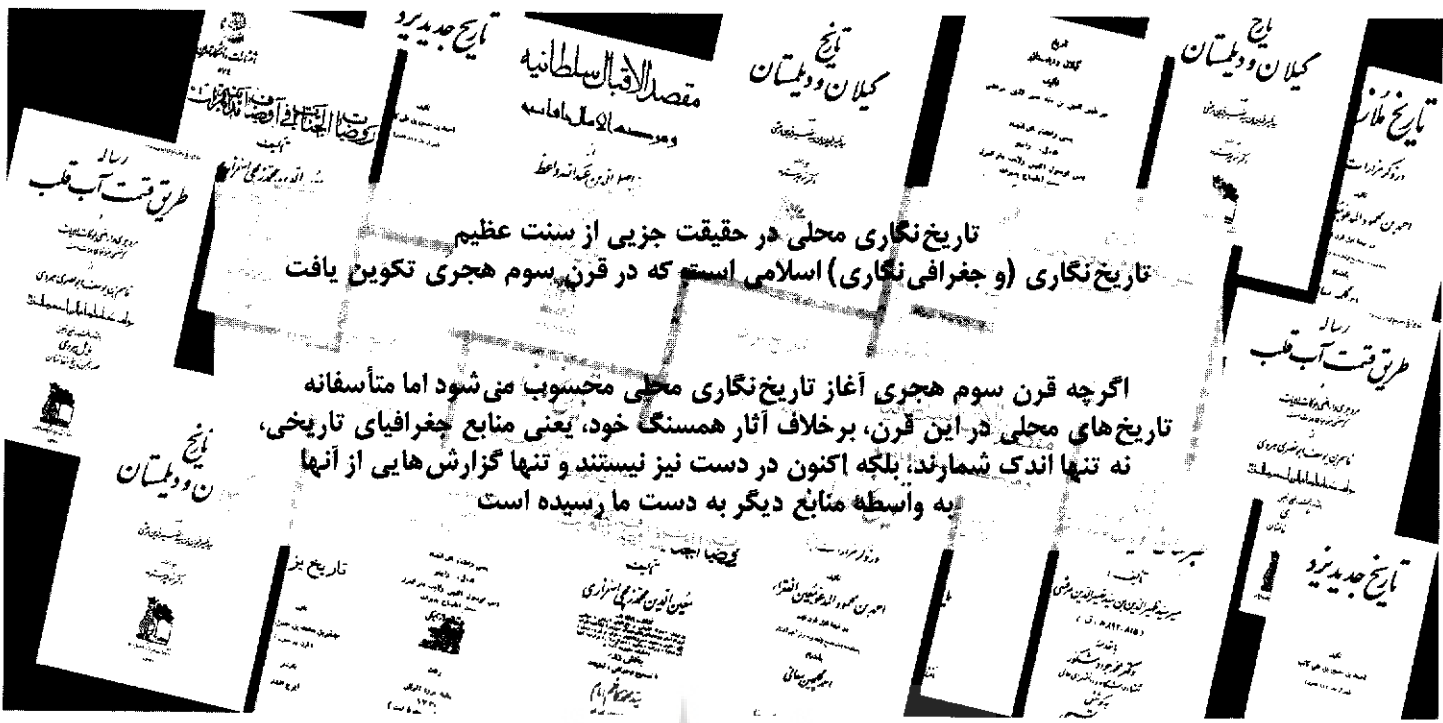
همشهریان خود و ذکر مناقب و مفاخر و مآثر ایشان است...»<sup>۶</sup> سَهْمی که تاریخ جرجان را در اوائل قرن پنجم نوشته است علت تصنیف کتاب را صرفاً پاسخ‌گویی به نیاز برخاسته از تعصب به زادگاهش برمی‌شمارد.<sup>۷</sup> مافروخی، مؤلف کتاب محاسن اصفهان که در نیمه دوم قرن پنجم آن را تألیف کرده است به صراحت از حب الوطن به منزله انگیزه نگارش کتابی در تاریخ محلی یاد می‌کند.<sup>۸</sup>

چنان که پیداست از سده سوم هجری به بعد یکی از انگیزه‌های اساسی در روی آوردن مورخان به تألیف تاریخ‌های محلی، گرایشات و تمایلات زادبوم‌ستایانه آن‌ها بوده است. این گرایشات در قرون بعد چنان شدت یافت که احمد سلمی که در قرن دهم در خراسان می‌زیسته و کتابی با نام اخبار ولایة خراسان تألیف نموده به سان ابن حزم در اسپانیا، عدم وجود آثاری در مورد تاریخ محلی را رسوایی می‌شمرد. او می‌گوید: «هل خراسان بیش از دیگران، در بسیاری از وقایع مهم دست داشتند. بنابراین، علمای خراسان موظفند تاریخ (انباء - ایام) سرزمین و امیران خود را بدانند و حفظ کنند. هیچ چیزی برای آنها شرم‌آورتر از این نمی‌تواند باشد که در عین پرداختن به مطالعه اخبار دیگران، از اخبار دیار خود غفلت ورزند، این به آن ماند که واجبات را ترک گویند و مستحبات و نوافل را پی گیرند.»<sup>۹</sup> شکوه و شکایت سلمی از مورخان در عدم عنایت به تدوین تواریخ محلی در قرن دهم، بی‌جهت و ناروا نبوده است زیرا چنان که در همین کتابشناسی ملاحظه می‌شود - در قرن مزبور کمترین تألیف درخصوص تاریخ‌های محلی صورت گرفته است. یعنی در حد یک یا دو مورد، آن هم در تاریخ کرمان و گیلان و نه تاریخ شهرهای خراسان بزرگ. درحالی که اصولاً نخستین تاریخ‌های محلی در ابتدا در برخی از شهرهای خراسان تألیف یافته بود. بنا به عقیده روزنتال «مشرق ایران دارای تاریخ‌نگاری دنیوی شکوفایی بود که سنگ بنای حفظ میهن‌پرستی ایرانیان به شمار می‌آمد. دانشمندان ایرانی‌الاصل که آتش عشق به سرزمین بومی و حب الوطن در دل آنان زبانه می‌کشید. در ستایش بلخ و خراسان نغمه‌سرایي کردند.»<sup>۱۰</sup>

## ارزش و اهمیت تاریخ‌های محلی:

برای تعیین ارزش و اعتبار تاریخ‌های محلی در میان دیگر منابع و مأخذ تاریخی از جنبه‌های مختلف می‌توان به سنجش و ارزیابی پرداخت. به نظر می‌رسد که پیش از هر چیز تاریخ‌های محلی از آن جهت حائز اهمیت‌اند که آگاهی‌های موجود در آنها اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی خاص هستند، به همین جهت در قیاس با تاریخ‌های عمومی، عمدتاً حاوی آگاهی‌های دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند. درست به همین جهت است که هر یک از تاریخ‌های محلی را می‌باید در حکم پایه و ستونی فرض کرد که تنها با وجود آنها می‌توان خیمه تاریخ عمومی کشوری را بر فراز آن افراشت. یا به تعبیر دیگر میتوان تاریخ عمومی یک کشور را در حکم جدولی دانست که خانه‌های آن راه تاریخ‌های محلی می‌سازند.<sup>۱۱</sup> صرفنظر از این ارزیابی کلی، می‌توان ارزش و اعتبار تاریخ‌های محلی را از این منظرها نیز برآورد کرد:

- ۱- حاوی جزئیات‌اند. در این باب ذکر نظر یکی از شرق‌شناسان سرشناس نافع است. استاد ایرج افشار می‌نویسد: «وقتی که با ایلرس (W. Eilers) صحبت از تواریخ محلی و اعتبار آنها بود تعبیر خوبی درباره خصوصیت و اهمیت آنها کرد. نکته‌وار گفت که فایده عظیم این نوع کتب ازین حیث است که «بوی جزئیات» دارند.»<sup>۱۲</sup>
- ۲- پر از مواد و مطالب کم‌یاب و نادراند. مرحوم احمد کسروی در این باب سخن درخور توجهی دارد. می‌گوید: «این گونه تاریخ‌ها [تاریخ‌های محلی] که از وقایع جداگانه یک سرزمین یا از حوادث خاص یک خاندان سخن می‌رانند از این حیث اهمیت دارند که آنچه آنها می‌نگارند در کتابهای دیگر پیداشدنی نیست.»<sup>۱۳</sup>
- ۳- متضمن اطلاعات فراوان در تراجم احوال‌اند و نیز نویسندگان آنها بیش و بهتر از دیگران بر احوال شهر و دیار خود واقف‌اند.
- ۴- حاوی آگاهی‌های ذیقیمت درباره سلسله‌های محلی‌اند. در این باب سخن زنده‌یاد مرحوم زرین کوب چنین است: «در بین مأخذ عمده تحقیق در تاریخ ایران، مخصوصاً در دوره قبل از صفویه، از تاریخ‌های محلی نباید غافل بود.



## تاریخ نگاری (و جغرافی نگاری) اسلامی است که در قرن سوم هجری تکوین یافت

اگرچه قرن سوم هجری آغاز تاریخ نگاری محلی محسوب می شود اما متأسفانه تاریخ های محلی در این قرن، برخلاف آثار همسنگ خود، یعنی منابع جغرافیای تاریخی، نه تنها اندک شمارند؛ بلکه اکنون در دست نیز نیستند و تنها گزارش هایی از آنها به واسطه منابع دیگر به دست ما رسیده است

به رؤسای دین و نه به توده مؤمنین، به شرح وقایع اهل قلم که به وصف کشورشان پرداخته اند و نه به واقعیت های موجود در خود کشور، علاقه و توجه نشان داده می شد. رویکرد به تاریخ محلی از علاقه جدیدی که به تاریخ اجتماعی (Social history) ابراز شده نشأت گرفت. در تاریخ اجتماعی نظر به کل اجزای جامعه یعنی عموم انسانهایی است که فارغ از مراتب طبقات و شأن و منزلت اجتماعی با یکدیگر زندگی می کنند، و نه فقط قلیل مردمان سعادت مندی که در جامعه حکم رانده اند، قضاوت نموده اند، سرکوب کرده اند و یا به تعلیم پرداخته اند.<sup>۱۸</sup>

شرح عجایب و غریب.  
 ○ شرح شورش ها و طغیان های واقع شده در شهرها، ذکر جنگ ها و کشمکش های روی داده بین مناطق و شهرها، قتل و غارت ها، کشتارها و دیگر رویدادهای تلخ و ناگوار.  
 ○ شرح احوال رجال اعم از: فرمانروایان، شاهزادگان، سرداران، امراء، وزراء، بزرگان علم و ادب، دانشمندان، شعراء و ادباء، اقطاب و مشایخ صوفیه، محدثان، فقیهان، قضات و ...  
 ○ شرح آداب و رسوم و فرهنگ عامه که گاه به کلی در طول زمان منسوخ شده اند...  
 ○ بیان اختلافات و کشمکش های مذهبی و فرقه ای و نحوه ظهور آئین ها و فرق مذهبی

زیرا درباب سلسله های مستقل محلی که قسمت عمده تاریخ ایران قبل از صفویه حاوی آن است مهمترین مرجع درواقع همین تاریخ های محلی خواهد بود...<sup>۱۲</sup>  
 ۵ - حاوی آگاهیهای ارزشمند درباره نظام زمین داری، اقتصاد زراعی، شیوه های آبیاری و کشاورزی و وضع اوقاف اند. در این باب نظر ایران شناس معروف و نویسنده اثر کم نظیر مالک و زارع در ایران چنین است: «تاریخ های محلی گاهی از تاریخ های سلسله های پادشاهان سودمندتر است، از جهت احتوای مطالب مربوط به عطایای ارضی، اوقاف، روش های آبیاری و کشاورزی».<sup>۱۵</sup>

**تقسیم بندی تاریخ های محلی:**  
 از محتوای بسیار متنوع تاریخ های محلی چنین برمی آید که نمی توان همه آنها را در یک رده و گونه خاص گنجانید. از این رو برخی محققین بنا بر برخی مشابهت ها و همسانی های موجود در این قبیل کتب قائل به تقسیم بندی آنها شده اند. از جمله روزنتال در یک تقسیم بندی کلی، از تاریخ های محلی دینی و تاریخ های محلی دنیوی سخن گفته است.<sup>۱۹</sup>  
 قسمت نخست اغلب مشتمل بر تاریخ مناطق و شهرهای مقدس و مذهبی بوده است. نظیر: اخبار مکه اثر ابوولید محمد بن عبدالله ارضقی (م ۲۴۴). تاریخ المدینة المنوره اثر ابوزید عمر بن شیبہ نمیری بصری (م ۲۶۲). قسمت دوم اغلب شامل تاریخ مناطق و شهرهای غیر مذهبی بوده است. از قدیمی ترین اینها می توان به تاریخ بغداد اثر احمد بن ابی طاهر طیفور (م ۲۸۰)، تاریخ الموصل اثر ابوزکریا محمد بن ایاس آزدی (م ۳۳۴) و تاریخ بخارا اثر نرشخی (م ۳۴۸) اشاره کرد. اگرچه این تقسیم بندی، شاید تا حد زیادی، در خصوص برخی از تاریخ های محلی درست و صحیح به نظر آید اما تاریخ های محلی از چنان محتوای متنوعی برخوردارند که نمی توان آن ها را در یک تقسیم بندی قاطع و مطلق گنجانید. محض نمونه، کتاب تاریخ قم اگرچه درباره یک شهر مذهبی به نگارش درآمده است و برخی فصول آن نیز حاوی مباحث دقیقاً مذهبی است اما در همان کتاب فصولی وجود دارد که حاوی مباحث

شرح وظهور آئین ها و فرق مذهبی  
 ○ شرح وقایع و حوادث سیاسی، گاه ذکر قساوت ها و بی رحمی های دولتمردان و صاحبان قدرت.  
 ○ ذکر انواع مالیات و خراج، بیان باج خواهی ها و باج دهی ها، وصف اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهر و دیاری خاص در دوره ای مشخص، اشاره به وضع طبقات مختلف جامعه، گاه شرح زندگی طبقات متوسط و فرودست جامعه. بیشتر موارد بالا و به ویژه مورد اخیر مبین آن است که تواریخ محلی عمده متضمن مواد و مطالبی هستند که به مدد آنها می توان در احوال اجتماعی و اقتصادی گذشته به جستجو و پژوهش پرداخت. موضوع و مساله ای که از چند دهه پیش به طور جدی در حوزه پژوهش مورخان غربی، به ویژه بنیان و پیروان مکتب تاریخ نگاری آنال (Annales) در فرانسه بوده است. پیتر گوبرت (Pierre Goubert) در مقاله ارزشمند "Local History" درباره این رویکرد و علت آن می نویسد:  
 «تنها در دو دهه اخیر<sup>۱۲</sup> نوع تازه ای از تاریخ محلی صورت عینی یافته است... این گرایش تازه حاصل ناخشنودی موجود نسبت به روش های تاریخی جاری و نیز حاصل دلنگرانی نسبت به [امکان] طرح و جایگزین کردن انواعی از مساله های تاریخی جدید بوده است. مورخان نسل پیشین عمدتاً به مسائل مربوط به طبقات بالای جامعه می پرداختند. برای مثال در مکتب قدیم تاریخ نگاری فرانسه به قانونگذاران و نه به اجرای قانون، به حاکمان و نه به مردم تحت حاکمیت

۶ - مشحون از اطلاعات سودمند در باب احوال اجتماعی اند. در این باب باز هم به نظر لمبتون که در تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران بعد از اسلام تحقیقات و پژوهش های گسترده و عمیقی انجام داده است، اشاره می کنیم: «هرچند مورخان عموماً برعکس رغبتی که به تألیف تاریخ سیاسی داشته اند به نوشتن تاریخ اجتماعی توجه نکرده اند با این همه در میان تاریخ های محلی کتبی دیده می شود که از این قاعده مستثنی و حائز اهمیت است».<sup>۱۶</sup>  
 مطالبی که آورده شد تنها از برخی جنبه ها به ارزش و اهمیت تاریخ های محلی اشاره داشت. لذا در اینجا فهرست وار به عمده ترین مواد و مطالب موجود در تواریخ محلی اشاره می کنیم تا بر اعتبار و ارزش این منابع از جنبه های دیگر نیز اشاره گردد.  
 ○ ذکر بیان داستان بنیان و بنای شهر و دیار و گاه ذکر وجه تسمیه آن.  
 ○ شرح ویژگی های جغرافیایی و طبیعی، بیان مساحت و وسعت شهر و دیار، بیان ویرانی یا آبادانی شهرها و دهات. وصف آب و هوای نواحی منطقه، نوع زراعت و محصولات و فراورده ها، نوع معادن، صنایع، ذکر مراتع، چشمه سارها و چمن زارها و ...  
 ○ ذکر محاسن و فضائل منطقه، بیان احوال، خلق و خو، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و مذاهب سکنه، زبان و لهجه  
 ○ وصف مساجد، مدارس، خانقاه ها، مزارات بزرگان، کتابخانه ها، بناهای باستانی، حصارها، دروازه ها، قنوات، بقاع،



در علت قلت تاریخ‌های محلی در قرن سوم هجری، شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که در قرن مزبور هنوز احساسات و تعلقات جهان وطنی اسلامی جای خود را به وطن دوستی محلی و منطقه‌ای که انگیزه اساسی نگارش تاریخ‌های محلی محسوب می‌شد، نداده بود.

از سده سوم هجری به بعد، یکی از انگیزه‌های اساسی در روی آوردن مورخان به تألیف تاریخ‌های محلی، گرایش‌ها و تمایلات زاهدانه ستایانه آنها بوده است.

بلکه از رساله‌های کوچک و گاه حجیم که در نشریات ادواری انتشار یافته نیز نباید غافل بود. برای نمونه: «کتابچه موقوفات یزد» اثر عبداله‌باب طراز (تألیف ۱۲۵۷ ق.)، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۰، سال ۱۳۴۱ ش، (ص ۱۲۳-۱)؛ «جغرافیا و تاریخ بلوچستان» به کوشش خالقداد آریا و ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۸، سال ۱۳۶۸ (ص ۲۷۸-۲۰۲)؛ «نسخه‌های ناشناخته در تاریخ کرمان» به کوشش اصغر منتظر صاحب (شیراز)، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۲، سال ۱۳۴۳ (ص ۳۲۲-۲۰۲)؛ «اخبار فارس در عصر ناصری» (۱ - شیراز در ایام عاشورای ۱۲۷۶ ق، ۲ - اخبارات و وقایع مملکت فارس در ۱۲۸۸ ق) (مؤلف ؟) به کوشش کرامت رعناحسینی، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۶، سال ۱۳۶۵ (ص ۳۷۰-۳۶۲)؛ «تاریخ مختصر اصفهان»، اثر حیدرعلی ندیم‌الملک اصفهانی، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۲، سال ۱۳۳۳ (ص ۱۷۳-۱۴۵)؛ و نیز رساله‌ها و کتابچه‌های مضبوط در برخی مجموعه‌ها، برای نمونه: «تاریخ اصفهان» اثر عبدالعزیز کاشانی ملک‌المورخین، به کوشش رسول جعفریان، میراث اسلامی ایران، دفتر چهارم، سال ۱۳۷۶، (ص ۵۲۸-۴۴۷)؛ «علما و مزارات سمرقند» (مؤلف ؟) به کوشش م. ارجمند، میراث اسلامی ایران، دفتر هشتم، سال ۱۳۷۷ (ص ۶۵۱-۶۲۷)؛ و چند کتابچه در تاریخ قم و کاشان بدین شرح: «کتابچه طوائف و ایالات دارالایمان قم»، «کتابچه تفصیل حالات و املاک و مستغلات و قنوت و بلوکات دارالایمان قم»، «کتابچه اعداد نفوس اهالی دارالایمان قم»، «کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان» اینها و چند مورد دیگر در این کتاب مضبوط‌اند. قم‌نامه، نگارش سیدحسین مدرسی طباطبایی، کتابخانه مرعشی (قم، ۱۳۶۴) ۴۱۳ ص.

گذشته از اینها از برخی منابع و مأخذ تواریخ محلی که هنوز به شکل نسخه‌های خطی یا چاپ سنگی هستند، نباید غافل بود. از جمله بضاعة مزاجه (در تاریخ شوشتر و دزفول)، «آثار جعفری» (در تاریخ و جغرافیای فارس) و... در خاتمه این گفتار نباید از یادآوری یک نکته مهم درباره

فارسنامه ناصری (قرن ۱۴).

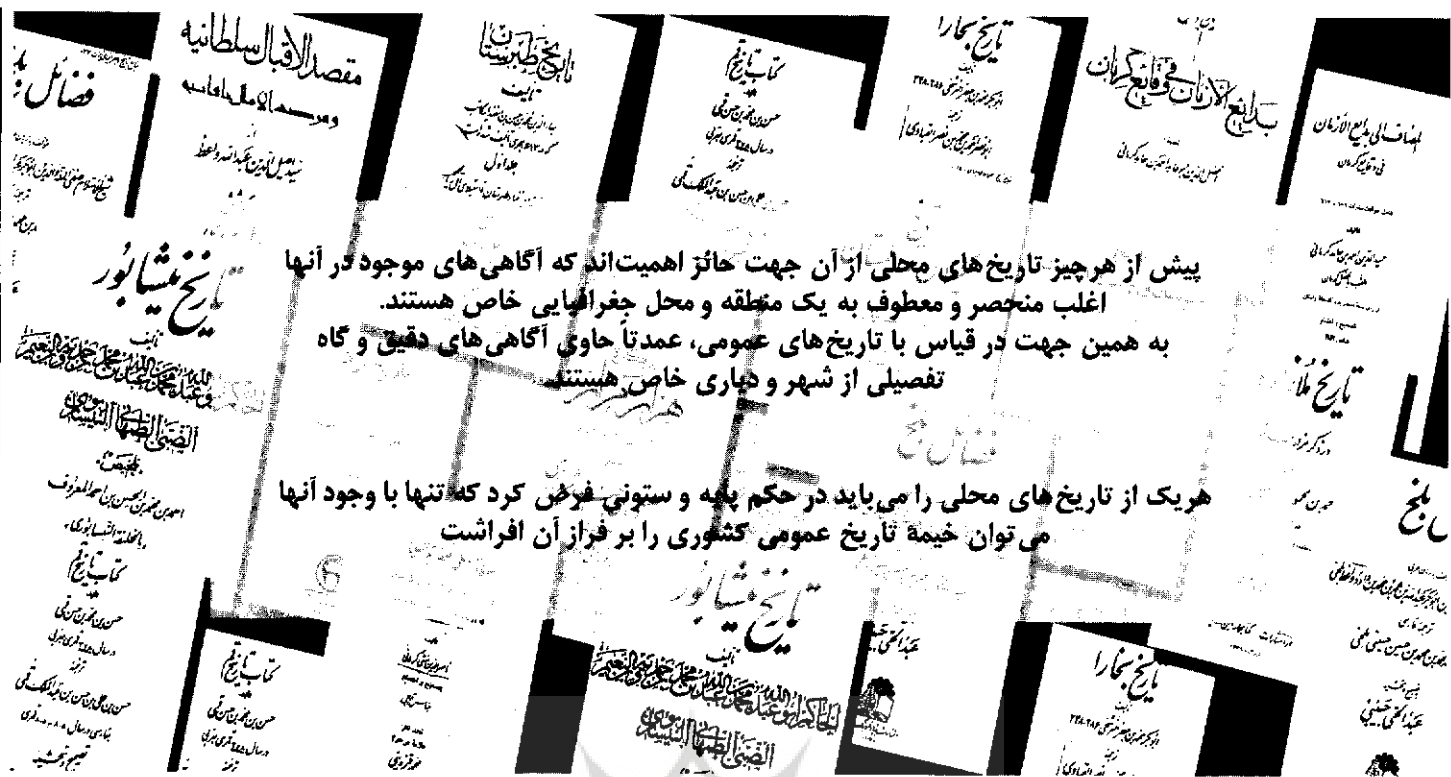
### تاریخ‌های محلی و منابع مکمل:

اگرچه تواریخ محلی منابع سودمندی برای کسب آگاهی‌های محلی - منطقه‌ای محسوب می‌شوند ولی با این حال رجوع صرف به آنها برای محقق واقعی به مقصود نخواهد بود. به نظر می‌رسد که برای نیل به مقصود از دو دسته منابع دیگر که نقش مکمل دارند نباید غفلت ورزید. یکی منابع «جغرافیای تاریخی» که تقریباً همزاد و همسنگ تاریخ‌های محلی‌اند و دیگر «سفرنامه‌ها» که از قرن چهارم نخستین نمونه‌های آنها به رشته نگارش درآمدند. اگر بپذیریم که «سفرنامه‌ها جزء منابع جغرافیایی به حساب می‌آیند.»<sup>۲۳</sup> و از طرف دیگر «تواریخ محلی به منزله متون جغرافیایی از اهمیت شایانی برخوردارند.»<sup>۲۴</sup> و همچنین منابع جغرافیای تاریخی نیز به نوبه خود حاوی آگاهی‌های درخور توجه تاریخی‌اند، بنابراین می‌توان، دقیقاً از مکمل بودن این سه دسته منابع سخن گفت و بر این امر تأکید ورزید که کسب آگاهی‌های همه‌جانبه از تاریخ منطقه، ناحیه و شهری خاص عمدتاً مستلزم بهره‌گیری از این سه دسته منابع است.<sup>۲۵</sup>

در پایان این گفتار، اشاره به این نکته ضروری است که کتابشناسی حاضر به هیچ‌رو دربرگیرنده تمام منابع مربوط به تاریخ‌های محلی نیست.<sup>۲۶</sup> بلکه گزیده امهات منابع مذکور است. برای نمونه در این کتابشناسی از کتب «مزارات» که گونه‌ای از انواع تواریخ محلی به شمار می‌روند تنها به پنج مورد اکتفا شده و یا از تواریخ مربوط به خراسان بزرگ یا کردستان، به چند مورد بسنده شده است. با این حال از آنجا که منابع، بنابر موضوعی واحد و مشخص و با رعایت ترتیب قرون هجری، تنظیم یافته است شاید بتواند تاحدی اهمیت و جایگاه منابع مربوط به تواریخ محلی را، در میان دیگر منابع و مأخذ تاریخی روشن سازد.

باز هم اشاره به نکته‌ای دیگر خالی از فایده نیست و آن این که منابع تواریخ محلی را نباید تنها به کتابها محدود کرد

ارزشمندی درخصوص اقتصاد زراعی، ملک‌داری، نظام آبیاری، و نیز فصولی درباره روند مهاجرت اعراب و استقرار آنها در این شهر و از این قبیل مسائل است یا تاریخ نیشابور اگرچه درباره یک شهر غیرمذهبی به نگارش درآمده است اما با این حال جز بخش کمی از آن که به تاریخ و جغرافیای شهر مربوط است، عمده مطالب دیگر آن حول محور رجال و بزرگان دین است. مؤلف در این کتاب اسامی ۲۶۸۰ تن از بزرگان و عالمان دین را که از نیشابور برخاسته‌اند در هشت طبقه یا گروه دسته‌بندی کرده است که با جمع صحابه آغاز می‌شود و به دانشمندان هم عصر مؤلف ختم می‌شود. بی‌جهت نیست که این اثر را در زمره «کُتب طبقات» خوانده‌اند.<sup>۲۷</sup> باز برای نمونه‌ای دیگر می‌توان به تاریخ بیهق اشاره کرد که از جهت تنوع محتوایی، اثری است بسیار جالب و درخور توجه. کتاب با بیان ارزش و فواید علم تاریخ آغاز می‌شود. به ارائه مختصر کلیات تاریخ دین می‌پردازد و سپس گزارش‌های خود را با ذکر رویدادهای مهم شهر بیهق و افزودن پاره‌ای تأملات فلسفی - اخلاقی در باب فساد و تباهی دنیا، به پایان می‌برد. و چون به تبار عربی خود تفاخر می‌کند به دسته‌بندی افراد عرب تبار بیهق می‌پردازد. چون بیهق سرزمین شعر و ادب بوده است، از آوردن افرادی از این شهر که به فارسی شعر سروده‌اند خودداری نمی‌کند و همچنین به ذکر تک اسامی بزرگانی که از این شهر برخاسته‌اند می‌پردازد. بنابراین چنان که پیداست تاریخ بیهق به لحاظ تنوع محتوایی که واجد آن است، به هیچ‌رو در تقسیم‌بندی پیش گفته نمی‌گنجد. درست به همین دلیل است که روزنتال درباره این کتاب می‌نویسد: «تاریخ بیهق کتابی پربرار و غنی است و به سادگی نمی‌توان آن را در رده‌های خاص جای داد.»<sup>۲۸</sup> البته چنین ویژگی تنها محدود و منحصر به تاریخ‌های محلی قرون متقدم نیست چرا که تواریخ محلی قرون دیرتر، حتی قرون متأخر نیز دقیقاً واجد چنین ویژگی‌اند. محض نمونه: کتاب فردوس در تاریخ شوشتر و برخی مشاهیر آن (قرن ۱۱)، جامع مفیدی (قرن ۱۱)، مطلع‌الشمس یا تاریخ ارض اقدس (قرن ۱۳) و



پیش از هر چیز تاریخ های محلی از آن جهت حائز اهمیت اند که آگاهی های موجود در آنها اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی خاص هستند. به همین جهت در قیاس با تاریخ های عمومی، عمدتاً حاوی آگاهی های دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند.

هریک از تاریخ های محلی را می باید در حکم پایه و ستونی فرض کرد که تنها با وجود آنها می توان خیمه تاریخ عمومی کشوری را بر فراز آن افراشت.

را به انگلیسی ترجمه کرد و در سال ۱۹۷۲ م. منتشر ساخت. پاره ای از محققان و ایران شناسان هندی نیز در سده نوزدهم به تصحیح و انتشار تاریخ های محلی توجه خاص نشان دادند. از چند موردی که در کتابشناسی حاضر ذکر آنها رفته است یکی کتاب تذکره شوشتر است که در سال ۱۸۴۸ م. توسط خان بهادر مولی بخش و محمد هدایت حسین تصحیح و از سوی جامعه آسیایی بنگال چاپ شده است.

### ایران شناسان ایرانی و تاریخ های محلی:

چنان که از کتابشناسی حاضر برمی آید، محققان تاریخ و ادب این مرز و بوم تنها از دهه ۱۳۱۰ شمسی به تصحیح و انتشار تاریخ های محلی اهتمام ورزیده اند. از نخستین کسانی که به تصحیح تواریخ محلی همت گماشتند از سه استاد در گذشته - که رحمت خدا بر آنها باد، یاد باید کرد: بهمن کریمی (تصحیح شیرازنامه، ۱۳۱۰ ش) سیدجلال الدین طهرانی (تصحیح تاریخ قم، ۱۳۱۳)، ملک الشعراء بهار (تصحیح تاریخ سیستان، ۱۳۱۴). بعد از این سه تن که در دهه ۱۳۱۰ به انتشار آثار یاد شده پرداختند عمدتاً از دهه ۲۰ به بعد توجه به تصحیح تواریخ محلی بیشتر شد. مرحومان علامه قزوینی و عباس اقبال و تنی چند از استادان دیگر که نامشان در این کتابشناسی آمده است، در امر تصحیح تاریخ های محلی کوشا بوده اند. از استادان دانشمندی که اکنون در قید حیات اند و انشاءالله خداوند بر عمر آنها بیفزاید، چهار تن بیش از دیگران به تصحیح و نشر تواریخ محلی اهتمام ورزیده اند. استادان دانشمند ایرج افشار، باستانی پاریزی، احمد اقتداری و منوچهر ستوده. این مقاله ناچیز را به رسم ادب و تواضع به محضر این اساتید بزرگوار که به حق از خادمان واقعی تاریخ این مرز و بوم بوده اند تقدیم می کنم.

و رویان و مازندران را در سال ۱۸۵۰ م، تاریخ خانی را در ۱۸۵۷ م، تاریخ گیلان را در ۱۸۵۸ م، تصحیح و با مقدمه و حواشی به زبان آلمانی در پترزبورگ منتشر کرد؛ تاریخ بخارا را در سال ۱۸۸۲ م. توسط شارل شفر (Charles Schefer) و در سال ۱۸۹۷ م. توسط لیکوشین تصحیح و به فرانسه و روسی ترجمه شد. همین کتاب در سال ۱۹۵۴ م. توسط ریچارد فرای (Richard Frey) به انگلیسی ترجمه و انتشار یافت. شرفنامه بدلیسی در سال ۱۸۶۰ م. توسط ویلیامینوف زرنوف (Veliaminof Zernof) تصحیح و به روسی ترجمه شد و بعد از او مستشرقان دیگری نظیر ولوکف (Volkov) شفر (Schefer)، موری (Morlay) و بارب (Barb) کتاب مزبور را به زبانهای مختلف اروپایی ترجمه و منتشر ساختند. همچنین ادوارد براون (E.G. Browne) قسمت هایی از ترجمه محاسن اصفهان را در سال ۱۹۰۱ م. و تاریخ طبرستان را در سال ۱۹۰۵ م. به انگلیسی ترجمه و منتشر ساخت. مستشرق و اسلام شناس سوئیسی - ددرینگ (Dedering) - کتاب ذکر اخبار اصفهان را در سال ۱۹۲۱ م. در دو جلد همراه با پیشگفتاری به آلمانی در لیدن منتشر ساخت. ولادیمیر مینورسکی (V.F. Minorsky) نیز در سال ۱۹۵۸ م. تاریخ شروان و دربند (نقل از کتاب جامع الدول منجم باشی) را چاپ کرد. وی در سال ۱۹۵۵ م. پژوهش هایی درباره تاریخ قفقاز به همراه بحثی درباره تاریخ گنجه و مطالبی از جامع الدول منجم باشی منتشر ساخته بود.

باریه دومینار (Barbier De meynard) نیز برای نخستین بار به ارزش و اهمیت روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات پی برد و آن را در مجله آسیایی معرفی کرد و سپس بعضی مطالب آن را به فرانسه ترجمه و دو فصل از آن را چاپ کرد. چارلز ریو (Charles Rieu) نیز در فهرست مخطوطات فارسی موزه بریتانیا شرحی در معرفی کتاب و شمه ای در احوال مؤلف نوشت. هوتسما (Houtsma) تواریخ آل سلجوق را تصحیح و به فرانسه ترجمه و در لیدن منتشر ساخت. هربرت بوسه (Herbert Buse) متن کامل فارسنامه ناصری

برخی از تاریخ های عمومی که گاه محتوی بر پاره ای اطلاعات و آگاهی های مربوط به شهر و دیاری خاص هستند غفلت ورزید، چرا که در لابه لای برخی از تواریخ عمومی بعضاً اطلاعات سودمندی از سنخ آنچه که در تواریخ محلی می توان یافت، بدست می آید. چنان که مرحوم زنده یاد زرین کوب، درباره یکی از تاریخ های عمومی - تاریخ سنی ملوک الارض والانبیاء - اثر حمزه اصفهانی (متوفی ۳۶۰) اظهار داشته اند که این اثر به جهت اشتمال بر معلومات سودمند در باب تاریخ خراسان و طبرستان در تحقیق تاریخ ایران بعد از اسلام اهمیت دارد. (ر. ک: تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۸).

همچنین نباید از برخی تاریخ های دودمانی - سلسله ای که بعضاً حاوی اطلاعاتی پراکنده در باره قلمرو جغرافیایی تحت حاکمیت سلسله ای خاص هستند غفلت ورزید (نظیر تاریخ آل مظفر از کتبی، موهاب الهی در تاریخ آل مظفر از معلم یزدی، تاریخ ملوک شبانکاره از معین الدین نطنزی).

### ایران شناسان اروپایی و تاریخ های محلی:

راقم این سطور پیش از این در مقدمه «کتابشناسی جغرافیای تاریخی اسلام و ایران» (کتاب ماه تاریخ و جغرافیه، ش ۳۱) یادآور شده بود که از اوایل قرن نوزدهم میلادی خاورشناسان اروپایی اقبال زائدالوصفی به شناسایی، تصحیح، ترجمه و انتشار منابع جغرافیای تاریخی اسلام و ایران از خود نشان دادند، و درست بیش از یک سده بعد از آنان، آنها هم در برخی از کشورهای اسلامی، محققان و مصححان مسلمان به فکر شناسایی، تصحیح و انتشار منابع مذکور افتادند، همین امر در خصوص تصحیح، ترجمه و انتشار منابع و متون تاریخ های محلی هم صق می کند چنان که از همین کتابشناسی حاضر نیز برمی آید نخست مستشرقان اروپایی امهات منابع و متون تاریخ های محلی را شناسایی و تصحیح کردند و با مقدمه و حواشی و تعلیقات عالمانه و مفید منتشر ساختند و حتی برخی از آنها را، به پاره ای از زبان های اروپایی نیز ترجمه کردند محض نمونه: برنهارد دارن (Bernhard Dorn) تاریخ طبرستان

\* \* \*



## تالیفات قرن چهارم

متن اصلی کتاب) آن را منتشر ساخت.

۲ - قمی، حسن بن محمد بن حسن: تاریخ قم<sup>۳۸</sup> (تألیف ۳۷۸ ق)، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، به تصحیح سیدجلال الدین طهرانی، مطبعه مجلس، چاپ اول، تهران، ۱۳۱۳، چاپ دوم، توس، تهران، ۱۳۶۱، ۳۵۱ ص.

کتاب مشتمل است بر یادداشت کوتاه مصحح، مقدمه مترجم و مؤلف (ص ۱۹-۲۰)، متن کتاب (ص ۳۰۵-۲۰) فهرست‌های راهنما (ص ۳۵۱-۳۰۷).

توضیح: مؤلف کتاب حاضر که از شاگردان شیخ صدوق و برادرش، حسین بن علی بن بابویه قمی بوده، در زمره نویسندگان قرن چهارم هجری قمری است که در نیمه اول این قرن در قم به دنیا آمده است. وی مردی دانشمند بوده و در دستگاه صاحب‌بن عبّاد، وزیر آل بویه راه داشته و برادرش نیز از کاتبان دیوان بوده است. مؤلفه این اثر را در سال ۳۷۸ ق به تشویق صاحب‌بن عبّاد اسمعیل کافی الکفاة، در عصر فخرالدوله دیلمی به عربی تألیف نموده که در سال ۸۰۵ و ۸۰۶ ق به فارسی ترجمه شده است. اصل متن عربی کتاب مشتمل بر بیست و پنج باب و پنجاه فصل بوده که از میان رفته و تنها پنج باب از ترجمه آن در دست است. با این حال، این اثر از نفایس کتب تاریخ محلی است که مشتمل بر فوائد بسیاری می‌باشد، بویژه از جهت اشمال بر اطلاعات مهم درباره اقتصاد زراعی، نظام زمین‌داری، شیوه آبیاری، میزان خراج و نحوه مهاجرت اعراب به قم و استقرار آنها در آن شهر و حوالی آن.

۳ - ابو عبدالله حاکم نیشابوری: تاریخ نیشابور، ترجمه و تلخیص محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، نشر آگه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸، ۳۱۰ ص

کتاب مشتمل بر پیشگفتار و مقدمه مصحح (ص ۵۸-۱۳)، متن کتاب (ص ۲۳۴-۶۱) تعلیقات (ص ۳۳۲-۲۳۵)، فهرست‌ها (شامل ۸ مورد) و مشخصات مراجع مصحح (ص ۴۱۰-۳۳۶).

توضیح: حاکم نیشابوری (۴۰۵-۳۲۱ هـ ق) - چنان که شهرت دارد - بیش از هفتاد سال از عمر خود را صرف تحصیل، تدریس و تألیف نموده است. او آثار متعددی داشته، از جمله تاریخ نیشابور که ظاهراً در ۱۲ جلد تألیف نموده است. اگرچه اصل این اثر به دست نیامده؛ اما استفاده مؤلفان بعد از او از این کتاب نشان می‌دهد که اثرش از شهرت و اعتبار به‌سزایی برخوردار بوده است. امروزه آنچه از این اثر بزرگ بجامانده ترجمه و تلخیصی است که در قرن هشتم صورت گرفته است.

بخشی از این کتاب، تاریخ نیشابور است به معنی دقیق کلمه و بخشی نیز مشتمل است بر احوال جمعی از دانشمندان نیشابور در چهار قرن اول عصر اسلامی و نیز دانشمندانی که از نقاط مختلف ایران بزرگ، برای تحصیل یا تدریس به

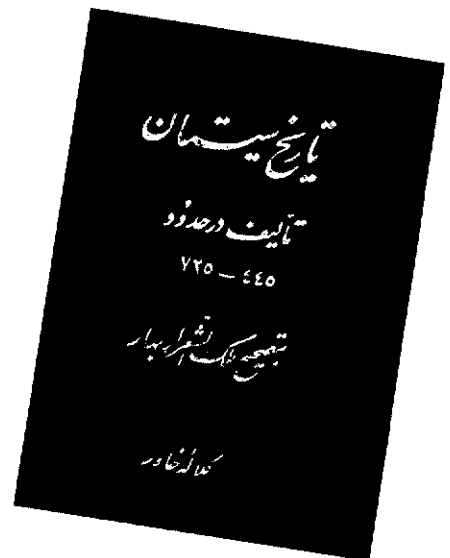
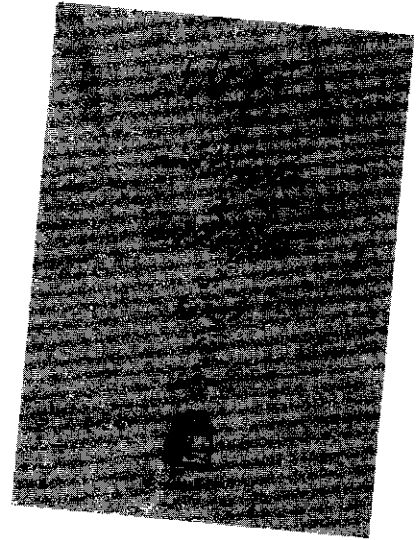
۱ - نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر: تاریخ بخارا، ۳۷، ترجمه: ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص: محمد بن زفر بن عمر، به تصحیح مدرس رضوی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، [چاپ دوم]، تهران، ۱۳۵۱، سی و یک + ۴۴۵ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص. سیزده - سی و یک)، متن کتاب (ص ۱۳۷-۳)، حواشی و تعلیقات (ص ۳۸۵-۱۴۱)، فهرست لغات نادر و فهرست اعلام (ص ۴۴۵-۳۸۹).

توضیح: درباره زندگی نرشخی (۳۴۸-۲۸۶ ق) و چگونگی زندگانی او اطلاع بسیار اندکی در دست است. او معاصر شاهان سامانی بوده و تا پس از وفات ابومحمد نوح بن نصر سامانی (حکومت: ۳۴۳-۳۳۱ ق) در قید حیات بوده و کتاب خود را به امیر نوح تقدیم کرده است. (ص. پانزده). کتاب تاریخ بخارا در اصل عربی بوده، اما تقریباً دو قرن پس از تألیف، یعنی در سال ۵۲۲ ق با تصرفاتی به فارسی ترجمه شده است. مترجم «قسمتی از مطالب کتاب را که ملالت‌آور و بی‌اصل می‌پنداشته، و در ذکر آن سودی نمی‌دید» است در ترجمه کتاب انداخته است. و به جای آن اطلاعات و اخبار مفیدی از دیگر کتب مانند کتاب خزائن العلوم نیشابوری و کتب دیگر بر ترجمه خویش افزوده است. «و باز در سال ۵۷۴ (یعنی پنجاه و دو سال بعد) محمد بن زفر بن عمر ترجمه قباوی را تلخیص کرده است. نسخ متعدد همین تلخیص است که اکنون موجود است و مبنای تصحیح و تحقیق، مصححان و محققان بوده است.

کتاب تاریخ بخارا از جمله مهمترین و معروف‌ترین تاریخ‌های محلی ایرانی است که نکات تاریخی آن برای روشن شدن گذشته قسمتی از ایران سودمند، و شامل حقایقی چند از اوضاع و احوال پایتخت سامانیان است که کمتر در جای دیگر آنها را می‌توان یافت.

تاریخ بخارا نخستین بار توسط شارل شفر (Charles Schefer) با حواشی دقیقی به فرانسه ترجمه و در ۱۸۸۳ (بخشی از آن) و در ۱۸۹۲ میلادی به طور کامل به چاپ رسیده است (۲۹۱ ص. متن کتاب + I - IV (= ۴) صفحه مقدمه به فرانسه). در سال ۱۸۹۷ میلادی مستشرق روسی، ن لیکوشین در تاشکند آن را به روسی ترجمه و منتشر نمود. در سال ۱۹۵۴ میلادی مستشرق معروف ریچارد. ن. فرای آن را به انگلیسی ترجمه و با یادداشت‌های سودمند منتشر ساخت. استاد مدرس رضوی بار اول در سال ۱۳۱۷ شمسی با بهره‌گیری از سه نسخه و بار دوم در ۱۳۵۱ با استفاده از سه نسخه دیگر مبادرت به تصحیح این اثر نمود و با حواشی و تعلیقات مفصل (تقریباً دو برابر





طبعة الاولى، حیدرآبادالدکن، ۱۳۶۹ ق = ۱۹۵۰ م، لد [= ۲۸ ص] + ۵۱۷ + ۲۱۹ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مفصل مصحح (الف - لد [= ۲۸ ص])، متن کتاب (ص ۵۱۷-۱)، فهرست اعلام علماء جرجان والواردین علیها (ص ۱۱۶-۲)، فهرست بقيةالاعلام فی تاریخ جرجان (ص ۲۱۹-۱۱۷).

توضیح: سهمی (تولد در حدود ۳۴۵ - درگذشت ۴۲۷ ق) از دانشمندان بزرگ قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هجری قمری است که تألیفات متعددی از خود بجا گذاشته است. یکی از معروفترین آثار او تاریخ جرجان [گرگان] است.

کتاب متضمن دو مبحث اصلی است: ۱ - مطالب و وقایع تاریخی، ۲ - تراجم یا شرح حالها، بخش اخیر قسمت عمده کتاب را شامل می‌شود. در این قسمت حدود ۱۰۲۰ شرح حال از علماء، فقها، راویان حدیث، مفسرین، مصنفین، حافظان بزرگ قرآن، و تعداد زیادی احادیث، حکایات و روایات از کسانی که وارد جرجان شده و به تدریج جرجانی شده‌اند و از اهالی خود جرجان و یا از کسانی که جرجانی بوده و به بلاد دیگر رفته‌اند ارائه شده است که همه این تراجم به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. «سهمی از ذکر تراجم زنان غفلت نکرده و «شرح مجملی از زندگی زنان نام‌آور و دانشمند جرجان را ارائه می‌دهد.» (عطاران، ص ۲۱) کتاب علاوه بر آگاهی‌های فراوان راجع به تراجم احوال، دربردارنده اطلاعات ارزشمندی از تاریخ گرگان در قرون نخستین اسلامی است. از جمله: ذکر فتح گرگان، ذکر ورود اصحاب پیامبر (ص) و تابعین به گرگان، ذکر نسب یزیدین مهلب و اولاد او، ذکر عمال بنی‌امیه و...

کتاب حاضر علیرغم ارزش و اهمیت زیاد و فواید بسیار متأسفانه هنوز به زبان فارسی ترجمه نشده است. مصحح محترم، کتاب حاضر را از روی یگانه نسخه خطی موجود در کتابخانه بودلیان دانشگاه آکسفورد تصحیح و در حیدرآباد هند منتشر کرده است.

۵ - ابونعیم، احمدبن عبدالله (مشهور به حافظ ابونعیم اصفهانی): ذکر اخبار اصفهان<sup>۳</sup>، ترجمه نورالله کسای، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ۸۳۶ ص. کتاب حاضر مشتمل است بر مقدمه‌ای بسیار مفصل در سه بخش (ص ۱۱۰-۱۳)، متن کتاب (ص ۸۰۷-۱۱۱)، مأخذ مترجم و فهرست تفصیلی اسامی رجال (ص ۸۲۶-۸۰۸).

توضیح: سراسر زندگی دیربای حافظ ابونعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۰ ق) با طلوع و افول سلسله ایرانی نژاد و شیعی مذهب آل بویه (۴۴۸-۳۲۲ ق) مقارن بوده است. او از دانشمندان برجسته علوم دینی و نویسنده معروف احوال صوفیان و محدثان در نیمه دوم سده چهارم و نیمه نخست سده پنجم هجری است که برای تحصیل دانش‌های رایج روزگار به عراق و حجاز و خراسان و گرگان سفرها کرده و از حلقه درس عالمان بلاد بهره‌ها برده و در بازگشت به

نیشابور آمده‌اند... (ص ۱۷ و ۱۶). مؤلف در این کتاب اسامی ۲۶۸۰ تن از بزرگان برخاسته از نیشابور راه در هشت طبقه یا گروه دسته‌بندی کرده که با جمع صحابه آغاز و به دانشمندان هم عصر مؤلف ختم می‌شود. (ص ۱۹)

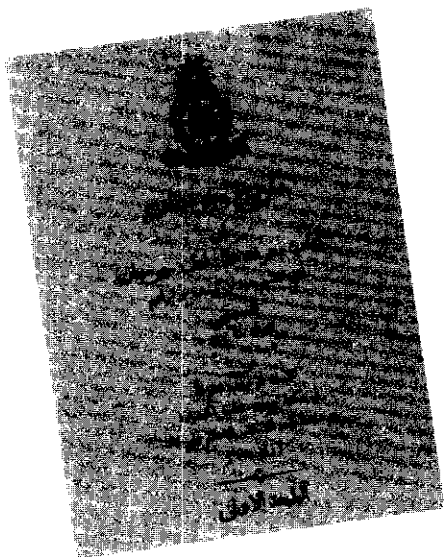
بعد از بخش رجالی کتاب، بخش بسیار مهم و ارزشمند تاریخی و جغرافیائی آن آمده است. این بخش حاوی بیشترین اطلاعات موجود درباره پیشینه نیشابور قبل از اسلام و ساختار شهر و رستاق‌ها و دیه‌های پیرامون آن و میدان‌ها و محلات و کوچه‌ها و مقابر و مساجد و دیگر ابنیه آن است (ص ۲۱-۲۰).

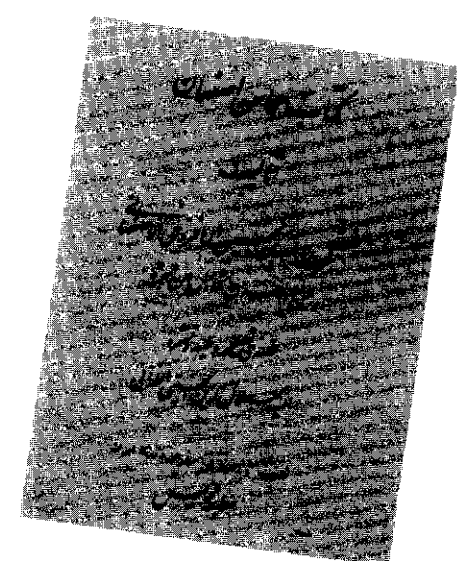
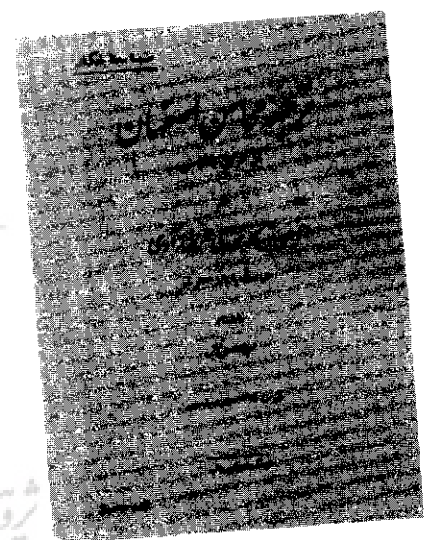
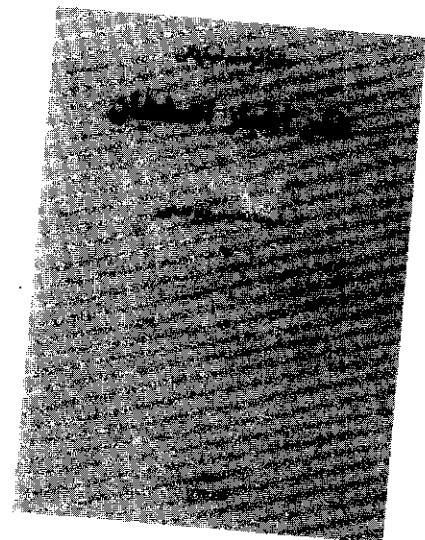
این اثر نخستین بار با سعی و اهتمام مرحوم دکتر بهمن کریمی در سال ۱۳۳۹ شمسی انتشار یافت. این چاپ علیرغم زحمات بسیار مصحح آن، اشکالات عدیده‌ای داشت که استاد شفیع کدکنی بر برخی از آنها اشاره کرده است (ص ۵۲) همچنین ریچارد فرای در سال ۱۹۶۵ این کتاب را همراه با دو اثر دیگر درباره نیشابور (السیاق عبدالغافر فارسی و منتخب کتاب السیاق صریقی) به صورت عکسی منتشر کرده است. گفتنی است که مبنای این هر سه چاپ، نسخه عکسی محفوظ در کتابخانه بورسای ترکیه بوده است. چاپ حاضر با دقت و وسواس فراوان و در طول چند سال کار صعب و طاقت‌فرسا به شایسته‌ترین شکل ممکن فراهم آمده است. مصحح دانشمند این اثر در بخشی از مقدمه به ذیل‌هایی که بر تاریخ نیشابور نوشته شده نیز اشاره کرده‌اند. از جمله دو ذیل که خوشبختانه یکی از آنها به تمامی و دیگری به گونه ناقص باقی مانده است. این دو عبارتند از: السیاق یا سیاق التاريخ یا السیاق التاريخ نیشابور<sup>۴</sup> از عبدالغافر فارسی (۵۲۹-۴۵۱ ق) و تلخیص آن به عنوان المنتخب من السیاق که تقی‌الدین ابواسحاق ابراهیم الصریقی (۶۴۱-۵۸۱ ق) آن را فراهم آورده است. از اصل نوشته عبدالغافر بخشی که شامل زندگی‌نامه کسانی است که نامشان حسن است تا آخر کتاب باقی مانده است و از تلخیص یا منتخب آن که تألیف صریقی است نسخه‌ای کامل موجود است که تصحیح و انتشار یافته است (ر. ک: اعداد: محمدکاظم المحمودی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش / ۱۴۰۳ ق. پانزده + ۸۶۳ ص)

این هر دو کتاب تماماً به زبان عربی است و فقط شامل زندگی‌نامه دانشمندان است که از نیشابور برخاسته‌اند یا در نیشابور بوده‌اند (ص ۵۴).

## تألیفات قرن پنجم:

۴ - السهمی، حمزة بن یوسف: تاریخ جرجان او کتاب معرفة علماء اهل جرجان<sup>۳</sup>، به تصحیح شیخ عبدالرحمان الیمانی، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیه،





اصفهان تا دیرگاهی که در قید حیات بوده، به تألیف آثار بسیار و تعلیم انبوه شاگردان پرداخته است (ص ۱۳) او اثر حاضر را در حدود سال‌های ۴۲۰-۴۱۹ قمری به پایان رسانیده است (ص ۴۹) این اثر در واقع نمونه تقلیدگونه اما مفصل و بدیع‌تر از کتاب طبقات المحدثین باصفهان والواردین علیها تألیف ابوالشیخ اصفهانی (م ۳۶۹ ق)، از مشایخ حدیثی ابونعیم است (ص ۵۰) چنان که پیداست کتاب حاضر علیرغم عنوان آن، کتابی سراسر تاریخی نیست. «بخش عمده مطالب ذکر محدثان و روایت حدیث یا احادیث از کسانی است که اصفهانی بوده یا به اصفهان آمده و در این شهر حدیث گفته یا حدیث شنیده‌اند، و تنها بخش کوتاهی از آغاز کتاب به ذکر اخبار جغرافیایی - تاریخی، فضائل، فتح اصفهان به دست نومسلمانان عرب و نیز صحابه‌ای که از اصفهان دین کرده‌اند، اختصاص یافته است» (ص ۱۰۹).

برای آگاهی از فواید تاریخی، جغرافیایی و زبان‌شناختی این اثر بنگرید به مقاله مفصل علی اشرف صادقی تحت عنوان مقایسه و رابطه کتاب ذکر اخبار اصفهان با کتاب طبقات المحدثین تألیف ابوالشیخ اصفهان، که به صورت بخش دوم مقدمه همین اثر آورده شده است (صص ۱۰۰-۵۹).

گفتنی است که کتاب حاضر نخستین بار به کوشش یکی از اسلام‌شناسان و مستشرقان سوئیسی به نام ددرینگ (Dedering) در سال ۱۹۳۱ میلادی در لیند هلند در دو مجلد انتشار یافته است. پیشگفتار آلمانی ددرینگ بر این کتاب توسط استاد محمد مجتهد شبستری ترجمه و در مقدمه چاپ حاضر آورده شده است (صص ۵۸-۵۲).

۶ - مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد: ترجمه محاسن اصفهان (تألیف بین سالهای ۴۸۵-۴۶۵ ق)، ترجمه حسین بن محمد بن ابی‌الرضا آوی (در سال ۷۲۹ ق)، به اهتمام عباس اقبال، شرکت سهامی چاپ، تهران، ۱۳۲۸، ز + ۱۶۸ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه عباس اقبال (الف - ز [= ۵ ص]). متن کتاب (ص ۱۴۶-۱)، فهرست‌های متعدد و حواشی و ملاحظات (ص ۱۶۸-۱۴۷).

توضیح: مؤلف این اثر از نویسندگان عصر جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی (حکومت: ۴۸۵-۴۶۵ ق) و روزگار حکمرانی پسر ارشد خواجه نظام‌الملک، نصره‌الدین ابوالفتح فخرالملک (۵۰۰-۴۳۴ ق) بر اصفهان بوده است. محاسن اصفهان، کتابچه‌ای است به زبان عربی در وصف اصفهان و ذکر محاسن پاره‌ای از فواید تاریخی و جغرافیایی و ادبی زادگاه نویسنده که به ضمیمه رساله‌الارشاد در احوال صاحب‌بن عبّاد انتشار یافته است. (ر. ک: کتاب محاسن

اصفهان: تصحیح سید جلال‌الدین الحسینی الطهرانی، مطبوعه مجلس، د + ۱۴۳ + رساله‌الارشاد فی احوال صاحب‌الکافی اسمعیل بن عبّاد (المتوفی ۳۸۵ ق)، السید الجلیل ابی القاسم احمد بن محمد الحسنی الحسینی القوبائی الاصفهانی، الفهافی سنة ۱۲۵۹ القمریه و تصدی لتصحیها و طبعها و نشرها السید جلال‌الدین الطهرانی، طهران عاصمة ایران، طبعت فی مطبعة المجلس (ص ۵۶-۱)

تصحیح حاضر، ترجمه آزادی است از متن رساله محاسن اصفهان با اضافات بسیار و جرح و تعدیلات کثیری که از طرف مترجم در متن عربی صورت گرفته است. ترجمه در سال ۷۲۹ ق پایان یافته و از طرف مترجم به وزیر معروف سلطان ابوسعید بهادرخان خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی تقدیم شده است. مترجم ترتیب اصلی متن محاسن را در ترجمه رعایت نکرده بلکه مطالب آن کتاب را به میل خود در طی هشت باب مرتب ساخته و هر مطلب از آن کتاب را که خواسته پس و پیش کرده و از خود نیز فواید بسیاری، بخصوص راجع به دوره آخری حکومت ایلخانان بر ایران، افزوده است (ص. ه).

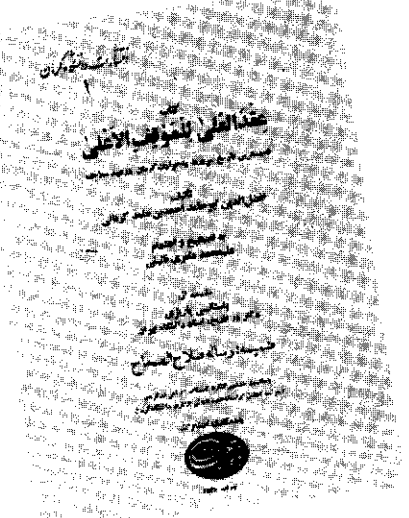
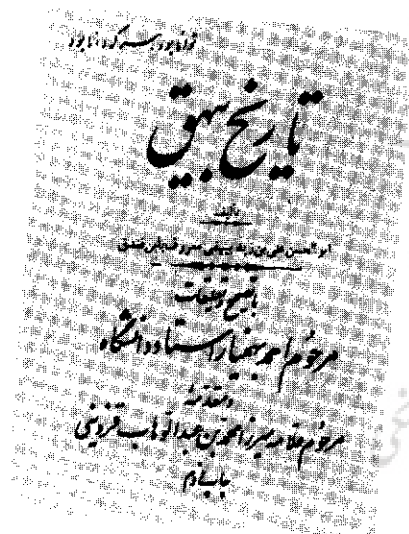
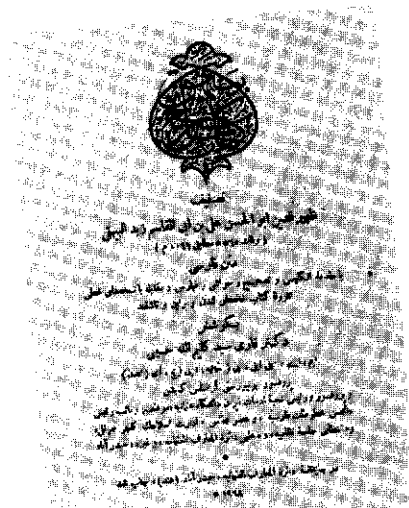
مرحوم اقبال هدف از نشر این کتاب را چنین دانسته است: «آقدام به نشر این کتاب از طرف ما البته از آن نظر نبوده است که یکی از نمونه‌های خوب انشاء فارسی را در دسترس خوانندگان گرامی قرار دهیم، بلکه بیشتر ترجمه به این کتاب از بابت احتوای آن بر مطالب تاریخی و جغرافیایی مهمی است که عین یا نظیر آنها در هیچ کتاب دیگر به دست نمی‌آید...» (ص. ه) همان‌گونه که مرحوم اقبال نیز در مقدمه اشاره کرده است، نخستین کسی که به اهمیت ترجمه محاسن اصفهانی پی برد و آن را معرفی کرد پروفیسور براون بود که در سال ۱۹۰۱ م. با بهره‌گیری از دو نسخه از این کتاب که در لندن و پاریس موجود بوده، ترجمه خلاصه‌مانندی از آن به زبان انگلیسی منتشر کرد (ص. و) مشخصات این چاپ چنین است:

Account of a rare manuscript: History of Presented to the Royal Asiatic Society ۱۸۲۷, By Sir John Malcolm, And now Isfahan. by Edward G. Browne. PP ۴۱۱-۴۴۶; on May ۱۹. ۶۶۱-۷۰۴. described

[Extract from the Journal of the Royal Asiatic Society october, ۱۹۰۱.]

۷- مؤلف گمنام: تاریخ سیستان<sup>۳</sup> (تألیف در حدود ۴۴۵-۷۲۵ ه.ق.) به تصحیح ملک الشعراء بهار، موسسه خاور، تهران، ۱۳۱۴، لو + ۴۸۷ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مفصل مصحح (الف - لو [= ۲۶ ص])، متن اصلی کتاب (ص ۳۸۲-۱) بخش



از این اثر تصحیح دیگری نیز صورت گرفته است با این مشخصات: تاریخ بیهق، به تصحیح و مقدمه انگلیسی قاری سیدکلیم الله حسینی، چاپخانه دایرة المعارف العثمانیه (حیدرآباد، ۱۹۶۸م)، کو + ۶۱۰ ص، ... پیشگفتار و مقدمه انگلیسی.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - کو = ۲۶ ص)، متن کتاب (ص ۱-۵۱۴)، فهرست های راهنما شامل سه مورد (ص ۵۱۵-۶۱۰)، پیشگفتار و مقدمه انگلیسی (۱-۶۵ + IX - I)

توضیح: ابن فندُق (۵۶۵-۴۹۰ هـ.ق) در زمره یکی از دانشمندان بزرگ قرن ششم به شمار می رود که از میان تالیفات بسیار زیاد او (برای فهرست دهها اثر او بنگرید به پایان مقدمه انگلیسی مذکور (۶۵-۶۲ P)) متاسفانه تنها دو سه مورد باقی مانده است. یکی از آنها همین تاریخ بسیار معروف او یعنی تاریخ بیهق است.

بیهق نام قدیم ناحیه ای است از خراسان که سبزوار حالیه شهر عمده آن است. کتاب حاضر تاریخ این ناحیه از ایران و تراجم مشاهیر رجالی است که بدانجا منسوبند و نیز تا اندازه ای در بردارنده جغرافیای این ناحیه است. برای آگاهی بیشتر از کم و کیف مطالب این اثر عناوین برخی از ابواب ذکر می شود: در فواید تاریخ، در بیان حاجتمندی ملوک و امرا به علم تاریخ، در بیان ولایات جهان، در فضایل بیهق، در اشتقاق لفظ بیهق و حدود و بخش های (ارباغ) آن و دیه های هر بخش، در بیان بنای سبزوار و وقایع عظام که اینجا افتاده است، در ذکر خاندان های قدیم و شریف در این ناحیه، در اسامی بزرگانی که از ناحیه بیهق برخاسته اند، در وقایع دو سال اخیر مقارن ختم کتاب و ... گفتنی است که تصحیح استاد بهمنیار از روی عکس دو نسخه موجود در کتابخانه موزه لندن و کتابخانه برلین انجام گرفته است اما قاری سیدکلیم الله علاوه بر این دو نسخه، از نسخه دیگری که در کتابخانه تاشکند موجود بوده نیز بهره برده و با مقابله سه نسخه اثر حاضر را تصحیح نموده است علاوه بر این مزیت و فایده مهم دیگر این چاپ، مقدمه ارزشمند و مفصلی است که مصحح به زبان انگلیسی راجع به مولف و کتاب نوشته و به نوبه خود واجد آگاهی های سودمندی است.

اثر دیگری از ابن فندُق به نام تَمّه صَوَان الحکمة که در شرح احوال جمعی از مشاهیر علماء و حکماء معتبر است. توسط محمد شفیع لاهوری تصحیح و در سال ۱۹۳۵ چاپ شده است.

۹- افضل الدین کرمانی، احمد بن حامد: عَقْدُ الْعُلَى لِلْمَوْقِفِ الْأَعْلَى<sup>۳۳</sup>، به تصحیح علی محمد عامری نائینی، مقدمه از: محمد ابراهیم باستانی پاریزی، ضمیمه رساله موسوم به صلاح الصحاح فی طب انتشارات روزبهان، چاپ

الحاقی (ص ۴۱۷-۳۸۳)، فهرست های راهنما (صص ۴۸۶-۴۱۸).

توضیح: تاریخ سیستان سرگذشت این سرزمین را از روزگاران باستانی و دوران افسانه ای آغاز می کند و درباره شهرها و آبادی های سیستان، بزرگان آن دیار، فضایل و خصایص آنجا، خراج آنجا در ادوار مختلف، مذهب مردم آنجا در دوره قبل از اسلام، فتح سیستان بدست مسلمانان و حکام سیستان اطلاعاتی به دست می دهد و فی الجمله از اسناد مهم تاریخ هفتصد ساله ایران جنوبی و شرقی به شمار می رود. و البته برای پاره ای اطلاعات مربوط به قبل از ظهور اسلام هم خالی از فایده نیست. (ر.ک: تاریخ در ایران، ص ۱۸۸).

زنده یاد استاد بهار براین اعتقاد بود که تاریخ سیستان را دو یا سه نفر در حدود سال های ۴۴۵ و ۷۲۵ به نوبت نوشته اند (ص. و) یگانه نسخه خطی و منحصر به فرد این اثر در تصرف استاد بهار بوده که با سعی و اهتمام بسیار زیاد به تصحیح انتقادی آن پرداخته است.

ایشان در مقدمه به تفصیل از مزیت ها و ویژگی های ادبی این اثر سخن گفته، سپس به فواید و مزایای تاریخی آن پرداخته است.

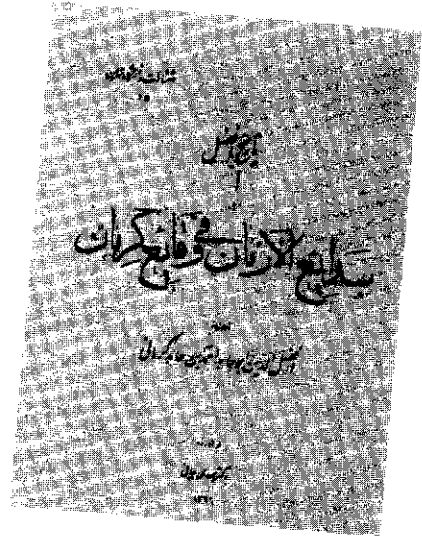
گفتنی است که تاریخ سیستان یک بار دیگر در سال های اخیر با ویرایشی جدید به کوشش جعفر مدرس صادقی جزء مجموعه «بازخوانی متون» انتشار یافته است. ایشان در این چاپ تنها همان بخش اصلی متن کتاب را که واجد ارزش ادبی است آورده و از آوردن بخش الحاقی که تنها در بردارنده ارزش تاریخی است، خودداری کرده اند، مشخصات این چاپ چنین است: تاریخ سیستان (نوشته به نیمه ی قرن پنجم هجری)، ویرایش متن: جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، چاپ اول (تهران ۱۳۷۳)، پیشگفتار و مقدمه ویرایشگر (صفحه نه - بیست و چهار)، متن اصلی کتاب (ص ۲۱۳-۱)، واژه نامه و نامنامه (ص ۲۵۳-۲۱۶).

## تالیفات قرن ششم:

۸- بیهقی، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید (معروف به ابن فندُق): تاریخ بیهق<sup>۳۳</sup>، به تصحیح احمد بهمنیار و مقدمه علامه قزوینی، کتابفروشی فروغی، چاپ دوم، بی تا، بی جا، کج + ۳۵۹ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - ط = ۹ ص)، مقدمه علامه قزوینی (ی - کج = ۱۴ ص)، متن کتاب (ص ۲۹۲-۱) تعلیقات (ص ۳۱۵-۲۹۳)، شرح و توضیح بعضی کلمات و عبارات (ص ۳۵۳-۳۲۶)، فهرست مطالب کتاب (ص ۳۵۹-۳۵۴).





دوم، تهران، ۱۳۵۶، ۱۸۲ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مفصل استاد باستانی پاریزی (ص ۴۲-۵)، متن رساله موسوم به صلاح الصحاح فی طب (ص ۴۳-۵۵) متن کتاب عبدالعلی (ص ۱۶۶-۵۹)، اضافات و فهرست راهنما (ص ۱۸۲-۱۶۷).

توضیح: افضل الدین کرمانی پیش از تألیف بدایع الازمان در ماه صفر ۵۸۴ قمری کتابی کوچکتر تحت عنوان عبدالعلی للموقف الاعلی به نام ملک دینار، از امرای عز که در تاریخ اول رجب ۵۸۳ بر کرمان استیلا یافته بود در شرح وقایع دوره آخری سلطنت سلاجقه کرمان و شرح تسلط قوم غز و امیر ایشان، ملک دینار در این سرزمین نوشته است. (از مقدمه عباس اقبال بر المضافات، صفحه «ب».) اثر حاضر در واقع قدیمی ترین تاریخ مربوط به حوادث کرمان در عهد سلاجقه است. مولف سه کتاب در تاریخ کرمان تألیف کرده که عبدالعلی نخستین آنها است. این کتاب فقط متضمن تاریخ استیلا ملک عمادالدین دینار بن محمدغز (۵۹۱-۵۸۳ ق) بر کرمان و قسمتی از شرح دوران سلطنت اوست... کتاب از لحاظ ادبی نیز حائز اهمیت است و از امهات کتب فارسی به شمار می رود (ص ۲۷). عبدالعلی نخستین بار در سال ۱۳۱۱ شمسی توسط علی محمد عامری نائینی با حواشی و توضیحات کافی (ولی بدون مقدمه) از روی نسخه خطی که ظاهراً در سال ۱۰۷۵ ق نوشته شده بوده است، با حروف سربی به چاپ رسید. (ص ۲۸) مولف از ذکر اسامی ولات و حکام و سرداران غفلت نکرده، همچنین به بیان سختی ها و مرارت های مردم و قحطی ها و اثرات اقتصادی جنگ های دوران بیست ساله فترت سلاجقه کرمان که عصر زندگی مولف بوده است به دقت و صحت و شیوایی پرداخته و چنان داستان را باز نموده که گویی انسان در زمان او زندگی می کند و وقایع را به چشم می بیند. (ص ۳۲)

## تالیفات قرن هفتم:

- ۱۰- افضل الدین کرمانی، احمدبن حامد: تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان (تألیف ۶۰۶ ق) فراهم آوردنده: مهدی بیانی، دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران ۱۳۲۶، سی و هشت + ۱۱۸ ص.
- کتاب مشتمل است بر مقدمه فراهم آورنده (یک-سی)، متن کتاب (ص ۱۰۹-۳) و فهرست ها (ص ۱۱۸-۱۰۹)
- توضیح: افضل کرمانی قبل از آن که دست به تألیف کتاب مفصل و مبسوط خود یعنی بدایع الزمان... بزند، در ماه صفر سال ۵۸۴ ق کتابی کوچکتر تحت عنوان عقد

العلی للموقف الاعلی در شرح وقایع دوره آخری سلطنت سلاجقه کرمان و شرح تسلط قوم غز و امیر ایشان، ملک دینار بر این سرزمین نوشته است. سپس بدایع الازمان... را در ۶۰۶ ق و بعد از ده - دوازده سال ذیلی بر آن تحت عنوان المضاف فی بدایع الازمان به رشته تحریر درآورده است. (ر.ک: مقدمه اقبال بر المضاف فی بدایع الازمان).

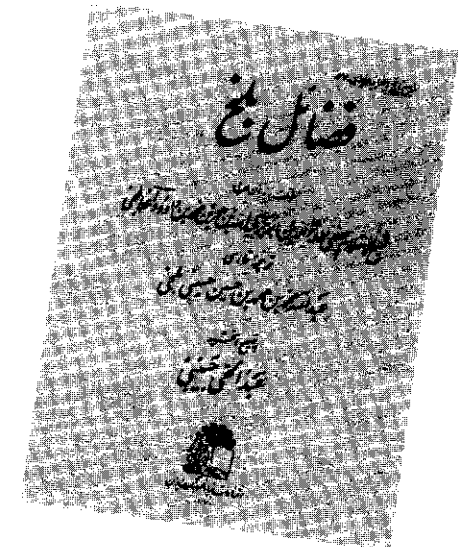
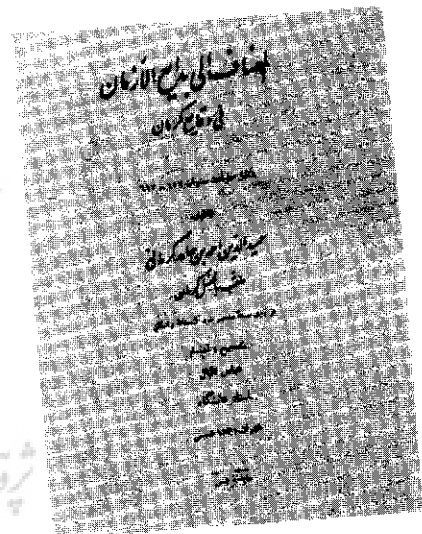
چنانکه پیداست کتاب حاضر اثر دیگری است از مولف کتاب معرف عقد العلی... با این تفاوت که این اثر اگر چه مورد استفاده مکرر مورخان متعدد قرار گرفته، اما متأسفانه در طول زمان از بین رفته است. در اهمیت این کتاب همین بس که «تا پیش از تصنیف سمط العلی... و بدیع الازمان... تاریخی درباره وقایع سرزمین کرمان تصنیف نشده است.» (صفحه: بیست و پنج) اما باید دانست که کتاب حاضر تا اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری که ابوحماد محمدبن ابراهیم در تألیف اثر خود - تاریخ آل سلجوق - از آن بهره بسیار برده موجود بوده ولی بعد از آن از میان رفته است. چنین اثر مهمی یک بار دیگر - البته با تلاش و همت والای فراهم آورنده - مجدداً احیاء شده است.

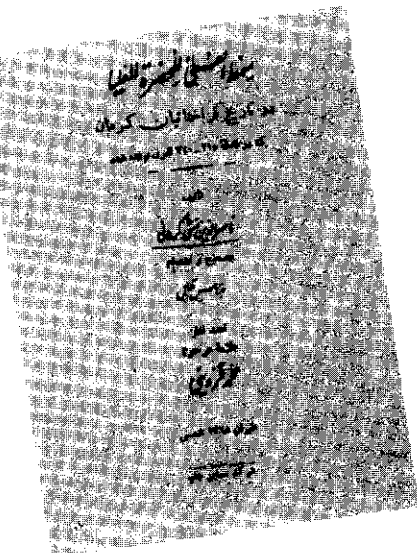
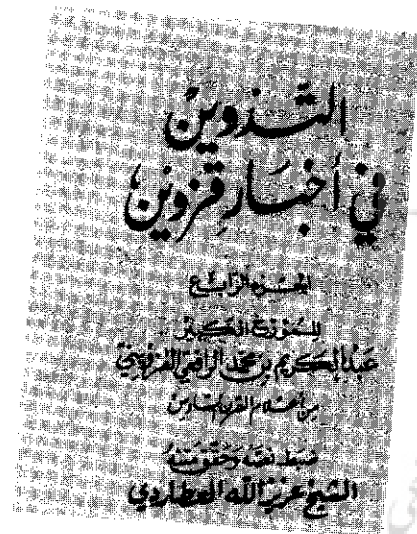
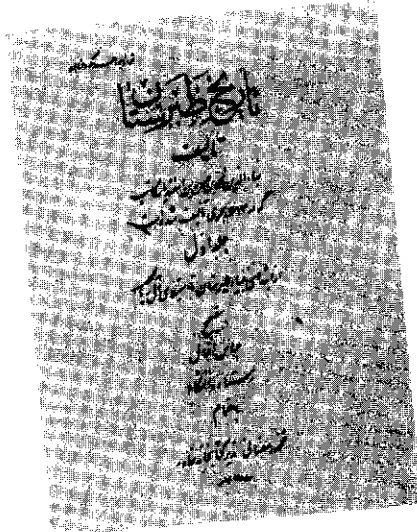
استاد مهدی بیانی در مقدمه مفصل خود به خوبی نشان داده اند که چهار مورخ در قرون بعدی در آثار خود به کرات - گاه به صراحت و گاه به تلویح - از بدایع الازمان اقتباس کرده اند: ابوحماد محمدبن ابراهیم (زندگی: اواخر قرن ۸ و اوایل قرن ۹ ق)، در تاریخ آل سلجوق، ابن شهاب یزدی (قرن ۹) در جامع التواریخ حسنی، حافظ ابرو (قرن ۹) در مجمع التواریخ و ابوالقاسم کاشانی (قرن ۹) در زبدة التواریخ. استاد بیانی در پایان مقدمه خود، شیوه استنساخ و تنظیم و تنسیق عبارات کتاب بدایع الازمان را از لابلای این آثار توضیح داده اند.

۱۱- افضل الدین کرمانی، احمدبن حامد: المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان (شامل حوادث سنوات ۶۱۲-۶۰۲ ق)، به تصحیح عباس اقبال چاپخانه مجلس، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۱ هـ + ۶۰ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - ه [ص=۵]، متن کتاب (ص ۵۲-۱)، بعضی حواشی، ملاحظات و فهرست های راهنما (ص ۶۰-۵۳).

توضیح: افضل کرمانی ده دوازده سال بعد از تألیف اثر مفصل و مبسوط خود، یعنی بدایع الزمان فی وقایع کرمان (تألیف ۶۰۶ ق) اقدام به نوشتن ذیلی تحت عنوان المضاف الی... بر کتاب مزبور نمود. این اثر عمدتاً متضمن وقایع سال های مذکور، به ویژه ذکر دو تن از رجالی است که در حین نگارش بدایع الازمان به علل سیاسی از ایشان نمی توانسته نام برد. (ص ج)





طبرستان همت گماشته است. برای آگاهی از محتوای کتاب به ابواب آن اشاره می‌شود: باب اول: در ترجمه سخن ابن مقفع (ص ۵۵-۱۲)؛ باب دوم: ابتدای بنیاد طبرستان و بقای عمارت شهرهای وی (ص ۵۷-۵۶)؛ باب سوم: در خصایص و عجایب طبرستان (ص ۸۹-۷۶)؛ باب چهارم: در ذکر ملوک و اکابر و علما و زهاد و عارف و کتاب و اطبا و اهل نجوم و حکما و شعرا (ص ۱۴۱-۹۰)؛ از ابتدای صفحه ۱۴۱ تا پایان باب چهارم (ص ۳۰۲) متضمن مهمترین مطالب در تاریخ سیاسی و نظامی طبرستان است. از جمله: ذکر «آل وشگمیرین زیار ملوک گیلان»، ذکر «حکام و ولایة که از دارالخلافة بعد از استیصال اولاد جیلان شاه به طبرستان می‌فرستادند»، ذکر «تغلب سادات طالبیه به ایالت طبرستان».

قسمت دوم کتاب: «در ابتدای دولت آل وشمگیر و آل بویه و مدت استیلای ایشان بر طبرستان» (ص ۲۹-۱). مرحوم اقبال معتقد است که «تمام مطالب این قسمت، الحاقاتی است از دیگران بر تاریخ طبرستان به جای قسمت‌های گم شده این کتاب، بنابراین نباید آن را از مولف اصلی دانست.» قسمت سوم کتاب: «از ابتدای آل باوند دوم نوبت» (ص ۱۷۵-۳۲).

کتاب حاضر به جهت اشمال بر مواد و مطالب بسیار سودمند و مهم تقریباً از یک قرن پیش مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته است. کسانی چون دارمستتر (Darmesteter)، ریو (Rieu)، دارن (Dorn)، براون (Browne) قسمت‌هایی از آن را ترجمه و منتشر کرده‌اند. ادوارد براون در سال ۱۹۰۵ م. خلاصه‌ای از آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرد و در لیدن (Leyden) چاپ نمود. کسروی ضمن تمجید و تحسین از کارهای براون ترجمه یاد شده را نقد و بررسی کرده و ایرادات متعددی بر آن گرفته است. (بنگرید به مقدمه کسروی بر «تاریخ طبرستان» سیدظهیرالدین مرعشی از صفحه پنجاه و سه تا هفتاد و هفت، همین مقدمه در چهل مقاله کسروی نیز درج شده است).

مرحوم عباس اقبال کتاب حاضر را بر اساس دو نسخه خطی که به آقای تقی کیانی مازندرانی (معتمد الملک) متعلق بوده، تصحیح نموده است.

۱۴- عبدالکریم بن محمدالرافعی القزوی: (متوفی ۶۲۳ ق)، التذوین فی اخبار قزوین، تصحیح و تحقیق از عزیزالله عطاردی، انتشارات عطارد، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، ۳ جلد، چاپ بیروت ۱۳۶۶ = ۱۹۸۷ در ۴ جلد. کتاب حاضر توسط همین مصحح نخستین بار در هند انتشار یافته است.

محتوا و مطالب سه جلد بدین شرح است: جلد اول:

از این ذیل تا پیش از کشف نسخه منحصر به فرد آن توسط مرحوم اقبال در کتابخانه واتیکان در رم، هیچ ذکری در میان نبود. اما با دست یابی وی بدان نسخه، زمینه تصحیح و انتشار آن فراهم آمد. با چاپ این اثر می‌توان گفت که اطلاعات و آگاهی‌های مبتنی بر منابع دست اول درباره تاریخ کرمان در دوران پیش از مغول غنای بیشتری یافت.

۱۲- صفی‌الدین بلخی، عبدالله بن عمر: فضایل بلخ،<sup>۳۵</sup> (تالیف ۶۱۰ ق) ترجمه عبدالله محمدبن حسینی بلخی، به تصحیح عبدالحی حبیبی بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰ سی و دو + ۴۹۶ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (یک - سی و دو)، متن کتاب (ص ۳۹۰-۱)، تعلیقات مصحح (ص ۴۶۲-۳۹۳)، فهرست‌های راهنما (ص ۴۸۸-۴۶۳).

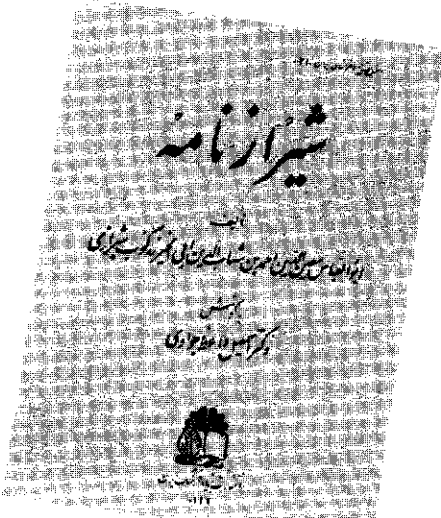
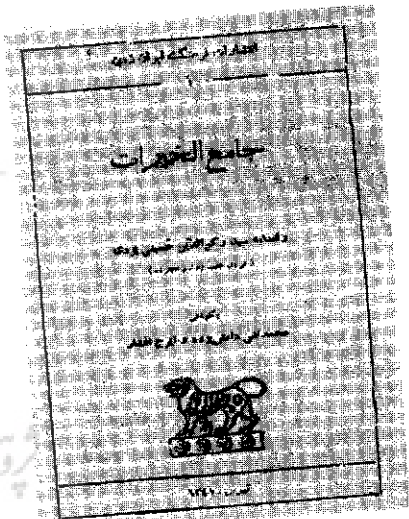
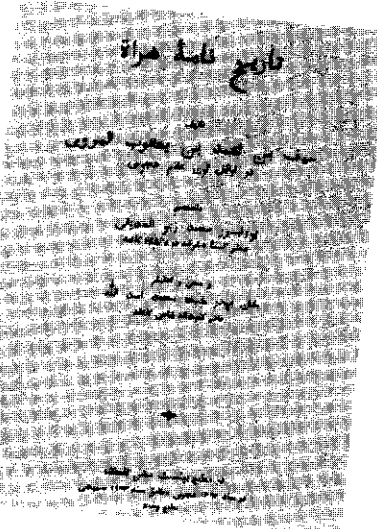
توضیح: در خصوص مولف و مترجم کتاب آگاهی اندکی باقی است جز آن که متن عربی کتاب - که اکنون هیچ نسخه‌ای از آن باقی نمانده است - در سال ۶۱۰ ق. در شهر بلخ تحریر یافته و عبدالله حسینی بلخی آن را در سال ۶۷۶ ق. به تشویق حکمران بلخ به فارسی ترجمه کرده است (ص. بیست و یک)

به اعتقاد مصحح محترم، یکی از ارزش‌های کتاب فضائل بلخ این است که حدود یک دهه پیش از غلبه مغولان و هزیمت مسلمانان، به تشریح وضع اسف بار جامعه اسلامی پرداخته و در حقیقت عوامل سقوط و انحطاط را به روشنی بیان کرده است. (ص. یازده) همچنین ارزش دیگر کتاب در این است که در مدت ۵ قرن پیش از خروج مغول، موقعیت بلخ را از جنبه پایگاه مهم قضا و فقه و حدیث در این بخش شرقی خلافت اسلامی روشن می‌سازد، و مخصوصاً بازگوی احوال و آثار و اعمال بسیاری از رجال علمی، صوفیان، متشرعان، محدثان و وقایع تاریخی است که در تحقیق اوضاع فکری و اجتماعی این زمان به کار محققان تاریخ می‌آید (ص. دوازده).

۱۳- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمدبن حسن بن اسفندیار کتاب: تاریخ طبرستان<sup>۳۶</sup> (تالیف ۹۱۳ ق) به تصحیح عباس اقبال، چاپخانه مجلس، تهران، تاریخ مقدمه، ۱۳۲۰ ش قسمت اول: یب + ۳۲۲ ص، قسمت دوم و سوم: ۱۷۵ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف. یب [= ۱۳ ص])، قسمت اول از متن کتاب (ص ۳۰۲-۱)، فهرست اعلام (۳۰۳-۳۲۲)، قسمت دوم کتاب (ص ۲۹-۱) قسمت سوم: (ص ۱۷۵-۳۲).

توضیح: ابن اسفندیار از اهالی آمل بوده، زیر نظر پدری دانشمند پرورش یافته و در سال ۶۱۳ ق. به تالیف تاریخ



سخن محقق کتاب و ذکر مشخصات سه نسخه خطی کتاب (ص ۲) چند عکس از نمونه‌های نسخه خطی، متن کتاب (ص ۵۵۰-۹)، فهرست عناوین (ص ۵۶۸ - ۵۵۲)؛ جلد دوم: متن کتاب (ص ۵۴۹-۵)، فهرست عناوین (ص ۵۸۴-۵۵۲)؛ جلد سوم: متن کتاب (ص ۵۴۳-۵)، تعلیقات (ص ۶۶۲-۵۷۹)، محقق کتاب در قسم نخست تعلیقات به تفصیل راجع به مولف و ارزش کتاب او سخن گفته است. فهرست راویان احادیث در کتاب (ص ۶۶۵-۶۶۵)، فهرست کتب مذکور در التدوین (ص ۶۹۴-۶۷۹). توضیح: رافعی قزوینی (۶۲۳-۵۵۵ ق) از فقها، عرفا و مورخین بزرگ قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و به دلیل برخورداری از دانشی وسیع و آگاهی‌های علمی عمیق در، طول عمر خود آثار متعددی در زمینه فقه، حدیث و رجال تألیف نمود. (برای فهرست آثار او بنگرید به: ج ۳، ص ۵۹۶-۵۹۵). کتاب حاضر که از جمله آثار پر ارج اوست یکی از مهمترین منابع در زمینه جغرافیای تاریخی و نیز تاریخ محلی به حساب می‌آید. کتاب متضمن اخبار و اطلاعات متنوع و وسیع درباره قزوین از عهد صحابه و تابعین تا قرن ششم و اوایل قرن هفتم است، مطالبی همچون بیان روایات وارده در فضایل قزوین، اشاراتی به وضع قزوین در قبل از اسلام، و گزارش‌های تفصیلی از وضع قزوین بعد از اسلام. کتاب حاوی اطلاعاتی پیرامون مساجد، مدارس، مزارات، ریاضها، خانقاهها، قنات‌ها، باغ‌ها، راه‌ها، روستاها و غیره است. همچنین اسامی افرادی از صحابه و تابعین که به قزوین وارد شده و یا در آنجا اقامت گزیده‌اند ذکر شده است. کتاب حاضر علیرغم اهمیت بسیاری که دارد متأسفانه هنوز به فارسی ترجمه نشده است. خلاصه‌ای از مطالب این کتاب را (پیش از چاپ حاضر) مرحوم جلال‌الدین محدث (آرموی) استخراج و به نام فهرست اسماء الرجال مذکوره احوالهم فی کتاب التدوین در سری انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ در تهران انتشار دادند.

### تالیفات قرن هشتم:

۱۵- ناصرالدین منشی کرمانی (یزدی الاصل): *سیمط العلی للحضرة العلیا* (در تاریخ قراختائیان کرمان که در فاصله ۷۲۰-۷۱۵ قمری نوشته شده است) به تصحیح عباس اقبال، شرکت سهامی چاپ، تهران - ۱۳۲۸، ل ۱۵۰ ص. کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف. ل. [۱۳=])، متن کتاب (ص ۱۰۶-۱)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۱۶-۱۰۷)، بعضی حواشی و ملاحظات (ص ۱۴۸-۱۱۷). توضیح: ناصرالدین منشی در حوالی ۶۶۰ یا ۶۶۸

قمری در یزد به دنیا آمد و در جوانی عازم کرمان شد و در سال ۶۹۴ ق به ریاست دیوان انشاء صفوة‌الدین پادشاه خاتون قراختائی نایل آمد. در سال ۷۱۵ ق. به خدمت امیر بزرگ ایسن قتلغ نویبان از امرای بزرگ اولجایتو و وابوسعید پیوست و سمط‌العلی را در اواخر همان سال به نام او شروع کرد و در ظرف یکماه در اوایل ۷۱۶ ق به انجام رساند. (صفحه: و).

مولف در تألیف این اثر، کتاب تاریخ شاهی خواجه شهاب‌الدین ابوسعید - که ظاهراً امروز به کلی مفقود شده - را بنای کار خود قرار داده است. البته علامه قزوینی نظری جز این دارد. وی می‌نویسد: «مولف کتاب را به طرز و اسلوب کتاب معروف عقدالی للموقف الاعلی (تالیف ۵۸۴ ق) نگاشته و در حقیقت ذیل همان کتاب است.» (ر.ک: یادنامه علامه قزوینی، ص ۴۰۸).

اثر حاضر از آن جهت که خلاصه‌ای از تاریخ کرمان و حوادث عصرملوک قراختائیان کرمان (حکومت: ۷۰۳-۶۱۹ ق) را تا زمان حکومت ناصرالدین محمد غوری، متضمن است از هر حیث حائز اهمیت است.

مرحوم عباس اقبال این اثر را براساس دو نسخه خطی موجود در موزه لندن و کتابخانه ایاصوفیه در ترکیه تحت نظر علامه قزوینی تصحیح کرده است.

۱۶- سیف بن محمد بن یعقوب الپهروی (معروف به سیفی): *تاریخ نامه هراة* (تالیف ۷۱۸ تا ۷۲۱ ق)، به تصحیح محمدزبیر الصدیقی (استاد زبان‌های شرقی در دانشگاه کلکته)، و سعی و اهتمام خان بهادر خلیفه محمد اسدالله (ناظم کتابخانه شاهی کلکته) مطبع. بیست مشن کلکته، ۱۳۶۲ قمری = ۱۹۴۳ م.

کتاب مشتمل است بر ترجمه مقدمه مصحح (ص ۲۸-۱)، متن کتاب (۷۸۶-۱)، فهرست راهنما (ص ۸۲۲-۷۸۷)، پیشگفتار و مقدمه مصحح به زبان انگلیسی I-XXXVI.

توضیح: سیفی در سال ۶۸۱ قمری در هرات زاده شد. بعد از کسب علوم رایج زمانه به کمک استاد خود - حکیم سعدالدین منجم غوری - به دربار ملک فخرالدین کرت (م ۷۰۶ ق) راه یافت. سیفی تاریخ هرات را به فرمان ملک غیاث‌الدین کرت در مدت دو سال و نیم (از ۷۱۸ تا ۷۲۱ ق) تألیف کرده از آنجا که غیاث‌الدین می‌خواست تاریخی صحیح و عاری از عیب و نقص تألیف گردد و به وزراء و پیشکاران خود دستور داد تا کلیه اسناد و مدارک رسمی را در اختیار مولف قرار دهند. تحقیق این خواسته از متن کتاب پیداست زیرا در جاهایی رونوشت ابلاغیه و قرارداد و پیمان و معاهدات چنان حرف به حرف نقل شده که اگر اصل اسناد در اختیار مولف نبود هرگز چنین دقتی صورت عمل نمی‌یافت. (ص ۱۳)

# تاریخ رویان

مؤلف: سید محمد تقی میرزا  
مصحح و ناشر: سید محمد تقی میرزا  
مطبع: مطبعه مطهریه



# تاریخ رویان

مؤلف: سید محمد تقی میرزا

مصحح و ناشر: سید محمد تقی میرزا

مطبع: مطبعه مطهریه

تاریخ: ۱۳۴۰

مکان: تهران

موضوع: تاریخ

شابک: ۹۶۴-۳۰۷-۲۰۷

# تاریخ رویان

مؤلف: سید محمد تقی میرزا

مصحح و ناشر: سید محمد تقی میرزا

مطبع: مطبعه مطهریه

تاریخ: ۱۳۴۰

مکان: تهران

موضوع: تاریخ

کتاب دارای یک مقدمه و چند فصل در جغرافیای شیراز و تاریخ پادشاهان و امیران فارس و مشایخ و فاضلان و صوفیان شیراز است. فصل اول مشتمل است بر ذکر مزیت اقلیم فارس بر اقلیم دیگر. حدود فارس... و در فصل دوم به ذکر شهر شیراز و خصوصیات و مزایای آن می‌پردازد و تاریخ فارس را از دوره آل بویه تا زمان امیرمبارزالدین باز می‌گوید و در فصل آخر به شرح حال علما و مشایخ فارس بخصوص شیراز می‌پردازد. (فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۱۲۵). مطالب فصل دوم کتاب که جنبه سرگذشتنامه و تذکره‌ای دارد متضمن اطلاعات نادری است که در این کتاب می‌توان به آنها دست یافت. این فصل از این لحاظ که یک جا و به طور جمعی شرح عرفا و علما و شیراز تا قرن هشتم را به زبان فارسی شامل است شایان اهمیت می‌باشد. (واعظ جوادی، ص، چهارده)

هر دو تصحیح براساس نسخه‌های خطی متعدد موجود کتاب صورت گرفته است. ضمن آن که تصحیح استاد واعظ جوادی چهار دهه بعد و با نسخه‌های افزون‌تری انجام شده است.

۱۹- مولانا اولیاءالله املی: تاریخ رویان، (تالیف ۷۶۴ق)، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۸، بیست و هشت + ۲۶۱ ص.

کتاب مشتمل بر مقدمه مصحح (پنج - بیست و هشت)، سرآغاز (ص ۹-۲) مقدمه مولف [در فواید علم تاریخ] (ص ۱۴-۱۱) و هشت باب (ص ۲۰۵-۱۵)، تعلیقات و فهرست‌های متعدد (۲۶۱-۲۰۷).

توضیح: مولف در این کتاب، سوانح ناحیه رویان را از قدیمی‌ترین ایام تا سال ۷۶۴ق نوشته است. تاریخ رویان پس از تاریخ طبرستان این اسفندیار مهمترین کتاب تاریخ این سرزمین است. (ص: پنج). اولیاءالله املی اگر چه مقداری از مطالب کتاب خود را از تاریخ طبرستان نقل کرده اما با دقت به نقد و تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته است. (ص: بیست و شش)

مصحح از روی یگانه نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به تصحیح این اثر پرداخته است. البته این اثر پیش از این چاپ، یک بار نیز از سوی آقای عباس خلیلی با تصحیحی مغلوط و غیرانتقادی نشر شده بود. (ص: هجده)

مشخصات چاپ خلیلی چنین است: تاریخ رویان: مولانا اولیاءالله، به تصحیح عباس خلیلی، کتابخانه اقبال، تهران، ۱۲۸۳ ق، مشتمل بر مقدمه کوتاه مرحوم سیداحمدکسروی (ص ۵-۳). مقدمه خلیلی (ص ۷-۶). متن کتاب (صص ۱۳۹-۹). کسروی در بخش از مقدمه خود راجع به اهمیت کتاب می‌نویسد: «این تاریخ

تاریخ هرات در واقع اثر مهمی است برای شناخت وقایع مربوط به سلسله آل کرت (۷۸۳-۶۴۳ ق) که بر هرات فرمانروایی داشته‌اند. مصحح محترم درباره ارزش کتاب می‌نویسد: «درباره اهمیت و ارزش ادبی و تاریخی این کتاب هر چه بگوییم کم است زیرا در آن عصر و دوره دهشتناک که مولف می‌زیسته بسیاری از حوادث در هم و پیچیده و جریانات تاریخی شمال خاوری ایران را به چشم خود دیده است.» (ص ۱۸) باید افزود که نقل باره‌ای قطعات و اشعار از منابع مربوط به پیش از تالیف این کتاب که اکنون در دست نیستند، برارزش آن هر چه بیشتر افزوده است.

گفتنی است که کتاب حاضر از روی نسخه منحصر به فردی که به شعبه بوهار کتابخانه شاهنشاهی هندوستان در کلکته تعلق داشته تصحیح شده است.

۱۷- حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین: جامع الخیرات (وقفنامه سیدرکن‌الدین) به تصحیح محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، انتشارات فرهنگ ایران زمین، (تهران، ۱۳۴۱) چهار + ۲۳۱ ص.

کتاب مشتمل است بر دیباچه کوتاه استاد ایرج افشار مقدمه مختصر مرحوم دانش پژوه، (چهار صفحه)، متن کتاب به عربی (ص ۲۰۹-۱)، فهرست‌های اعلام (ص. ۲۳۱-۲۱۳)

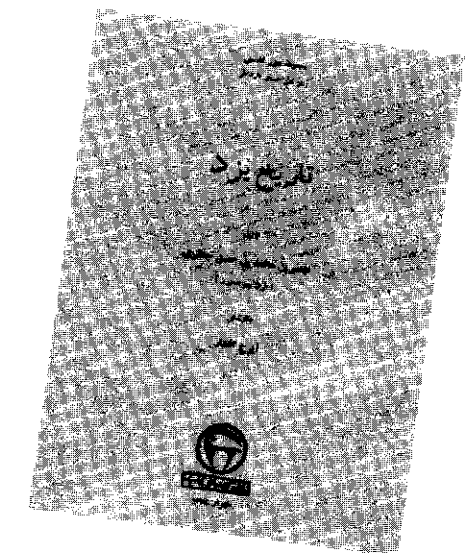
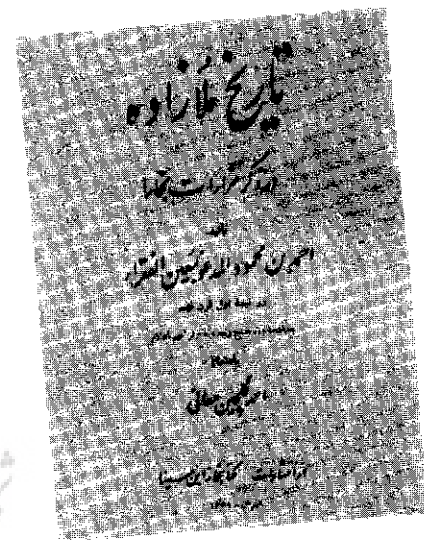
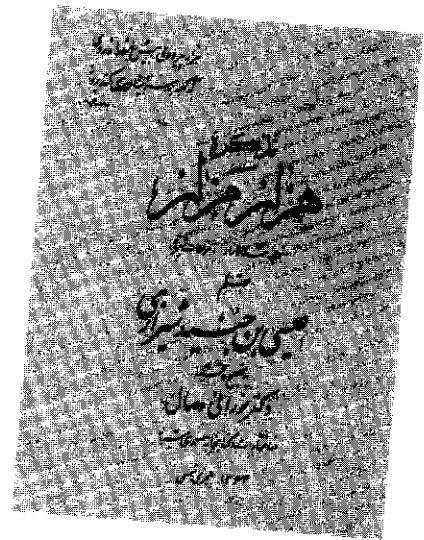
توضیح: سیدرکن‌الدین (متوفی ۷۳۲ ق) از رجال و بزرگان یزد و از بانیان خیر و صاحب ابنیه و آثار در یزد بوده است. وقفنامه او در واقع یکی از اسناد تاریخی مربوط به شهر یزد و مشتمل بر نکات و دقایقی در تاریخ وقف و متضمن فوایدی از جهت جغرافیای تاریخی منطقه مذکور و متضمن اطلاعات اجتماعی و اسامی عده‌ای از رجال قرون هفتم و هشتم هجری است. این کتاب نخستین بار جزو مجموعه «فرهنگ ایران زمین» سال نهم (۱۳۴۰) نشر شده است.

۱۸- زرکوب شیرازی، احمدبن ابی‌الخیر: شیرازنامه، (تالیف ۷۴۴ق)، به تصحیح بهمن کریمی، مطبعه روشنائی، تهران، ۱۳۱۰، لز + ۱۷۹ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ج - لز = ۳۵ ص)، متن کتاب (ص ۱۶۲-۱)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۶۳-۱۶۳).

از این اثر تصحیح دیگری نیز صورت گرفته است با این مشخصات: شیرازنامه<sup>۳</sup>، به تصحیح اسمعیل واعظ جوادی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰ بیست و پنج + ۲۶۳ ص.

توضیح: زرکوب شیرازی (۷۸۹-۶۷۰ ق) در سال ۷۴۴ق به تقلید از کتاب بغدادنامه که در سفر به بغداد با آن آشنا شده بود، مبادرت به تالیف کتاب شیرازنامه نمود.



آخرین نمونه کار دقیق علمی توام با انتقاد درست آن بزرگوار است به همین جهت می‌توان آن را کامل‌ترین و دقیق‌ترین یادگار عمر و از آثار جاوید آن مرحوم دانست. (صفحه: ه) همین نظر را مرحوم زرین‌کوب نیز نسبت به تصحیح حاضر ابراز نموده است. (ر.ک: یادنامه علامه قزوینی، به کوشش علی دهباشی، کتاب و فرهنگ (تهران، ۱۳۷۸، ص ۹).

گفتنی است که در سال ۱۳۲۰ دیوان قصائد و غزلیات فارسی جنید شیرازی نیز به اهتمام مرحوم سعید نفیسی با مقدمه در شرح احوال او و خاندانش منتشر شده است. ۲۱- عیسی بن جنید شیرازی: تذکره هزار مزار (ترجمه شدالازار - مزارات شیراز)، به تصحیح نورانی وصال، انتشارات کتابخانه احمدی شیراز، شیراز، ۱۳۶۴، ص ۵۲۰، مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۱-۲۸)، متن کتاب (ص ۲۹-۴۷۸)، فهرست‌های راهنما (ص ۵۲۰-۴۷۹) و تصاویر (۱۹ مورد).

توضیح: مرحوم علامه قزوینی که نخستین بار متن عربی شدالازار را تصحیح نموده‌است در خصوص وجود ترجمه‌ای از این کتاب می‌نویسد: «گویا ترجمه‌ای از شدالازار با اسم ملتسم الاحیاء به توسط پسر مولف در بریتیش میوزیوم موجود است...» (یادداشت‌های آقای قزوینی، ج ۵، ص ۲۰۲). مصحح اثر حاضر به نسخه مورد اشاره علامه قزوینی دست نیافته اما از روی نسخه مطبوع کتابخانه احمدی و جهان نما که در سال ۱۳۲۰ در شیراز انتشار یافته است و نیز نسخه موجود در کتابخانه مدرسه سپهسالار برای تصحیح اثر حاضر استفاده کرده است. البته در هر جا که دو نسخه مزبور وافی به مقصود نبوده مصحح با مراجعه به شدالازار و حواشی علامه قزوینی تا حدی مشکل را حل کرده است. (ص ۴)

مصحح در خصوص محاسن و معایب کتاب می‌نویسد: «محبوبیت مترجم چندان نبوده است که بتواند من جمیع جهات از عهده ترجمه چنین کتابی برآید و بیشتر مشکلات را به تسامح برگذار کرده... معهذنا ترجمه مذکور با همه منقصاتی که دارد باز بسیار شایان توجه و درخور امان نظر است چه اولاً متنی از اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری مشتمل بر مطالب بسیار مهم و شایسته ملاحظه است ثانیاً بسا نکات جالب و گوناگون در تلو ترجمه آمده که در متن شدالازار از آن ذکری نیست و بیشتر متضمن مشاهدات شخص مترجم یا ملاقات‌ها و مصاحبت‌های وی با رجال و مشاهیر عرفاست...» (ص ۴).

مولانا ولی‌الله نیز چنان که از نام آن «تاریخ رویان» پیداست منتها از حوادث رویان که بخش غربی مازندران مقصود است گفتگو می‌نماید و خاندانی را که از آغاز اسلام تا زمان مولف در آن بخش جداگانه حکمرانی داشته‌اند نشان می‌دهد و این خبرها را جز در کتاب این مولف در جای دیگری پیدا نتوان کرد و این است که ما برای تکمیل تاریخ مازندران حاجت به داشتن این کتاب داشته‌ایم.» (ص ۵).

۲۰- جنید شیرازی، معین‌الدین جنیدبن محمود: شدالازاری حَطَّ الْأَوْزَارِ عَنِ زَوَّارِ الْمَزَارِ، معروف به المزارات یا مزارات شیراز (تالیف ۷۹۱ قمری)، به تصحیح علامه محمدقزوینی و عباس اقبال، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۸، ه + ۶۲۱ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - ه [ص ۴]). متن کتاب (ص ۱-۴۶۳)، حواشی و اضافات به قلم علامه قزوینی (ص ۴۶۵-۵۶۶)، فهرست‌های راهنما (ص ۵۶۹-۶۲۱).

توضیح: مولف که از وعاظ و شعرای شیراز بوده، کتاب حاضر را در حدود سال ۷۹۱ قمری در شرح احوال و تعیین محل قبر جمع کثیری از زهاد و علماء و امراء و سلاطینی که در شیراز دفن شده بودند به عربی نوشته است. مولف مجموعاً شرح حال ۳۱۵ نفر را عنوان کرده است. مرحوم اقبال در باب ارزش بی‌همتای کتاب چنین متذکر شده‌اند: «هرچه در باب اهمیت شدالازار از جهت احتوای آن بر مطالب تاریخی و رجالی و معرفه الکتبی نوشته شود زائد است زیرا که مولف این کتاب با اینکه مورخ نبوده و به همین جهت اغلاط و مسامحات زیاد بر زبان و قلم او جاری شده باز به علت قدمت زمان و دسترسی داشتن به یک عده کتبی که حالیه دیگر اثری از آنها بر جا نیست و معاصر بودن با پاره‌ای از اشخاص و وقایعی که در این کتاب به ذکر آنها پرداخته معلومات گرانبهایی به دست داده است که سایر ماخذ تاریخی موجود از آنها خالی است و این جمله به روشن کردن بسیاری از حوادث تاریخی مربوط به فارس و نواحی مجاور آن و ترجمه احوال جمعی از رجال منتسب به آن سرزمین‌ها کمکی شایان می‌نماید.» (صفحه: ج)

کتاب حاضر براساس سه نسخه خطی موجود در کتابخانه موزه بریتانیا، مجلس شورای ملی و نسخه شخصی دکتر تقی بهرامی که صحیح‌تر از دو نسخه قبل بوده با نهایت وسواس و دقت نظر علمی تصحیح شده است. مرحوم اقبال در پایان مقدمه خود یادآور این نکته شده‌اند که چون تصحیح شدالازار و نوشتن حواشی بر آن آخرین کار مهم علامه فقید مرحوم قزوینی یعنی

## تالیفات قرن نهم:

۲۲- احمد بن محمود المدعو به معین الفقراء: تاریخ ملازاده در ذکر مزارات بخارا، به اهتمام احمد گلچین معانی، کتابفروشی ابن سینا، تهران، ۱۳۳۹، شانزده + ۱۱۱ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص. یک - شانزده)، متن کتاب (ص ۱-۷۵)، تکمله حواشی (ص ۹۱-۷۷)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۱۱-۹۲).

توضیح: مصحح دانشمند زنده یاد مرحوم گلچین معانی در مقدمه کتاب درباره مؤلف یادآور شده‌اند که «متأسفانه از احوال وی و آثار دیگرش اطلاعی در دست نیست» با این حال از آنچه که از محتوای کتاب او برمی‌آید اجمالاً این است که وی دانشمندی عارف و محقق و از خاندانی بزرگ بوده است، در تصوف سلسله طریقتش به خواجه‌گان نقشبندی که حنفی مذهب هستند می‌رسد و خود مرید خواجه محمد پارسا (متوفی ۸۲۲ ق.) بوده است. (ص. دو)

شهر بخارا که زمانی تختگاه سامانیان بوده و بعد از آن نیز در سده‌های متوالی از جمله مراکز نشو و نمای فرهنگ ایرانی و زبان و ادب پارسی بوده است، از جمله شهرهای ماوراءالنهر است که مطالعه تاریخ و جغرافیای آن برای شناخت تاریخ شرق ایران به ویژه خراسان بزرگ از جهات عدیده ضروری است. خوشبختانه آثار ارزشمندی نظیر تاریخ بخارای نرشخی و همین کتاب حاضر در طول قرون از گزند حوادث در امان مانده و به عنوان سند مهمی مکرر محل رجوع اهل ادب و تاریخ بوده است. استاد ایرج افشار در بررسی اجمالی این اثر (در راهنمای کتاب، ش ۳، ص ۳، شهریور ۱۳۳۹) نوشته‌اند: «تردید نیست که این کتاب مختصر فواید کثیر و عظیم را محتوی است و در تحقیق و تتبع راجع به احوال رجال مدفون در بخارا و تدوین جغرافیای تاریخی بخارا مورد استفاده خواهد بود.» (ص ۳۴۳). همچنین در جای دیگر متذکر شده‌اند که «تاریخ ملازاده اگر چه رساله‌ای نسبتاً جدید و اثر ربع اول قرن نهم است اما به سبب اطلاعات مفید در احوال یکصد و شصت تن از عالمان و فقیهان و مشایخ صوفیه و پادشاهان و قضات و بزرگان دیوانی مجموعه‌ای است که طبع مجدد آن با تعلیقات و توضیحات و تصحیحات لازم می‌نمود...» (ص ۳۴۲).

مؤلف کتاب را به دو قسم منقسم ساخته‌است: یک قسم محتوی است بر ذکر مقابر درون شهر و قسم دیگر شامل اسامی مزارات حوالی و نواحی شهر است. مصحح دانشمند برای تصحیح اثر حاضر از سه نسخه خطی: سپهسالار (به عنوان اصل)، مجلس و ملک و نسخه چاپی

ناقص، بهره گرفته‌اند، و با افزودن حواشی و توضیحات مفصل و مفید بر ارزش و کارایی تحقیقی آن بیش از پیش افزوده‌اند.

۲۳- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن: تاریخ یزد، به تصحیح ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۸، سیزده + ۲۵۵ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (نه - سیزده)، متن کتاب (ص ۱-۱۶۰)، تعلیقات، توضیحات و استدراکات (ص ۱۶۳-۲۲۴)، فهرست مأخذ و فهرست‌های راهنما (ص ۲۲۷-۲۵۴).

توضیح: مؤلف در کتاب حاضر از مورخان قرن نهم است. وی تاریخ عمومی عالم را در سال ۸۱۷ ق تالیف کرده که به تاریخ جعفری معروف است و سپس حوادث زمان خود را نیز تا حدود سال ۸۵۰ ق بر آن افزوده و کتاب را مجدداً به قلم آورده است. کتاب دیگر وی تاریخ یزد نام دارد که از تواریخ موثق و مفید این خطه از ایران است. (ر.ک. تاریخ در ایران، ص ۹۰).

به اعتقاد مصحح دانشمند، تاریخ یزد نخستین کتابی است که در باب یزد و اخبار آن در قرن نهم هجری صورت تالیف پذیرفته و مأخذ کتب دیگری بوده است که در قرون بعد راجع به این شهر نوشته‌اند. (ص نه) در این کتاب مطالب و اطلاعات دست اول راجع به دوره‌ای مختلف تاریخ یزد به دست داده می‌شود. اطلاعاتی که راجع به مدرسه‌ها و مسجدها و باغها و آبها و دیگر آثار یزد در این کتاب هست همه مفید و تازه و در حد خود دقیق است. (ص ده).

مصحح محترم، کتاب حاضر را براساس سه نسخه خطی - متعلق به کتابخانه ملی، سعید نفیسی و سیدعلی محمودزیری - تصحیح و منتشر ساخته‌اند.

۲۴- سید اصیل الدین عبدالله واعظ: مقصد الاقبال و مرصد الآمال خاقانیه، به کوشش [نجیب] مایل هروی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۱، بیست و هشت + ۱۷۶ ص. مصور

کتاب مشتمل است بر فهرست مطالب (یک صفحه)، پیشگفتار کوشنده (نه - بیست و هشت)، متن کتاب (ص ۳-۹۶)، تعلیق بر مقصد الاقبال یا رساله دوم مزارات هرات از عبیدالله بن ابوسعید هروی (ص ۹۹-۱۴۱)، حواشی و تعلیقات (ص ۱۴۵-۱۵۶)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۷۶-۱۵۹)، تصاویر متعدد از مقابر، زیارتگاهها، رواق‌ها، گنبدها و سنگ قبرهای موجود در هرات و اطراف آن.

توضیح: مؤلف که از وعاظ هرات بوده در دوره تیموریان (۹۱۲-۸۰۷ ق.) در این شهر می‌زیسته است.

## مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الآمال خاقانیه

تألیف سید اصیل الدین عبدالله واعظ

بروش  
مایل هروی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## تاریخ جدید یزد

تألیف  
احمد بن حسن یزدی  
اصولاً در سال ۸۱۷ هجری  
(۱۴۱۷ میلادی)

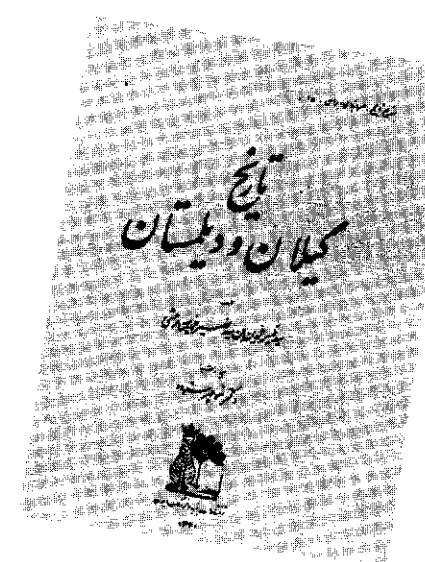
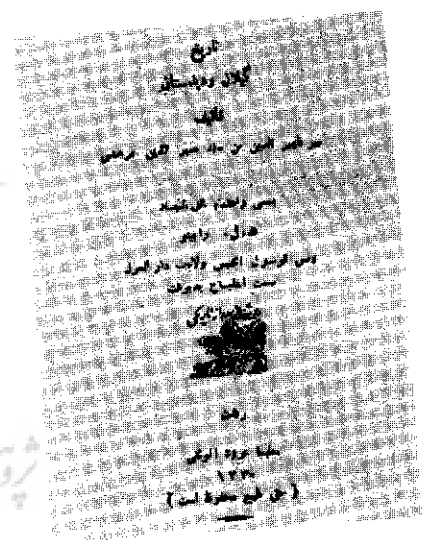
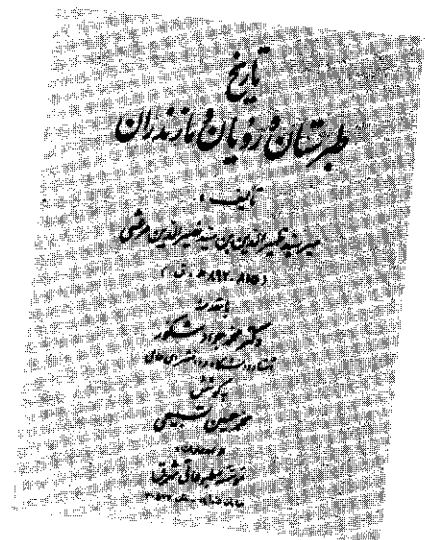
مقدمه  
ایرج افشار

## تاریخ طبرستان درون و بیرون و ملازاده

تألیف احمد بن محمود المدعو به معین الفقراء

مقدمه  
ایرج افشار

مقدمه  
ایرج افشار



وی کتاب را بنا به اشارت سلطان ابوسعید گورکانی که به عرفا و صوفیان وقت اخلاص زیادی داشته نوشته است. (سلطان ابوسعید بعد از وفات میرزا ابوالقاسم بابر از ماوراءالنهر به عزم تسخیر هرات شتافت و به سال ۸۶۳ق. آن شهر را فتح کرد و دوازده سال (دو سال در ماوراءالنهر و ده سال در هرات) حکم راند و در نهایت به سال ۸۷۳ق. در آذربایجان به فرمان اوزن حسن ترکمان کشته شد. [ص. ده])

مؤلف کتاب را در یک مقدمه و سه باب تألیف کرده است. باب اول: در ذکر مرآد جمعی از اکابر اولیاء که در عرصه قبه الاسلام هرات و توابع آن مدفونند... از ابتدای فتح اسلام تا امیر تیمور گورکان؛ باب دوم: در ذکر جماعتی که در اندرون قبه الاسلام هرات به اسم و لقب شهرت دارند، و همواره حاجتمندان و سالکان به زیارت ایشان توسل می‌جویند و...؛ باب سوم: در ذکر جماعتی از اولیاء و اکابر و علماء و عرفاء که بعد از وفات... امیر تیمور گورکان که در خطه میمونه هرات... و توابع آن به جوار رحمت قاضی الحاجات انتقال فرموده‌اند. بعد از این سه باب «رساله دوم مزارات هرات» که تعلیقی است بر مقصد الاقبال، به قلم عبدالله بن ابوسعید هروی، آمده است.

کتاب حاضر که در باب مزارات است به جهت اشتغال بر آگاهی‌های فراوان در تاریخ و جغرافیای هرات در زمره منابع مهم تواریخ محلی به شمار می‌آید. استاد مایل هروی در خصوص مزایای آن چنین مرقوم داشته‌اند: «این رساله محاسن و مزایای زیادی دارد که برای تاریخ و شناسایی هرات چه از نگاه جغرافیا و شناسایی برخی مواضع و دهات هرات و چه از نگاه رجال‌شناسی و انبوه عارفان و مشیخت مابانی که از آنها نام برده می‌شود سودمند می‌نماید. از جانبی تعدادی حظایر و باغ‌ها را نیز نام می‌برد و جای آنها را تعیین می‌کند که شناسایی آن بدون این کتاب مشکل می‌نمود و همچنین تعدادی خانقاه‌هایی که در قرن هفتم تا نهم هجری در هرات بوده و عارفان در آنجا ریاضت کشی داشته‌اند و عده زیاد واعظان در ادوار مختلفه...» (ص. بیست و هشت). کتاب حاضر علیرغم مزایای فراوان در محتوی از جهت ادبی قدری ضعیف و فاقد انشاء پخته است «شاید از لحاظ اینکه اصل الدین، کار واعظی می‌کرده و سر و کارش با مردم عوام الناس بوده به عبارت آرائی مترسلانه که در قرن نهم هجری رواج داشته بی‌اعتنا بوده است.» (همانجا)

کوشنده محترم، کتاب را براساس سه نسخه چاپی و یک نسخه خطی ناقص دیگر که مجموعاً چهار نسخه می‌شود به اضافه نسخه وسیله الشفاعات قلمی انجمن تاریخ، با افزودن حواشی و توضیحات مفید منتشر ساخته است.

۲۵ - کاتب، احمدبن حسین بن علی کاتب تبریزی: تاریخ جدید یزد، (تالیف پس از سال ۸۶۲ ق) به تصحیح ایرج افشار، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۵، ۳۲۵ ص، مصور. کتاب مشتمل است بر یادداشت مصحح (ص ۱۴-۸)، متن کتاب (ص. ۲۸۷-۳)، چند توضیح و فهرست‌های راهنما (۳۲۵-۲۸۹).

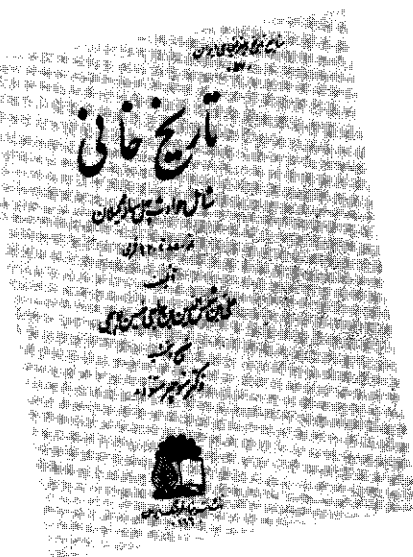
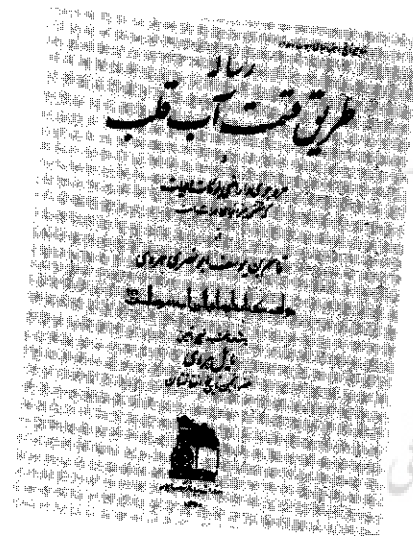
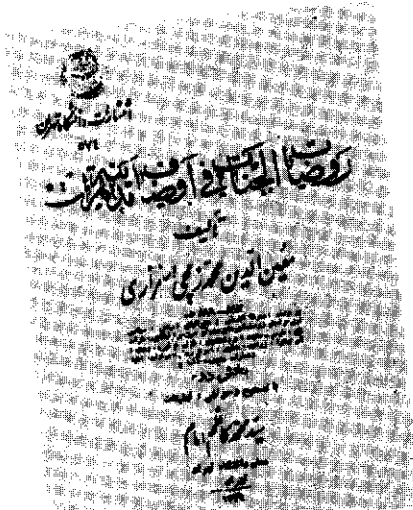
توضیح: کاتب یزدی از مورخین قرن نهم است که در یزد متولد شده و به خدمت امیرجهانشاه قره‌قویونلو (حکومت: ۸۷۲-۸۴۱) پیوسته و سمت کتابت داشته است. مولف در سال ۸۶۱ تاریخ جدید یزد را تألیف و به مخدوم خود امیرجهانشاه - تقدیم داشته است. (ر.ک: تاریخ در ایران ص ۱۲۵).

بنا به اعتقاد مصحح محترم کتاب حاضر براساس تاریخ یزد جعفری تألیف شده و در بعضی جاها حتی از حیث لفظ و عبارت، منقول از آن است. (ص ۱۱) با این وصف این اثر از حیث شمول بر حوادث عصر مولف حائز کمال اهمیت است. استاد ایرج افشار این کتاب را واجد فوائد چندی دانسته است. از جمله: وجود لغات و اصطلاحات مربوط به عمارات و ساختمانها... وجود اطلاعاتی درباره نحوه دیوانی کردن و پرداختن مواجب و اخذ سرشمار و خانه‌شمار و تحصیل و تمغا و نعل بها و تناقص، این آگاهی‌ها از لحاظ تحقیق در تاریخ اجتماعی و مالی اهمیت خاصی دارد و نیز وجود اطلاعات بسیار مبسوط در باب مدارس یزد را ایام حکومت آل مظفر و دوران تیموری چنانکه از چهل مدرسه نام رفته است. (ص ۸)

کتاب حاضر نخستین بار در سال ۱۳۱۷ ش. به صورت مغلو و غیرانتقادی انتشار یافته است. چاپ حاضر با بهره‌گیری از چند نسخه خطی معتبر و با سعی و اهتمام بسیار به نحوی اصولی تصحیح شده است.

۲۶ - مرعشی، سیدظهیرالدین بن سیدنصیرالدین: تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمدحسین تسییحی، موسسه مطبوعاتی شرق تهران، ۱۳۴۵، صدو دوازده + ۳۹۳ ص.

کتاب مشتمل است بر پیشگفتار کوشنده (سه - شش)، مقدمه محققانه مرحوم مشکور (درباره لفظ طبرستان و مازندران و رویان و اصل و نسب پادشاهان و سازمان حکومتی آنان، و سادات آن دیار از قدیمی‌ترین ایام تا عصر صفوی از صفحه هفت تا سی و هشت)، مقدمه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی (درباره شرح و حال و اسلاف سیدظهیرالدین مرعشی از صفحه سی و نه تا چهل و سه)، مقدمه محققانه مرحوم کسروی (درباره تواریخ طبرستان از قدیمی‌ترین ایام تا امروز از صفحه چهل و چهار تا صد و دوازده)



مؤلف ضمن تالیف گردآوری‌های پدر، خود نیز مطالبی بدان افزود. کتاب دارای یک مقدمه، شش باب و هر باب چند فصل است. کتاب با ذکر وقایع سال ۸۹۴ ق پایان می‌یابد. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تا حوادث سال ۸۸۱ ق را شامل است. کتاب متضمن تاریخ سادات کیای گیلان است. در لابلای آن آگاهی‌ها و اطلاعات فراوان راجع به آداب و رسوم منطقه یافت می‌شود که از جهت تاریخ اجتماعی بسیار سودمند به حساب می‌آید. کتاب بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که مؤلف آنچنان که خود می‌گوید آن چه نوشته خود مشاهده کرده است. «از دیده نوشته است نه از شنیده» (ص ۱۱۳).

نسخه اصلی کتاب حاضر در موزه لندن در بریتانیا است. مصحح محترم از روی میکرو فیلم آن مبادرت به تصحیح اثر نموده است. البته نخستین بار رابینو از روی همین نسخه خطی آنرا تصحیح و انتشار نمود که مشخصات چاپ مزبور چنین است: تاریخ گیلان و دیلمستان، به سعی و اهتمام ه.ل. رابینو (ویس کنسول انگلیس در ولایات دارالمرز) مطبعه عروه الوثقی، چاپ اول (رشت، ۱۳۳۰ ق) ۲۱+۴۷۵ ص. این چاپ فاقد مقدمه و توضیحات و حواشی است.

۲۸- اسفزاری، معین‌الدین محمدزاده: روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، (تالیف ۹۹-۹۷ ق)، به تصحیح سیدمحمد کاظم امام، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ دو بخش: بخش یکم: ک + ۶۴۲ ص؛ بخش دوم: ۵۲۹ ص. کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف) ک = ۱۹ ص، متن بخش اول کتاب (ص ۵۲۲-۱)، حواشی (ص ۵۲۸-۵۲۳)، فهرست اعلام (ص ۶۳۶-۵۳۹)، بخش دوم مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۴۷-۱)، متن کتاب (ص ۳۷۶-۱)، حواشی و فرهنگ لغات مغولی و ترکی (ص ۴۲۶-۳۷۷)، فهرست اعلام (ص ۵۱۲-۴۳۷) فهرست ابواب و فصول بخش دوم و تکمله حواشی (ص ۵۲۳-۵۱۳).

توضیح: مؤلف کتاب حاضر یکی از افاضل نویسندگان نامدار خراسان در سده نهم، و از سخندانان و منشیان زبردست دربار سلطان حسین میرزابایقرا، و از استادان مدرسه هرات، در فنون ادبی به شمار می‌رفته است. اسفزاری از جمله چند تن از مورخین با اطلاع هرات است که تاریخ آن شهر را نوشته‌اند. و تاریخ او یعنی همین کتاب حاضر کامل‌ترین و جامع‌ترین تواریخ هرات می‌باشد. (ص الف) در این کتاب شرح مسوطی از محاسن و فضائل خراسان، عموماً، و محاسن و فضائل شهر هرات، خصوصاً، آمده است. همچنین مشتمل است بر آگاهی‌های سودمندی از جمله در باب جغرافیای تاریخی سرزمین خراسان و

توضیح: سیدظهیرالدین مرعشی (۸۹۲-۸۱۵ ق) همانند پدراناش در ماجراجویی خلف صدقی بود. چنان که در ۸۴۰ ق با حکمران ساری به ستیزه پرداخت و بعد از ناکامی به گیلان بازگشت و پس از چندی از طرف کارکیا سلطان محمد به امارت سیاکله رود منصوب شد. (ر.ک: تاریخ در ایران، ص ۱۳۷) سیدظهیرالدین دو کتاب دارد یکی تاریخ طبرستان... یعنی همین کتاب که تا حوادث سال ۸۸۱ ق را شامل است. و دیگر تاریخ گیلان و دیلمستان (با دو تصحیح: رابینو، ستوده). تاریخ طبرستان مرعشی مؤلف است از تالیف مولانا اولیاءالله املی و تالیف علی بن جمال‌الدین رویانی، و فقط در آخر کتاب دو فصل - یکی در ذکر حکمرانی ملک کیومرث رستمدراری و فرزندان او و دیگری در بیان خروج سیدقوام‌الدین مرعشی و استیلای اخلاف او - از خود افزوده است. (مقدمه کسروی: ص. هشتاد). مرعشی را مورخی امین، منصف و با شرافت دانسته‌اند (همان: ص. هشتاد و دو و نیز تاریخ در ایران، ص ۱۳۷).

تاریخ طبرستان مرعشی نخستین بار توسط خاورشناس معروف - برنهارد دارن (Bernhard Dorn) تصحیح و همراه با مقدمه‌ای (در ۴۶ صفحه) به زبان آلمانی در سال ۱۸۵۰ م / ۱۲۶۶ ق در مطبعه پترزبورگ به چاپ رسیده است. (۴۶+۶۴۳ ص). در سال‌های اخیر، از این اثر در تهران چاپ دیگری با این مشخصات صورت گرفته است: تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به اهتمام برنهارد دارن، مقدمه از یعقوب آژند، نشر گستره، چ اول (تهران، ۱۳۶۳) بیست و چهار + ۶۴۳+۴۶ ص.

از همین اثر چاپ دیگری نیز توسط عباس شایان با مقابله چند نسخه خطی و حواشی و فهارس متعدد در سال ۱۳۳۳ شمسی در ۴۳۹ صفحه انتشار یافته است.

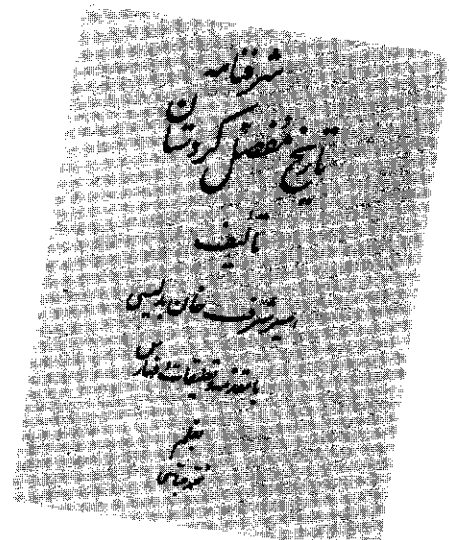
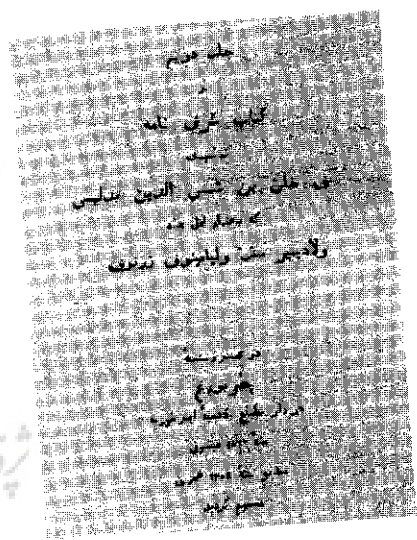
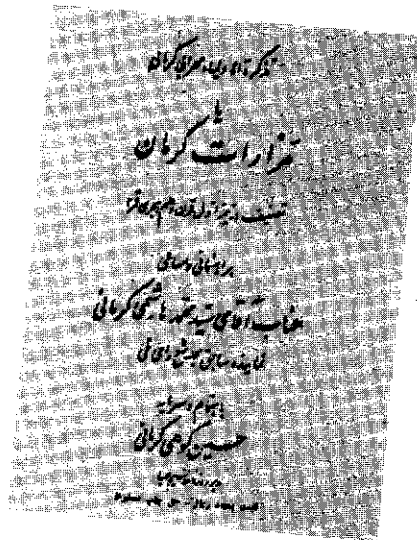
چاپ تبسیحی براساس نسخه‌ای صورت گرفته که از روی نسخه مطبوع برنهارد دارن استنساخ شده است.

۲۷- مرعشی، سیدظهیرالدین بن سیدنصیرالدین: تاریخ گیلان و دیلمستان<sup>۱</sup>، تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۷، نه + ۵۵۹ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف) نه = [۴۷ ص]، متن کتاب (ص ۴۷۸-۱)، تعلیقات (ص ۴۹۵-۴۷۹)، فهرست‌های راهنما (ص ۵۵۶-۴۹۷).

توضیح: سیدظهیرالدین مرعشی (۸۹۲-۸۱۵ ق) در غره ذیقده ۸۸۰ هجری قمری شروع به تالیف این کتاب کرده است. پیش از او، پدرش به دستور کارکیاسلطان علی میرزا سوانح و اتفاقاتی را که قبل از خروج سیدامیر کیای ملاطی و پس از خروج او روی داده بود، گرد آورده بود.





شهرهای بزرگ و نواحی نامور، وصف زراعت، هنرها و مذاهب سکنه، شرح احوال رجال، وصف مدارس، کتابخانه‌ها، مساجد، خانقاه‌ها... شرح وقایع و حوادث و تاریخ سیاسی خراسان و ولات هرات و مطالب بسیار دیگر. اهمیت و ارزش این کتاب از دید خورشناسان پنهان نامانده است. نخستین بار، باریبه دو مینار (Barbier De Meynard) بود که به اهمیت این کتاب پی برد و آن را در مجله آسیائی معرفی کرد و سپس بعضی مطالب آن را به فرانسه ترجمه و دو فصل از آن را چاپ کرد. چارلز ریو (charlse Rieu) نیز در فهرست مخطوطات فارسی موزه بریتانیا شرحی در معرفی کتاب و شمه‌ای در احوال مولف نوشت. (ص. یو) مصحح محترم، این اثر را از روی پنج نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه ملک (دو نسخه)، مجلس شورای ملی و مسجد سپهسالار به طرز انتقادی و محققانه تصحیح کرده است.

گفتنی است که از روضات الجنات تصحیح دیگری نیز صورت گرفته است با این مشخصات: روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، نخستین بخش به انضمام مقدمه و حواشی و فهرست‌های چهارگانه به سعی و اهتمام محمد اسحاقی (استاد دانشگاه کلکته در رشته عربی و فارسی)، مطبوعه دو پاسری، کلکته ۱۳۸۰ ق، ۱۹۶۱ م.

تصحیح حاضر مشتمل است بر فهرست مندرجات (ص. پنجم - هفتم)، فهرست مأخذ و مدارک تصحیح (ص. هشتم - یازدهم) مقدمه مصحح (الف - م = ۴۰ ص)، متن کتاب (ص ۲۷۷-۱)، فهرست‌های راهنما (ص ۳۱۵-۲۸۱)، دو تصویر از صفحات نسخه خطی کتاب. مصحح شش نسخه خطی این اثر را در اختیار داشته که کتاب را برمبنای دو مورد که از صحت و اعتبار بیشتری برخوردار بوده تصحیح کرده است.

### تالیفات قرن دهم:

۲۹- قاسم بن یوسف ابونصري هروی (فاضل هروی): رساله طریق قسمت آب [از] قلب (و مردجوی و اراضی بلوکات ولایات که متضمن جغرافیای هرات است)، به تصحیح [نجیب] مایل هروی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۷، مج + ۱۷۵ ص. مصور.

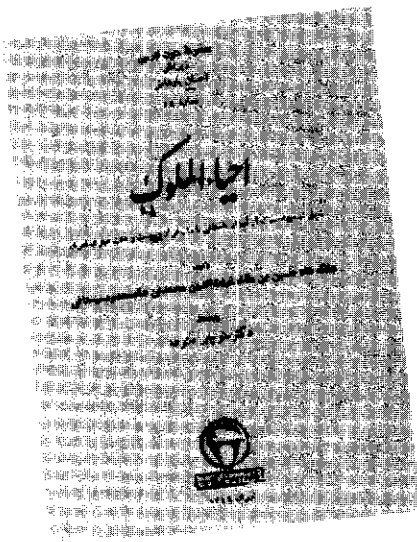
کتاب مشتمل است بر فهرست مطالب (دو صفحه)، سرآغاز و مقدمه مصحح (صفحه: ح - مج [= ۴۰ ص]) متن کتاب (ص ۹۷-۱)، حواشی و تعلیقات (ص ۱۵۵-۱۰۱)، شرح لغات و اصطلاحات متن کتاب (ص ۱۵۹-۱۵۷)، فهرست اعلام (ص ۱۷۵-۱۶۱).

توضیح: آگاهی ما از مؤلف‌اندک است، جز آنچه که

وی در اثر دیگر خود - ارشاد الزراعه - جسته گریخته بیان داشته است، آقای ذوقی در مجله ادبی هرات چند سطر در شرح حال مؤلف با استناد به کتاب یاد شده قلمی کرده‌اند: «ادیب طبیب کامل، مولانا محمد فاضل هروی [قاسم بن یوسف ابونصري هروی] یکی از ادیبان نامی در اواخر عصر تیموری هرات است. در هرات عمر شریف را به سر می‌برده طبعش بلند و نظم‌ش مرغوب طبايع بوده است، این فرزند نیک اختر هرات اهمیت فن زراعت را به تجربیات دریافته کتابی موسوم به ارشاد الزارعین تألیف و بر هفت روضه منقسم ساخته و اصطلاحات زراعت را به طور صحیح در آن نشان داده است...» (صفحه: لط) گفتنی است که کتاب یاد شده در سال ۹۲۱ ق. تألیف شده و متن مصحح آن در سال ۱۳۴۶ از سوی دانشگاه تهران انتشار یافته است.

و اما رساله حاضر که برای نخستین بار توسط استاد ایرج افشار در فرهنگ ایران زمین (شماره ۱۳) قسمتی حروفی و بخشی به صورت افست انتشار یافته است، یکی دیگر از تالیفات مهم فاضل هروی است که عمدتاً به نحوه تقسیم آب زراعی در هرات و قراء و بلوکات آن می‌پردازد. چنان که پیداست این رساله هم متنی است در جغرافیا و هم اثری است در تاریخ محلی و از آن جهت که حاوی آگاهی‌های ذیقیمت در خصوص نحوه تقسیم آب زراعی، نحوه حل و فصل اختلاف زارعین بر سر حقایق و مساحی اراضی و از این قبیل مطالب است، در نوع خود اثری است ممتاز برای شناخت اقتصاد زراعی و ملک داری و شیوه آبیاری در هرات در قرن نهم و اوایل قرن دهم. استاد مایل هروی در خصوص ارزش و فواید رساله حاضر چنین مرقوم داشته‌اند: «همین اثر طریق قسمت آب، از قلب است که اثر خیلی با ارزش بوده و ارتباط دارد به شهر و بلوکات نه گانه، هرات از طرفی متضمن جغرافیای عمومی هرات است که هیچ یک قریه‌ای در آن روزگار بیرون ازین رساله نیست از جانب دیگر از لحاظ آبادی‌های آن وقت و تاریخ مسجد جامع و تاریخ آب بخشی رساله آموزنده‌ای است و هم محصول و مالیات قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری را بیان می‌دارد که می‌توان مطالب سود بخش، تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی را از آن بحق نتیجه گرفت.» (ص:مج)

مصحح محترم بعد از بازنویسی نسخه خطی کتاب برای تکمیل اطلاعات خود در خصوص مطالب کتاب و نیز تصحیح هر چه بهتر کتاب سفری ۱۵ روزه به هرات کرده و در مدت توقف در آن شهر با تحقیق و تفحص ابهامات را تا حد زیادی روشن ساخته‌اند. ایشان در این سفر از «کتاب آب بخشی که در دفتر زراعت هرات موجود» بوده استفاده کرده‌اند همچنین از کتاب دیگری در تاریخ



تذکرة الاولیاء محرابی یا مزارات کرمان، (تالیف ۹۲۵ ق) به اهتمام حسین کوهی کرمانی و به راهنمایی و مساعی سیدمحمد هاشمی کرمانی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۰، بیست و هشت + ۲۱۶ ص. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه کوهی کرمانی و هاشمی کرمانی (دو - بیست و هشت)، متن کتاب (ص ۲۰۷-۱)، فهرست اعلام (ص ۲۱۶-۲۰۸)، تصاویر.

توضیح: کتب مزارات - که یکی دو نمونه دیگر از آن بیشتر معرفی شد - از جمله منابع مهمی هستند که گونه‌ای از تواریخ محلی به شمار می‌آیند. این دسته کتب بنا به موضوعشان - مزارات - عمدتاً حاوی مواد و مطالبی هستند که حتی در دیگر اقسام تواریخ محلی نیز قابل دسترسی نیستند. به ویژه این کتاب که «با وجود اشمال بر قصص و مبالغات و مسامحات بسیار برای معرفت احوال اجتماعی کرمان در آن ایام ماخذی مفید است.» (زرین کوب: ص ۹۳) مصحح نیز در مقدمه خود در خصوص اهمیت آن می‌نویسد: «این کتاب ارزش یک اثر تاریخی را دارد و چون در آن بعضی موضوعات و مطالب تازه دیده می‌شود که در جایی دیگر نیست و گاهی کمک به توضیح بعضی مطالب مهم دیگر کتب می‌کند همین بر ارزش این اثر تاریخی افزوده و می‌افزاید...» (ص بیستم).

## تالیفات قرن یازدهم:

۳۲ - بدلیسی، امیر شرف‌خان: شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان، به تصحیح محمد عباسی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۴۳، صدودوازده + ۹۱۷ ص.

کتاب مشتمل بر مقدمه مفصل مصحح (شش - صدو دوازده)، متن کتاب (ص ۵۹۲-۱)، تعلیقات و ضامنه (ص ۷۴۷-۵۹۵)، فهارس راهنمایی (ص ۷۵۰-۹۰۹).

توضیح: شرف‌الدین بدلیسی در سال ۹۴۹ ق در که هروود (نزدیک قم) متولد شد. خانواده‌اش در کف حمایت شاه طهماسب صفوی (سلطنت: ۹۸۴-۹۳۰ ق.) می‌زیست. بدلیسی در دربار وی پرورش یافت. شاه اسماعیل دوم صفوی (سلطنت: ۹۸۵-۹۸۴ ق.) او را حکومت نخجوان و شیروان و عنوان امیرالامرای اکراد داد. در حمله عثمانی‌ها به این نواحی در سال ۹۸۶ ق در زمان سلطان مراد سوم، بدلیسی به سپاهیان خسرو پاشا که بر ایرانیان پیروز شده بود پیوسته و در نتیجه فرمانروایی بدلیسی یافت. در ۱۰۰۵ ق به نفع پسرش کناره گرفت و به نوشتن کتاب شرفنامه، در تاریخ اکراد پرداخت. (ر. ک. دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۳۹۶) شرفنامه از لحاظ تاریخ عمومی کرد و کردستان در نوع خود بی‌همتاست. به علاوه در مورد اعلام و اسامی

آب بخشی هرات از تالیفات میرعبدالحمید باد مرغانی نیز بهره فراوان برده‌اند. همچنین از حاجی عبدالرحمن مساح هروی در تعیین بعد مسافت برخی دهات هرات بهره‌مند شده‌اند. (ص: وز) تصحیح دقیق، حواشی و تعلیقات مفید و شرح لغات و اصطلاحات متن کتاب، از ویژگی‌های چاپ حاضر است.

۳۰ - لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین: تاریخ خانی (شامل حوادث چهل ساله گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰ ه.ق.)، (تالیف ۲۲-۹۲۱ ه.ق.) به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۲، سی و شش + ۴۲۵ ص.

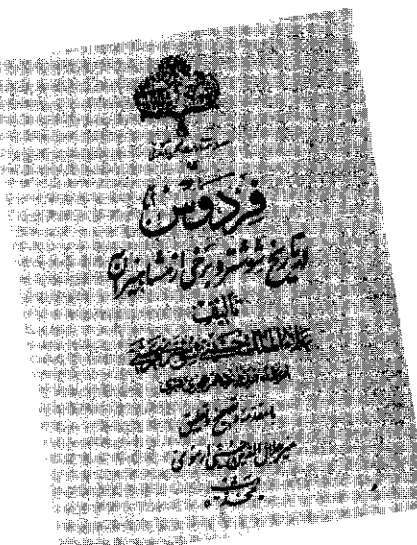
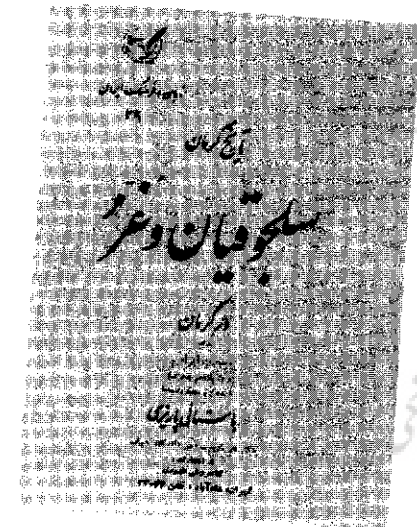
کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص یازده - سی و شش)، متن کتاب (ص ۳۹۲-۳)، تعلیقات، تصحیحات و فهرست‌ها (ص ۴۲۵-۳۹۵).

توضیح: کتاب حاضر به امر سلطان احمدخان اول - از سلاطین کبائی گیلان (۹۴۳-۹۱۱ ق) - به دست یکی از مردمان دانشمند و اهل قلم لاهیجان تالیف و تصنیف شده است. به نوشته مصحح محترم آخرین حوادثی که در تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظهیرالدین مرعشی از آنها یاد شده، حوادث سال ۸۹۴ قمری است و با این که چهارده سال قمری شرح سوانح این دو کتاب همزمان و موازی یکدیگرند، اما شباهت زیادی میان آنها نیست و بیست و شش سال دیگر از حوادث تاریخ خانی را باید دنباله تاریخ سیدظهیرالدین دانست. (ص چهارده).

این کتاب علاوه بر اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی - نظامی خطه گیلان، بیشتر از آن جهت که در بردارنده مطالب مردم‌شناسی و احوال اجتماعی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم گیلان است، از جمله آداب جنگ و لشکرکشی و حفاظت نواحی، ذکر نوع تحف و هدایا و پیشکش‌ها، بیان نوع آداب و سنن منطقه گیلان و... به دلایل وجود این قبیل آگاهی‌ها، اثر حاضر از درجه اهمیت زیادی برخوردار است.

این اثر نخستین بار توسط برنهارد دارن (Bernhard Dorn) در سال ۱۲۷۴ ق (۱۸۵۷ م) در «دارالسلطنه پترزبورگ» در ۴۰۴ صفحه انتشار یافته است. دارن مقدمه‌ای در ۳۱ صفحه به زبان آلمانی بر کتاب نوشته است که کاش ترجمه آن در تصحیح حاضر آورده می‌شد. مقدمه ۳۷ صفحه‌ای ملا محمد جعفر قراداغی اهری نیز بدلیل آن که «نادرست و غیرقابل اعتماد» بوده در این چاپ آورده نشده است (تعبیر مصحح). مصحح محترم چاپ حاضر را از روی همان چاپ دارن - البته با اندک اصلاحاتی از فصل دهم به بعد فراهم آورده است. (ص. بیست و یک).

۳۱ - سعید (متخلص به محرابی، مشهور به خطیب):



# تاریخ کیلان

مؤلف: ولیمینوف - زرنوف

ترجمه: دکتر سید علی حسینی



# تاریخ مازندران

مؤلف: سچسکی

ترجمه: دکتر سید علی حسینی



# پان سیتی

مؤلف: ...

ترجمه: ...

...

...

...

...

... ۱۳۸۰

عشایر و طوایف لر و کرد و بختیاری، معتبرترین مأخذ قابل اعتماد به شمار می‌رود. به همین جهت همیشه مورد توجه مورخین معتبر و معروف بوده و همواره از مأخذ عمده تألیفات ایشان به شمار می‌رفته است. (ص هشتاد و نه) کتاب حاضر بنا به اهمیت بسیار زیاد از اواسط قرن نوزدهم مورد توجه مستشرقان اروپایی از جمله برای نخستین بار در سال ۱۸۶۰ م (۱۲۷۶ ق) توسط ولادیمیر ملقب به ویلامینوف زرنوف (V. Vellaminof - zernof) تصحیح و در پترزبورگ با این مشخصات به چاپ رسید: کتاب شرف‌نامه، دو جلد در یک مجلد، جلد اول: (صص ۴۰۹ - ۱) + ۲۳ صفحه مقدمه به زبان فرانسه؛ جلد دوم: (ص ۳۰۸ - ۱) اختلاف نسخ (ص ۷۸ - ۱) + ۱۰ صفحه مقدمه به زبان فرانسه.

بخش‌هایی از این کتاب توسط مستشرقان به زبان‌های اروپایی ترجمه شده است. از جمله: شارل شفر (Schefer) آن را به فرانسه، ولوکف (Volkov) بعضی از قسمت‌های آن را به روسی، بارب (Barb) به آلمانی و مورلی (Morlay) به انگلیسی و ملا جلیل‌بندی روز بیانی تمام آن را به عربی ترجمه کرده‌اند. (ر. ک: تاریخ در ایران، ص ۸۵).

استاد عباسی، اثر حاضر را بر اساس نسخه‌های متعدد و معتبر که شرحی از آنها را در مقدمه آورده‌اند (ص دو سه - صد و هفت) تصحیح نموده‌اند.

۳۳- ملک‌شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد بن شاه محمود سیستانی: احیاء الملوک<sup>۳۳</sup> (شامل تاریخ سیستان از ادوار باستانی تا سال ۱۰۲۸ ق)، به تصحیح منوچهر ستوده، نگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۴، ۳۷ + ۶۱۷ ص. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (صص ۱۵-۴۷)، دیباچه و مقدمه مؤلف (ص ۲۲-۱)، فصل اول (صص ۵۴-۲۳)، فصل دوم (ص ۱۰۸-۵۵)، فصل سوم (ص ۴۴۸-۱۰۹)، خاتمه (ص ۵۲۴-۴۴۹)، تعلیقات و فهرست‌های متعدد (ص ۶۱۷-۵۲۱).

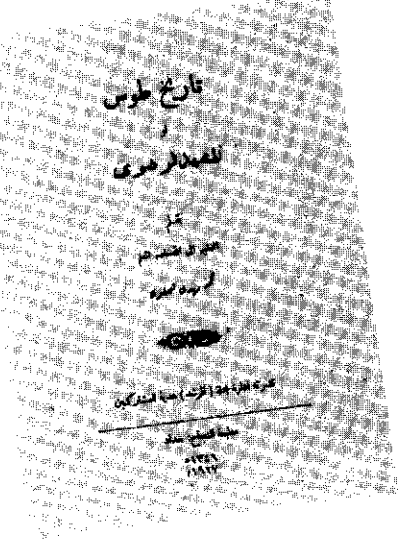
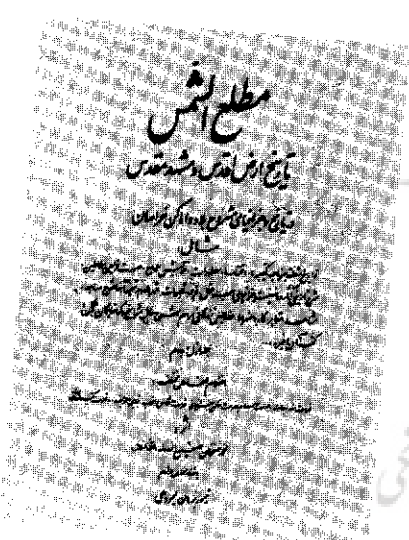
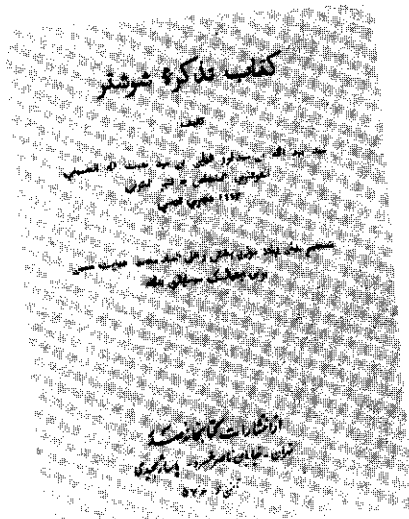
توضیح: کتاب حاضر در سال ۱۰۲۸ ق در زمان شاه عباس اول (سلطنت: ۱۰۳۸-۹۸۹ هـ.ق) تألیف شده است. به عقیده علامه قزوینی این اثر مکمل و متمم کتاب تاریخ سیستان (مجهول المؤلف) است و هیچ‌کدام معنی از دیگری نیست (ص ۲۱). هدف مؤلف چنان که از نام کتاب برمی‌آید، احیاء نام ملوک سیستان بوده است، ولی از زیر قلم او مطالبی بیرون آمده که برای شناسایی طبقات مختلف اجتماعی سیستان آن روز بسیار مفید و مؤثر است. در این کتاب گذشته از نام ملوک و میران، از میرزاییان، نقیبان، یاران، پاداران، منشیان، کتابداران، تیرگران، رئیسان،

سرخیلان، سادات، حقه‌بازان، خیال‌بازان، شاهنامه‌خوانان، شبگردان، طاس‌بازان، قصه‌خوانان، کلانتران، کشتی‌گیران، لولیان، معرکه‌آریان... ذکر می‌گردد به میان آمده است. (ص ۲۸)، علاوه بر این‌ها، کتاب حاضر حاوی مطالب سودمند دیگری نیز هست از جمله: بیان نامنی؛ قتل و غارت‌ها و توصیف تکاپوهای سیستانیان برای ادامه حیات و بقای خود. کتاب حیات‌الملوک به دلیل احتواء بر چنین مطالبی، برای شناخت تاریخ سیستان در قرن یازدهم بسیار ارزشمند و پرفایده است.

نسخه منحصر به فرد این اثر اکنون در موزه لندن در بریتانیا است. مصحح محترم از روی نسخه عکسی آن که در کتابخانه ملی موجود بوده به تصحیح آن همت گماشته است.

۳۴- محمدین ابراهیم: تاریخ کرمان؛ سلجوقیان و غز در کرمان، به تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، طهوری، تهران، ۱۳۴۳، نود و چهار + ۲۷۰ ص، همراه با نقشه، کتاب مشتمل است بر مقدمه مفصل (سه - نود چهار)، متن کتاب (ص ۲۳۴-۱)، فهرست‌های راهنما (ص ۲۶۹۰-۲۳۵).

توضیح: کتاب حاضر از معدود سلجوقنامه‌های بجا مانده است که برای شناسایی تاریخ عصر سلاجقه می‌تواند بسیار مفید باشد. مؤلف این کتاب مقارن حکومت طولانی گنجعلی خان - منصوب به حکومت کرمان از طرف شاه‌عباس اول صفوی در ۱۰۰۴ ق - در آن شهر می‌زیسته است. بنا به استدلال‌هایی که دکتر مهدی بیانی در مقدمه تصحیح تاریخ افضل یا بدایع‌الزمان فی وقایع کرمان آورده‌اند نشان داده‌اند که مؤلف این کتاب (محمدین ابراهیم) قسمت اعظم مطالب اثر خود را با اشاره و گاه بدون اشاره از کتاب بدایع‌الزمان افضل‌الدین کرمانی اقتباس کرده‌اند. استاد باستانی پاریزی با به کار بردن تعبیر «امانت‌دار» و نه «غارتگر» (تعبیر مهدی بیانی) به دفاع از محمدین ابراهیم برخاسته است. وی می‌نویسد: محمدین ابراهیم «در بیشتر صفحات کتاب خود، هر جا از افضل مطالبی نقل کرده، نام او را به صراحت برده است و در فضایل او نیز شرحی پرداخته و بنابراین همان کاری را کرده است که امروز مورخین دقیق و امانت‌دار می‌کنند.» (ص: پنجاه و شش). گفتنی است که اثر حاضر نخستین بار توسط مستشرق معروف - هوتسما (M. Th. Houtsma) تحت عنوان تواریخ آل سلجوق در لیدن به چاپ رسیده است (در ۲۰۱ صفحه به قطع رقی و ۱۵ صفحه مقدمه به زبان فرانسه و ۱۲ صفحه توضیحات و اضافات و مجموعاً ۲۳۷ صفحه) و سپس قسمتی از همین کتاب توسط آقای دکتر مهدی بیانی مورد تحقیق و تتبع قرار گرفته و به نام



امروز از نظر آشنایی با تشکیلات حسابداری آن زمان و نحوه وصول و خرج کردن مالیات و عواید دولتی به کار اهل تتبع خواهد آمد. چون خود عبدالفتاح نویسنده و بازرس حساب بوده، هر یک از این اصطلاحات را بسیار بجا و دقیق به کار برده است. (ص: دوازده)، در این کتاب مصطلحات دیوانی و اداری و نیز اصطلاحات محلی فراوان به کار رفته است. جای خوشبختی است که نویسنده تاریخ گیلان از ذکر بعضی از آداب و رسوم گیلان در کتاب خود دریغ نوریده است. این گونه مطالب و نیز آگاهی‌های بسیار دیگر که کتاب دربردارنده آنهاست موجب می‌شود که این اثر را در زمره یکی از غنی‌ترین منابع تاریخ محلی قلمداد کنیم.

این اثر نخستین بار در سال ۱۲۷۴ قمری [۱۸۵۸ م.] توسط برنهارد دارن از روی نسخه نیکلا خانیکوف به چاپ رسیده است. مصحح محترم این نسخه چاپی را با نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران و دو نسخه خطی کتابخانه ملی ملک مقابله و متن را تنقیح و تصحیح و پس از پنج سفر به صفحات فومن و گیلان بیه‌پس، آن را چاپ و منتشر ساخته‌اند. (ص: ده).

۳۷- گیلانی، ملا شیخعلی: تاریخ مازندران (تألیف ۱۰۴۴ ق.)، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۲، هفده + ۱۴۲ ص. کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص: نه - هفده) متن کتاب (ص: ۱۰۶ - ۳)، تعلیقات و فهرست‌ها (ص: ۱۴۲ - ۱۰۹).

توضیح: ملا شیخعلی در این کتاب بخشی از سوانح و رویدادهای خطه مازندران در عصر شاه عباس اول (سلطنت: ۱۰۳۸-۹۹۶ ق.) را ثبت و ضبط کرده است. اگر مؤلف همت به نگارش چنین کتابی نمی‌نمود مسلماً یک دوره تاریک کوتاهی در تاریخ مازندران به وجود می‌آمد.

این اثر بیشتر از آن جهت که اطلاعاتی سودمند درباره وضع زندگی اجتماعی در مازندران و روابط ساکنان این دیار و سنن گذشته آنان دارد، بسیار حائز اهمیت است. (ص: شانزده). مصحح محترم، این اثر را از روی یگانه نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی ملک تصحیح نموده و تعلیقات و توضیحات مفیدی نیز بر آن افزوده است.

۳۸- صفی‌الدین محمدبن محمد هاشم حسینی قمی: خلاصه البلدان (تألیف ۱۰۷۹ ق.)، به تصحیح حسین مدرسی طباطبایی، انتشارات حکمت، قم، بی‌تا؛ تاریخ انتهایی مقدمه ۱۳۹۶ ق [۱۳۵۵ ش]، ۳۱۹ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص: ۱۴ - ۵)، متن کتاب (ص: ۲۹۳ - ۱۷) تعلیقات (ص: ۳۱۳ - ۲۹۵)، فهرست اعلام (ص: ۳۱۹ - ۳۱۵).

تاریخ افضل انتشار یافته است. از آنجا که نسخه چاپی لیدن بسیار مغلوط به چاپ رسیده و اول و آخر آن هم افتاده است، مصحح محترم مجدداً به تصحیح و انتشار کتاب اقدام کرده‌اند. (ص: چهل و هشت).

۳۵- حسینی شوشتری مرعشی، علاءالملک: فردوس در تاریخ شوشتر و برخی مشاهیر آن، به تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۲، ۲۶۳ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص: ۵۲ - ۱)، عکس صفحه‌ای از نسخه خطی، متن کتاب (ص: ۱۴۴ - ۱)، تعلیقات مصحح (ص: ۲۳۱ - ۱۴۵)، فهرست‌های راهنما (ص: ۲۵۲ - ۲۳۴).

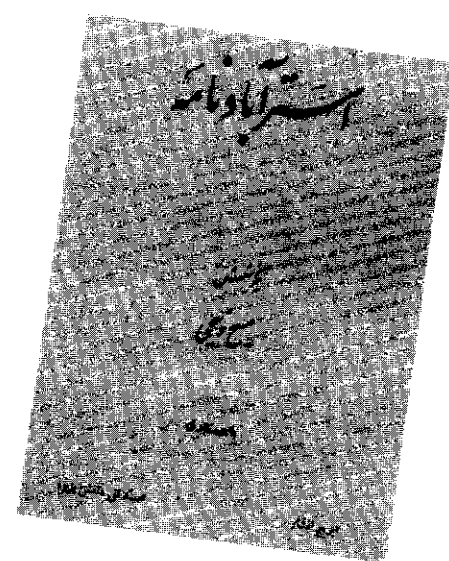
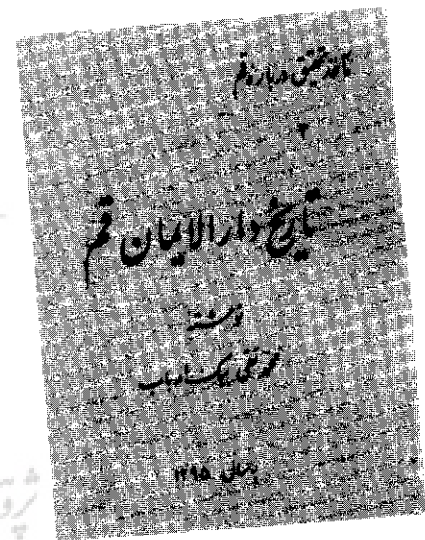
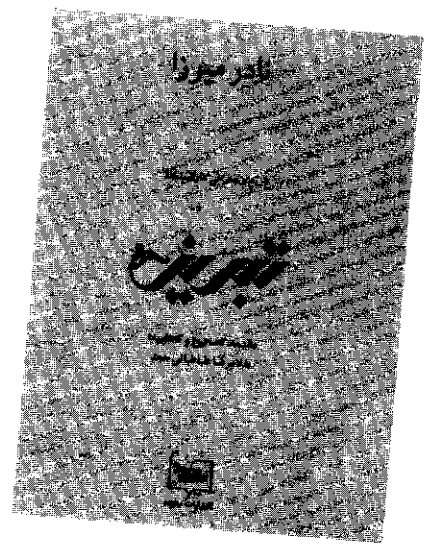
توضیح: مؤلف کتاب حاضر از علمای قرن یازدهم هجری قمری و فرزند عالم معروف شیعی قاضی نورالله شوشتری بوده است. کتاب «تاریخچه‌ای است برای شوشتر و تذکره‌ای است برای برخی از مشاهیر آن بوم و بر». مصحح درخصوص اهمیت کتاب می‌نویسد: «این کتاب اگر چه بر حسب صورت ظاهر کوچک به نظر می‌آید لیکن از جهت معنی و باطن بسیار بزرگ است زیرا مشتمل است بر ذکر جماعتی از فضیلتی شوشتر که تراجم ایشان در کتب دیگر به نظر نمی‌رسد و مخصوصاً اطلاعاتی را در شرح حال [...] قاضی نورالله شوشتری و معرفی خاندان [او]... دارند و همچنین تراجم برخی از اساتید قاضی نامبرده و سوانح حیاتیه ایشان را در اختیار اهل تتبع و تحقیق می‌گذارد که آن تراجم و اطلاعات به هیچ وجه از کتب دیگر بدست نمی‌آید...» (ص: ۱۶).

مصحح دانشمند، مرحوم ارموی، کتاب را از روی یگانه نسخه‌ای که خود در اختیار داشته تصحیح نموده است.

۳۶- فومنی گیلانی، ملاعبدالله الفتاح: تاریخ گیلان\* (در وقایع سال‌های ۹۲۳ - ۱۰۲۸ ق) به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران زمین، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹، بیست و سه + ۳۸۴ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص: نه - بیست و سه)، مقدمه مؤلف (ص: ۷ - ۳)، متن کتاب (ص: ۱۱ - ۲۸۷)، ذکر موارد اختلاف کتاب با نسخه کتابخانه ملک و فهرست‌های متعدد (ص: ۳۸۴ - ۲۹۱).

توضیح: نویسنده کتاب حاضر در دوره صفویه به کارهای دیوانی اشتغال داشته است. او در سال ۱۰۲۱ ق از سوی شاه عباس (سلطنت: ۱۰۳۸-۹۹۶ ق) برای تصدی امور دیوانی خطه گیلان منصوب شده است. اشتغالات دیوانی - اداری مؤلف تا حد زیادی در نوع مطالب مندرج در تاریخ گیلان تأثیر داشته است. چنان که در این کتاب صدها اصطلاح حسابداری دوران صفویان آمده است که



توضیح: مؤلف کتاب حاضر از نولاگان مورخ و سرگذشت نگار معروف اواخر قرن دهم و اوائل قرن یازدهم یعنی قاضی احمد قمی (۱۰۱۵-۹۵۳ ق) بوده است. وی به اقتضای نیای خویش اقدام به تألیف (۱۰۷۹ ق) کتابی در تاریخ و جغرافیای شهر قم و هشت شهر و منطقه دیگر که از لحاظ مذهب شیعه دارای مرتبه خاص هستند؛ نموده است. این مناطق عبارتند از: مکه، مدینه، کوفه، قم، آبه، کاشان، کربلا، نجف و موضع غدیر خم. (ص ۹). چنان که پیدایست کتاب خلاصه‌البلدان از نظری، تاریخی نو برای شهر قم در سده یازدهم هجری است و از دیدی دیگر کتابی است در فن «مسالک و ممالک».

به اعتقاد مصحح محترم «مطالبی که در این اثر درباره قم می‌خوانیم بیشتر از «ترجمه کتاب قم» گزیده و تلخیص شده و مطالبی که درباره سایر شهرها و نقاط در آن هست بیشتر از مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری گرفته شده است. با این همه در بخش‌های گوناگون این نوشته جا به جا نکات و مطالبی هست که کاملاً تازه و منحصر است و از این رو باید این کتاب را به عنوان اثری ارزنده قابل ستایش در تاریخ و جغرافیای قم و به نحو اجمال چند شهر مذهبی دیگر در دوره صفوی شناخت.» (ص ۹).

چاپ کتاب براساس عکس نسخه اصل (محفوظ در موزه لندن) انجام گرفته است.  
۳۹- باقی، محمد مفیدین محمود (مستوفی بافقی): جامع مفیدی<sup>۴۴</sup> (تألیف میان سال‌های ۱۰۹۰-۱۰۸۲ ق)، به تصحیح ایرج افشار، کتابفروشی اسدی، تهران، ۴۲ و ۱۳۴۰، ۳ جلد.  
جلد اول: ح + ۲۲۹ ص، جلد دوم چاپ نشده است. جلد سوم: دوازده + ۹۴۲ ص.

کتاب مشتمل است بر (ج ۱) مقدمه کوتاه مصحح (دو صفحه)، متن کتاب (ص ۲۱۰-۱)؛ فهرست‌های راهنما (ص ۲۲۹-۲۱۳)؛ جلد سوم شامل مقدمه مصحح (پنج- بیست و یک)، متن کتاب (ص ۸۸۴-۱)، فهرست‌های اعلام (ص ۹۴۲-۸۸۵).

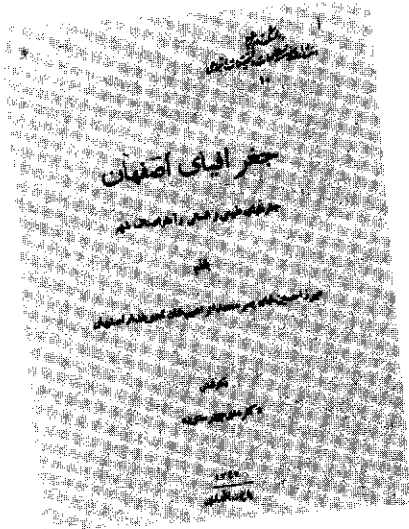
توضیح: مؤلف کتاب حاضر چند سالی در دوره شاه سلیمان صفوی (سلطنت: ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) در امور دیوانی صاحب مقام بوده است. در ۱۰۷۷ ق مستوفی اوقاف یزد و در ۱۰۷۹ ناظر اوقاف یزد بود. در ۱۰۸۱ ق دست از نظارت اوقاف کشیده به اصفهان، بصره و عتبات رفت و سپس عازم هندوستان شد. باقی اثر حاضر را در میان سال‌های ۱۰۹۰-۱۰۸۳ ق تألیف کرده است. جلد اول، تاریخ یزد از عهد اسکندر تا آخر عهد تیموریان. جلد دوم: تاریخ یزد پس از آن تا دوران شاه سلیمان که مؤلف معاصر او بوده است. جلد سوم که با اهمیت‌تر از دو جلد دیگر است اختصاص به

شرح احوال رجال (اعم از دیوانیان و مستوفیان و کلاستران و شاعران و هنرمندان و قاضیان و فقیهان و دیگر اصناف) و وصف نواحی یزد از لحاظ تاریخی و جغرافیایی و ابنیه و آثار داخل شهر دارد. (ج ۳، ص: هفت). مؤلف اثر دیگری نیز در جغرافیا با الحاق بعضی مطالب تاریخی که بیشتر به تاریخ ائمه و پادشاهان صفوی ارتباط دارد در میان سال‌های ۱۰۸۷ تا ۱۰۹۱ ق، تحت عنوان مختصر مفید تألیف کرده است. قسمتی از مختصر مفید مربوط به شهرها و بناهای جنوبی را ژان اوبن (Jean Aubin) فرانسوی در جلد ششم فرهنگ ایران زمین (صص ۱۷۷-۱۶۴) با مقدمه‌ای به طبع رسانیده است. مصحح محترم درخصوص فواید جامع مفیدی در مقدمه مطالبی آورده‌اند که نقل آنها - در اینجا - برای شناسایی بیشتر این کتاب ضروری است، می‌نویسند: «جامع مفیدی علاوه به آن که در تاریخ یزد و جلد سوم آن اختصاصاً محتوی بر ترجمه احوال رجال و وصف ابنیه و آثار شهر است تألیفی است که به سبب احتوا و اشتمال بر اصطلاحات دیوانی و مناسب شرعی و عرفی و تشریح اصناف و طبقات مردم و وضع اوقاف و طرز عزل و نصب حکام و وزراء و ناظران و متصدیان حکومت و چگونگی مراتب و مدارج امور لشکری و اداری و به طور کلی بیان اوضاع جامعه عهد صفوی در تحقیقات تاریخی و تبعات اجتماعی فوق‌العاده مفید واقع می‌شود... از لحاظ جغرافیای تاریخی، کتاب جامع مفیدی تألیف کم‌مانندی است. بنابر محتویات این کتاب، یزد به هفده محله تقسیم شده است. فصلی مفصل از کتاب به تاریخ احداث دیه‌ها و قنات‌ها و آب‌انبارها و مسجدها و مدرسه‌ها اختصاص داده شده است.» (ج ۳، ص یازدهم).

جامع مفیدی غیر از اشتمال بر تاریخ یزد و مضافات و گذشته از احتواء بر تراجم علما و رجال آن ولایت، برای اطلاع بر احوال اجتماعی و اداری ایران در عهد صفویه نیز مفید است. (زرین کوب: تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۶۱).

## تالیفات قرن دوازدهم:

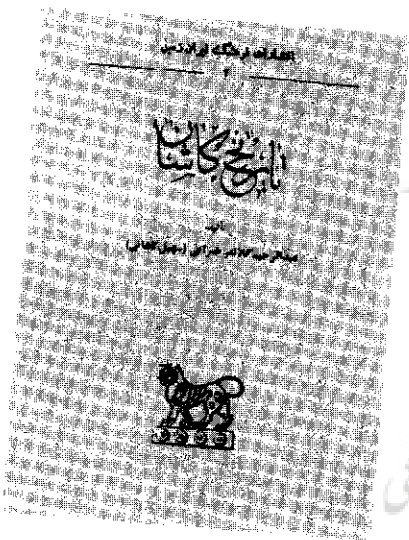
۴۰- جزائری، سید عبدالله (متخلص به فقیر): تذکره شوشتر (تألیف در سال‌های ۱۱۶۹-۱۱۶۷ ق) به تصحیح خان بهادر مولی بخش و محمدهدایت حسین، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، بی‌تا، ۱۶ + ۱۹۳ + Xi ص. مصور. کتاب مشتمل است بر مقدمه‌ای در شرح حال مؤلف به قلم سید محمد جزائری (ص ۱۶-۳)، متن کتاب (ص ۱۹۳-۱)، پیشگفتار و مقدمه مصححین به زبان انگلیسی (I-Xi). توضیح: سید عبدالله شوشتری (۱۱۷۳-۱۱۱۲ ق) در



شاه به تهران از طریق نیشابور و سبزوار و دامغان و سمنان و برای تکمیل معلومات خود به سیر و سفر در شهرهای ایران و روم پرداخت. تا پایان عمر به تدریس و تألیف پرداخت و آثار متعددی از خود بجا گذاشت. کتاب حاضر یکی از مهمترین تألیفات اوست که در اوائل سال ۱۱۶۷ ق تألیف آن را آغاز و تا سال ۱۱۶۹ ق تدریجاً به تکمیل آن پرداخت. کتاب شامل چهل و چهار فصل در شرح علماء و شعراء و حکام و مساجد و مدارس و بقاع الخیر و نسب بعضی از سادات و وقایع مهمه‌ای است که در عصر مؤلف واقع شده است. (ص ۱۱).

کتاب حاضر نخستین بار توسط مصححین یاد شده برای جامعه آسیایی در بنگال تصحیح شده و در سال ۱۸۴۸ م انتشار یافته است و بار دیگر در ۱۹۲۴ م با مقدمه انگلیسی منتشر شده است. چاپ حاضر عیناً مطابق با چاپ کلکته است.

چنان که پیداست کتاب عظیم و حجیم مطلع الشمس در حقیقت دائرةالمعارف بزرگی است که به لحاظ دارا بودن اطلاعات بسیار گسترده و متنوع در جغرافیا و تاریخ و فرهنگ و هنر در زمینه‌های گوناگون، از اهمیت و اعتباری بی‌مانند برخوردار است. (ص: سی و سه). اعتماد السلطنه در تألیف این کتاب علاوه بر مشاهدات و شنیده‌ها نه تنها از منابع و متون تاریخ و جغرافیای قدیم بهره برده بلکه از تحقیقات و سفرنامه‌های سیاحان متعدد خارجی نیز استفاده کرده است. ۴۲- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان: تاریخ طبرستان (التدوین فی احوال جبال شروین) به تصحیح میترا مهرآبادی، با مقدمه محمد جواد مشکور و احسان اشراقی، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، یب + سی و هشت + ۴۰۶ ص.



کتاب مشتمل بر مقدمه دکتر مشکور (الف - ج)، مقدمه دکتر اشراقی (د - ه)، پیشگفتار مصحح (و - یب)، فهرست و مشخصات ۲۵۵ مقاله پیرامون مازندران، گیلان و گرگان، (یک - سی و هشت)، پیشگفتار و مقدمه مولف (ص ۷ - ۱)، متن کتاب (ص ۳۴۶ - ۸)، فهرست اعلام (ص ۴۰۶ - ۳۴۸). توضیح: اعتماد السلطنه تألیف کتاب حاضر را در سال ۱۳۱۲ ق به انجام رسانده است. مؤلف در این کتاب به بیان تاریخ و جغرافیای منطقه پرداخته و در ضمن نکاتی جالب در باب اوضاع اجتماعی آنجا، مباحثی در باب تاریخ پیش از اسلام طبرستان، اقوام آن سامان، چگونگی ورود اسلام به طبرستان و سلسله‌های مختلف آن تا حدود و عصر صفوی را ذکر می‌کند... و در پایان نیز تراجم احوال رجال و علمای سوادکوه، به اضافه جدولی از مدت سلطنت سلسله‌های طبرستان آورده است. (ص: ز)

گفتنی است که تصحیح دیگری نیز از این کتاب با مشخصات زیر انتشار یافته است: اعتماد السلطنه، محمدحسن خان: التدوین فی احوال جبال شروین (تاریخ سوادکوه مازندران)، به تصحیح مصطفی احمدزاده، انتشارات فکر روز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، ۴۹۶ ص. این چاپ فاقد مقدمه مصحح است.

۴۳- نادر میرزا: تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات ستوده، چاپ اول، تبریز، ۱۳۷۳، شصت و چهار + ۶۸۸ ص.

کتاب مشتمل است بر عناوین و مقدمه مصحح (بیست و شش - شصت و یک)، عکس سه نمونه از صفحه اول نسخه دستنویس، متن کتاب (ص ۵۰۳ - ۱)، توضیحات و

شوشتر زاده شد، مقدمات علوم را در آنجا فرا گرفت و سپس برای تکمیل معلومات خود به سیر و سفر در شهرهای ایران و روم پرداخت. تا پایان عمر به تدریس و تألیف پرداخت و آثار متعددی از خود بجا گذاشت. کتاب حاضر یکی از مهمترین تألیفات اوست که در اوائل سال ۱۱۶۷ ق تألیف آن را آغاز و تا سال ۱۱۶۹ ق تدریجاً به تکمیل آن پرداخت. کتاب شامل چهل و چهار فصل در شرح علماء و شعراء و حکام و مساجد و مدارس و بقاع الخیر و نسب بعضی از سادات و وقایع مهمه‌ای است که در عصر مؤلف واقع شده است. (ص ۱۱).

کتاب حاضر نخستین بار توسط مصححین یاد شده برای جامعه آسیایی در بنگال تصحیح شده و در سال ۱۸۴۸ م انتشار یافته است و بار دیگر در ۱۹۲۴ م با مقدمه انگلیسی منتشر شده است. چاپ حاضر عیناً مطابق با چاپ کلکته است.

## تألیفات قرن سیزدهم:

۴۱- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان: مطلع الشمس یا تاریخ ارض اقدس (در جغرافیا و تاریخ مشروح بلاد و اماکن خراسان بویژه مشهد مقدس)، به کوشش تیمور برهان لیמודهی، انتشارات یساولی «فرهنگسرا» تهران، ۱۳۶۲، قطع رحلی، جلد ۱ و ۲ در یک مجلد، چهل + ۷۹۰ ص، جلد ۳ از ۷۹۱ تا ۱۴۴۱. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه کوشنده (شانزده - چهل)، متن کتاب (ص ۷۹۰ - ۱) و (ص ۱۲۵۸ - ۷۹۱)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۴۴۱ - ۱۲۶۵).

توضیح: کتاب حاضر که در واقع تتمه مرآة البلدان است، یکی از آثار معتبر و پرارزش در تاریخ و جغرافیای منطقه خراسان، بویژه مشهد به شمار می‌آید. این کتاب نخستین بار در سال‌های (۱۳۰۳ - ۱۳۰۱ ق) به هنگامی که اعتماد السلطنه وزیر انطباعات بوده در سه مجلد در قطع رحلی منتشر شده است. جلد اول وضع جاده تهران به مشهد از لحظه خروج ناصرالدین شاه (سلطنت: ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق.) از تهران تا ورود به مشهد از راه دماوند و فیروزکوه و بسطام و بجنورد و قوچان را منزل به منزل و وصف می‌کند و اوضاع هر یک از شهرها و روستاها را از جمیع جهات به‌طور مبسوط و همه جانبه شرح می‌دهد. جلد دوم وصف شهر مقدس مشهد، آثار و ابنیه و شرح اماکن متبرکه این شهر و اطراف آن، و زندگینامه بزرگان و مفاخر آن بویژه شرح زندگانی امام هشتم (ع) است. همچنین فهرست منظمی نیز از کتاب‌های کتابخانه آستانه قدس رضوی را در علوم مختلفه در بخش پایانی خود به‌همراه دارد. جلد سوم شرح بازگشت ناصرالدین



# جامع جغرفی

تالیف: نادر میرزا نادر محمدی

تالیف  
نادر میرزا نادر محمدی  
تیسرین بار چاپ شده

تعلیقات (ص ۶۲۷-۵۰۵) معنی پاره‌ای لغات و فهرست‌های راهنما (ص ۶۸۸-۶۲۹).

توضیح: نادر میرزا (۱۳۰۳-۱۳۴۳ ق) یکی از شاهزادگان با فرهنگ و دانش دوست قاجار است که چهل سال از عمر خود را در تبریز سپری کرد. او در طول این چهار دهه شاهد حوادث و وقایع بسیاری - بوده که در دوران ناصرالدین شاه (سلطنت: ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) در تبریز اتفاق افتاده است. با این حال کتاب حاضر تنها شرح و بیان وقایع و رخدادهای تبریز در دوره مزبور نیست بلکه مؤلف مباحث میسوط و متنوع دیگری نیز در کتاب خود آورده است. از جمله بیان چگونگی تقسیم قنوات تبریز، بیان اسامی محله‌های شهر در قدیم و جدید، ذکر شعرا و حکما و معرفی حکام و فرماندهان تبریز در روزگار قاجار، اشاره به محصولات و تولیدات تبریز، معرفی خاندان‌های بزرگ و دست‌آختر مطالبی در خروج طغیان شیخ عبیدالله و اکراد و نیز مطالب جزئی‌تر دیگر.

گفتنی است که کتاب حاضر یک بار در سال ۱۳۵۱ شمسی توسط محمد مشیری به صورت افست چاپ شده است. اما چاپ حاضر براساس، نسخه چاپ سنگی و دو نسخه خطی تصحیح و با کیفیتی بسیار مطلوب انتشار یافته است.

۴۴- بیک ارباب، محمدتقی: تاریخ دارالایمان قم، به کوشش [حسین] مدرسی طباطبایی، چاپ حکمت، قم، ۱۳۵۳، ۱۴۴ ص.

کتاب مشتمل است بر یادداشت کوتاه کوشنده، متن کتاب (ص ۱۱۶-۷)، حواشی و فهراس (ص ۱۴۴-۱۱۹). توضیح: نویسنده این کتاب از ادبا و فضیلائی قم در دوره ناصرالدین شاه بوده که به خواهش میرزا سید مهدی حکمران قم در سال ۱۲۹۵ ق اقدام به نگارش این اثر نموده است. این رساله همچنان که در دیباچه آن یاد می‌شود از نوشته‌هایی است که به منظور تدوین مرآة البلدان ناصری برای دارالتالیف همایونی نگارش یافته و در مجلد چهارم آن کتاب که به سال ۱۲۹۶ ق تدوین و چاپ شده از آن به عین الفاظ بهره گرفته شده است. (ص ۴) و نیز ر. ک: مدرسی طباطبایی: کتابشناسی آثار مربوط به قم، چاپ حکمت، قم، ۱۳۵۳، ص ۸۱-۷۳.

۴۵- استرآباد نامه؛ به کوشش مسیح ذبیحی، با همکاری ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۴۸، د + ۳۱۹ ص.

بعد از مقدمه‌ای کوتاه از استاد ایرج افشار (الف - د) متن پنج رساله آورده شده است.

توضیح: کتاب حاضر حاوی پنج رساله ارزشمند است که هر یک در رابطه با استرآباد واجد اطلاعات و آگاهی‌های

سودمندی است. رساله‌ها بر حسب زمان تألیف چنین‌اند:  
۱- روزنامه سفر استرآباد - شرح مسافرت شخصی است که در سال ۱۲۶۳ ق به همراه حاکم وقت میان طوایف یموت و کولکلان سفر کرده است (ص ۱۰۳-۹۳)؛ ۲- شرح حال علما و ادبای استرآباد تألیف محمد صالح بن محمدتقی بن محمد اسماعیل استرآبادی متخلص به برهان (تألیف ۱۲۹۴ ق) (ص ۲۱۳-۱۰۷)؛ ۳- ترجمه سفرنامه‌ای از کلنل بدسفرّد لوات (C. Bedesford Lovett) کنسول انگلیس در استرآباد که در سال ۱۲۹۹-۱۲۹۸ ق به رشته تحریر درآورده است (ص ۲۶۲-۲۱۸)؛ ۴- نخبه سیفیه تألیف محمدعلی قورخانچی صولت نظام که از طرف دولت در سال‌های ۲۱-۱۳۲۰ ق مأمور استرآباد بود و به مناسبت آن که حاجی سیف‌الدوله حکومت آن ناحیه را داشت رساله مفید خود را به نام او موسوم ساخت (ص ۹۰-۳)؛ ۵- متن سه وقفنامه، وقفنامه آب شهرآباد، وقفنامه مدرسه دارالشفاء و عراقی محله، وقفنامه روشن‌آباد (ص ۲۹۰-۲۶۷). در پایان کتاب فهرست‌های متعددی گنجانده شده است. (ص ۳۱۹-۳۹۱).

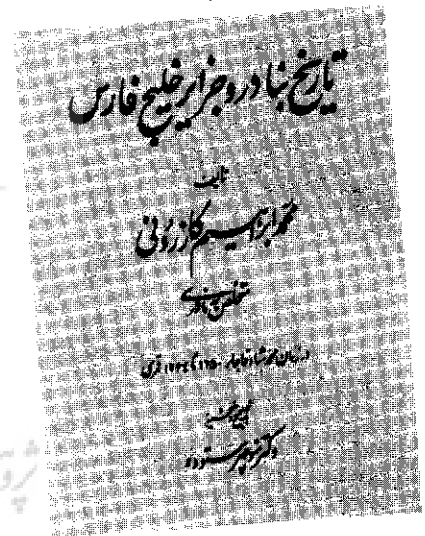
۴۶- تحویلدار، حسین بن محمدابراهیم: جغرافیای اصفهان (جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر)، (تألیف ۱۲۹۴ ق) به کوشش منوچهر ستوده، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران، ۱۳۴۲، ۱۵۰ ص.

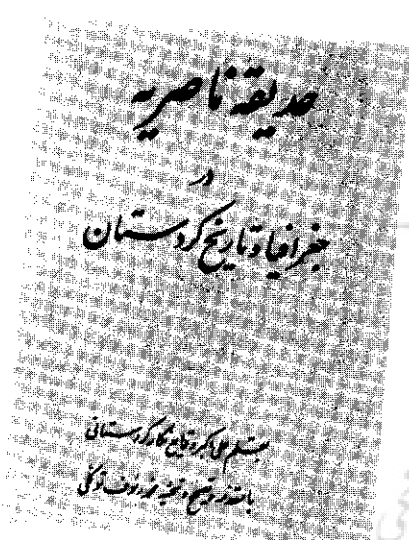
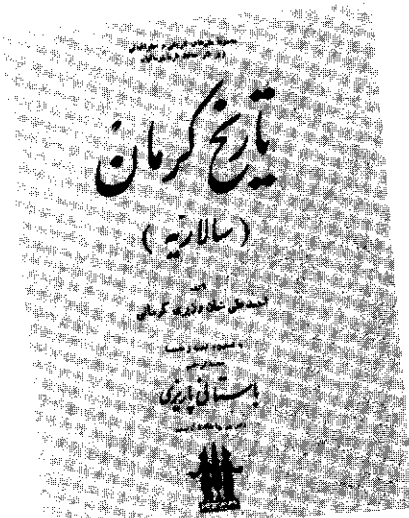
کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح و یادداشتی از جلال آل احمد (ص ۴-۱)، متن کتاب (ص ۱۳۱-۷)، فهرست اعلام (ص ۱۵۰-۱۳۲).

توضیح: مطالب این کتاب محدود به مطالب جغرافیای طبیعی نیست. بلکه مؤلف بیشتر به جغرافیای انسانی پرداخته است. به اعتقاد مصحح محترم هیچ مؤلفی تاکنون، خاندان‌ها و خانواده‌های اصفهان را تا این درجه از دقت مورد بررسی قرار نداده است. در این کتاب اصناف مختلف مردم را به ۱۹۹ نوع تقسیم کرده است و در ذیل هر یک شرح کاملی از آنها آورده است. (ص ۳).

لازم به ذکر است که یکی از ایران‌شناسان برجسته معاصر - ویلیام فلور - که در رشته جامعه‌شناسی دانش آموخته و در تاریخ ایران دوران صفویه به بعد تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است، قسمتی از کتاب حاضر را در سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۱ ش) به انگلیسی ترجمه نموده و در پایان نامه خود - اصناف ایران در دوران قاجار - گنجانده است. (ر. ک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۲، ش ۱۲، مهر ۱۳۷۸، شماره پیاپی ۲۴ ص ۱).

در همین جا باید از مآخذ دیگری درباره جغرافیای اصفهان که با کتاب حاضر قابل قیاس است یاد کرد:





به منظور جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از نواحی مختلف کشور برای تدوین مرآت‌البلدان که مروج و مشوق حقیقی آن مانکجی مذکور بوده، فراهم آمده است (ص. چهار). این اثر در واقع یگانه کتابی است که در تاریخ و جغرافیا و رجال شهر کاشان تألیف شده است. زیرا از اوایل دوران اسلامی تا دوره نادرشاه کاشان در جزو حکومت قم و اصفهان بوده از این رو کتاب مستقلی در تاریخ و جغرافیای آن پدید نیامده است.

تاریخ کاشان دربردارنده فواید عذیده‌ای است. بویژه می‌توان از آن به عنوان منبعی مستند و معتبر درباره اوضاع اجتماعی ایران عصر قاجار یاد کرد.

۴۸- شوشتری، میرعبداللطیف خان: تحفة العالم و ذیل التحفه<sup>۴</sup>، به تصحیح صمد موحد، چاپ گلشن، تهران، ۱۳۶۳، ۵۲۶ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۲۸-۱۱)، متن تحفة‌العالم شامل ۱۹ فصل (صص ۴۶۶-۳۱)، متن ذیل التحفه (ص ۴۸۲-۴۶۹)، فهرست‌های راهنما (ص ۵۲۲-۴۸۶).

توضیح: سید عبداللطیف (۱۲۲۰ - ۱۱۷۲ ق) بعد از کسب علوم از افاضل عصر خود، به قصد (سیرو سیاحت، زادگاه خود - شوشتر - را به سوی عراق ترک نمود. او در سی سالگی عازم هند گردید. و در محرم ۱۲۰۳ ق وارد کلکته شد و تا هنگام مرگش (۱۲۲۰ ق) در حیدرآباد هندوستان زیست. او شرح سفر و دیده‌ها و شنیده‌های خود در هند را به تفصیل در تحفة‌العالم و ذیل آن آورده است (ص ۴۸۲ - ۲۳۸). اما ۲۳۸ صفحه نخست کتاب در واقع بیان تاریخ و جغرافیای تاریخی و وضع برخی از شهرهای خوزستان (بویژه شوشتر) و عراق و مناطق غرب ایران است. فصولی نیز به شیوه تذکره‌ها به ذکر سادات شوشتر و احوال مؤلف و اسلافش اختصاص یافته است. این آگاهی‌ها و اطلاعات اگر چه از منظر تاریخ محلی بسیار سودمند است ولیکن بنا به اعتقاد مرحوم کسروی این مطالب تراوش قلم سیدعبداللطیف نبوده بلکه او به کتاب ارزشمند عمومی خود - سید عبدالله جزایری - یعنی تذکره شوشتر مکرر دستبرد زده و لذا بیشتر مطالب کتاب خود را از تذکره شوشتر برداشته است. چنان که عبارت‌ها نیز عبارت‌های همان کتاب است. (ر. ک: کاروند کسروی: ص ۲۵۷ - و نیز مقدمه مصحح بر تحفة‌العالم، ص ۲۲).

گفتنی است که مصحح محترم، کتاب حاضر را براساس چاپ سنگی تحفة‌العالم و نیز دو نسخه خطی آن تصحیح نموده و به طرز بسیار مطلوب منتشر کرده است. ۴۹- طرب نائینی، محمد جعفر بن محمدحسین: جامع جعفری (تاریخ یزد در دوران نادری، زندی و عصر

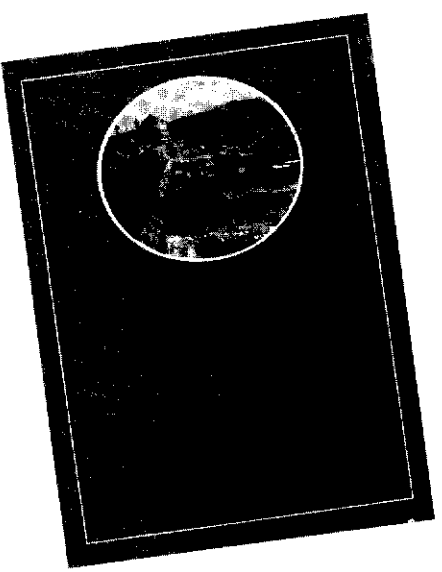
«کتابچه جغرافیای دارالسلطنه اصفهان و بلوکات و توابع» که به دستور ظل‌السلطان در سال ۱۲۹۹ ق به سعی و اهتمام میرزا سلیمان خان رکن‌الملک نایب‌الحکومه فراهم شده و گویا جزء ثبت‌ها و کتاب‌هایی است که به منظور تألیف مرآت‌البلدان ناصری برای دارالتألیف همایونی تألیف گردیده است. حسین مدرسی طباطبایی راجع به همین اثر در مقاله‌ای تحت عنوان «مأخذی تازه برای تحقیقات مربوط به اصفهان» (ر. ک: مجله وحید ۱۲ (۱۳۵۳) ۳۷۵-۳۷۱) می‌نویسد: «کتاب مورد بحث از نظر موضوع و عنوان با «جغرافیای اصفهان» میرزا حسین تحویلدار (چاپ ستوده) یکی است جز آن که از رهگذر احتواء بر احصائیه و آمار دقیق نفوس و اماکن شهر اصفهان و بلوکات و توابع آن بسیار مهمتر است همچنان که آن دیگری از نظر وصف اوضاع اجتماع آن دوره اصفهان بر این اثر مزیت و برتری نمایان دارد...» (ص: ۳۷۲، ۳۷۱).

وی درخصوص ضرورت نشر این کتاب می‌نویسد: «از آنجا که این نسخه از نظر به دست دادن دقیق وضع جغرافیایی و بسیاری نکات تاریخی یک قرن پیش اصفهان اثری ارزنده و مهم است و از سویی دیگر تاکنون در جایی شناسانده نشده دیباچه کوتاه و فهرست اجمالی مطالب آن در اینجا آورده می‌شود به این امید که صاحب همتی از فضلی آن شهر به نشر آن اهتمام ورزد...» (ص، ۳۷۲) برای بررسی اجمالی دیگری از همین اثر بنگرید به: رجائی زفره‌ای، محمدحسین: جغرافیای دارالسلطنه اصفهان، وحید، ۱۲ (۱۳۵۳) ۴۷۸ - ۴۷۷.

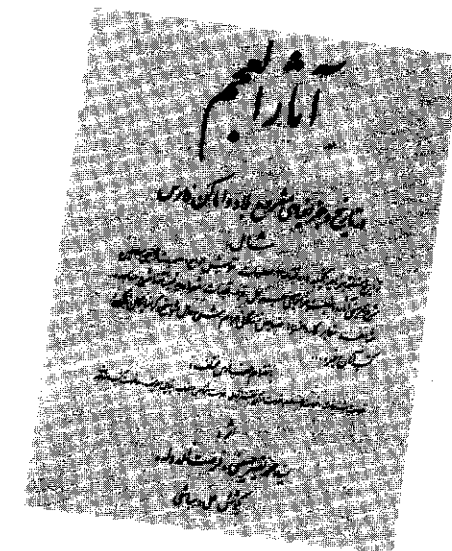
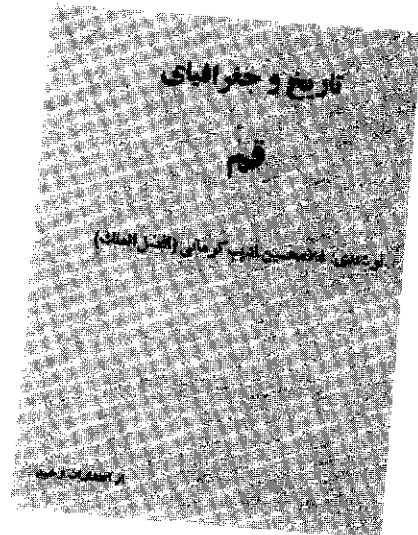
۴۷- ضرابی، عبدالرحیم بن محمد ابراهیم بن صادق ضرابی (متخلص به سهیل کاشانی): تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، به انضمام یادداشت‌هایی از اللهیار صالح، انتشارات ابن‌سینا، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۱، بیست و یک + ۶۱۴ ص. مصور.

کتاب محتوی است بر مقدمه مصحح (سه - یازده)، متن کتاب (ص ۴۵۸ - ۲) تعلیقات و توضیحات (ص ۵۶۴ - ۴۵۹)، فهرست‌های راهنما (ص ۶۱۴ - ۵۶۵) تصاویر (بیست مورد).

توضیح: نام اصلی کتاب حاضر مرآت‌القاسان است. این کتاب در جواب سؤالاتی تهیه شده که از مرکز مملکت به تشویق مانکجی لیمجی هاتریا پارسی از حاکم کاشان خواستار بوده‌اند و حاکم وقت که جلال‌الدین میرزا احتشام‌الملک بوده است حصول این امر مفید و مهم را از عبدالرحیم کلانتر ضرابی درخواست کرده است. مؤلف در سال ۱۲۸۷ ق تألیف کتاب را آغاز و در سال ۱۲۸۸ ق به اتمام رسانده است. این کتاب نیز همانند نصف جهان فی تعریف الاصفهان (تألیف محمد مهدی اصفهانی)، در واقع







سلطنت فتحعلی شاه): به تصحیح ایرج افشار، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۳، بیست و هشت + ۹۲۹ ص. مصور، یک برگ نقشه.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (یک بیست و هشت)، عکس بزرگی از نسخه خطی و تصاویر متعدد، متن کتاب (ص ۸۷۷ - ۱). توضیحات و فهرست‌های متعدد راهنما (ص ۹۲۹ - ۸۸۱).

توضیح: طرب نائینی در ۱۲۲۰ ق، در اصفهان تولد یافت، علوم ادبی و دینی رایج زمان را در نزد بزرگان آموخت. توانایی وی در نویسندگی موجب اشتغال او در امور دیوانی شد. زمانی که محمد ولی میرزا به مدت هفت سال (۱۲۳۶ الی ۱۲۴۳) والی یزد بود، طرب نائینی سمت دفتر انشاء شاهزاده را بر عهده داشت. حتی پس از آن که عبدالرضاخان قیام کرد و به حکومت یزد رسید، طرب سمت منشیگری را در دستگاه عبدالرضاخان حفظ کرد. (ص هفده).

طرب در سال ۱۲۵۴ ق به تألیف این اثر همت گماشت. کتاب به «طور اختصاص اخبار و وقایع مربوط به دوران حکومت «خوانین» این شهر [یزد] و حالات افرادی چند ازین خاندان مقتدر را، که از سال ۱۱۶۱ ق تا برافتادن بساط حکمرانی عبدالرضا خان، در خاک یزد حاکم و فرمانروای بانفوذ بوده و منشأ حفر قنوات متعدد و آبادانی‌ها و تأسیسات شهری زیاد بوده‌اند، در بر دارد در افواه به کتاب تاریخ خوانین نیز شهرت یافته است.» (ص نه) کتاب متضمن فواید عدیدهای است از جمله ضبط نحوه اجرای اصول حکومتی در ولایات که از عین دستورالعمل شاهزاده محمولی میرزا عاید می‌شود. نظیر این دستورالعمل در مراجع دیگر دیده نشده است، وجود اصطلاحات نادر، به دست دادن مفاهیم بعضی از اصطلاحات، ضبط اصطلاح در باب حرف و اصناف یزد و نیز صاحبان مناصب و مقامات حکومتی و... (ص: بیست).

۵۰- کازرونی، محمد ابراهیم (متخلص به نادری): تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، به تصحیح منوچهر ستوده، مؤسسه فرهنگی جهانگیری، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷، هفت + ۱۸۵ ص. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (پنج - هفت)، متن کتاب (ص ۱۴۹ - ۱). فهرست‌های راهنما (ص ۱۸۶ - ۱۵۱). تصاویر.

توضیح: مؤلف کتاب حاضر در زمان محمدشاه قاجار (سلطنت: ۱۲۶۴ - ۱۲۵۰ ق.) مأموریت یافته تا وضعیت بنادر و جزایر خلیج فارس را مطالعه و بررسی کند. این اثر در واقع حاصل سفر دور و دراز مؤلف به مناطق مزبور است. کتاب بعد از مقدمه دارای دو باب است.

باب اول: «در حقیقت و چگونگی بنادر واقعه در سواحل

دریای فارس از بندر محمره [خرمشهر] که در کنار شط کارون واقع است تا بندر مینا و...»

باب دوم: «در چگونگی و حقایق جزایری که در بحر خلیج فارس واقع است و ذکر هر جزیره را در مقابل هر بندر که واقع است متعرض می‌گردد. هر یک از این دو باب نیز مفصل می‌شوند به فصول متعدد، به قدر آبادی و خرابی و جمعیت و پریشانی آن بندر و جزیره» (ص ۲۵ و ۲۶).

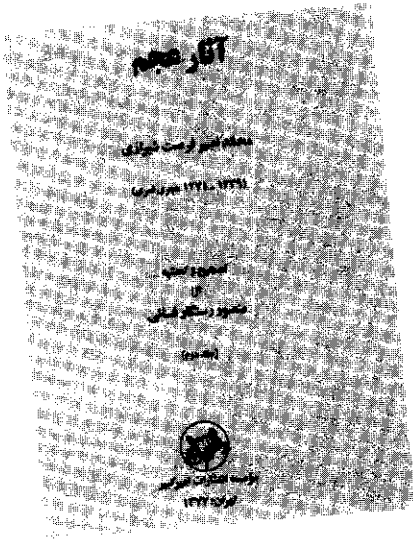
کتاب حاضر براساس سه نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی ملک، مجلس سنای سابق و مجلس شورای اسلامی تصحیح شده است.

۵۱ - رشوند، محمدعلی خان: مجمل رشوند (شرح وقایع و گزارش‌های تاریخی منطقه رودبار و الموت، نواحی اطراف آن و قزوین در سال‌های ۱۲۷۱ - ۱۲۷۶ قمری)، به تصحیح منوچهر ستوده، عنایت‌الله مجیدی، نشر میراث مکتوب، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، پنجاه و شش + ۲۸۷ ص. مصور، عکس، نمونه.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصححان (یک - پنجاه و شش)، متن کتاب (ص ۲۰۳ - ۱)، تعلیقات (ص ۲۵۱ - ۲۰۶)، فهرست‌های راهنما (ص ۴۱۵ - ۲۵۵).

توضیح: کتاب حاضر بخش دوم از کتاب مجمل است که حاوی مسائل تاریخی و وضعیت اجتماعی مردم رودبار و الموت و نواحی اطراف آن و حتی شهر قزوین در بین سال‌های ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۶ ق است. مؤلف آگاهی‌های ارزشمندی در باب موضوع‌های گوناگون به دست می‌دهد: وضعیت ایل رشوند و شیوه زندگی این ایل، طایفه‌ها، خاندان‌ها و ایل‌های دیگر منطقه، چگونگی تربیت و تجهیز سرباز و سوار نظام، جغرافیایی محلی این سامان، محصولات و طرز گردآوری مالیات‌ها و مصارف آن، نحوه برخورد حکام و شاهزادگان با رعایا و کشاورزان، موضوع پیشکشی و تعارف‌های معمول دوران قاجار، بعض بیماری‌ها و چگونگی درمان آنها، اعیاد و مراسم رایج در بین مردم و مطالب و گزارش‌های بسیاری از چگونگی احوال نواحی اطراف رودبار، نیز مردان سیاسی و دینی آن روزگار قزوین - علاوه بر این‌ها گزارشی نیز از شرکت سوار نظام ایل رشوند در جنگ هرات و بازگشت آنها به منطقه نیز آورده شده است. غالب اطلاعات و مطالب مجمل انحصاری است و در هیچ اثر تاریخی و جغرافیایی دیگر، مشابه آنها را نمی‌توان یافت. با توجه به این که تاکنون کتاب مستقل و جامعی در باب مردم این منطقه وسیع کوهستانی تألیف نشده، اثر محمدعلی خان رشوند را باید ارج نهاد. (ص. سه و چهار).

۵۲ - وزیری کرمانی، احمدعلی خان: تاریخ کرمان (سالاربه) <sup>۳۷</sup> به تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی،



می آید. به ویژه آن که مؤلف خود از دست‌اندرکاران دستگاه حکومتی در عهد قاجار بوده است. دقت نظر مؤلف باعث شده که قسمت‌های زیادی از تاریخ کردستان از خطر فراموشی مصون ماند.

## تألیفات قرن چهاردهم:

۵۴ - ارباب، محمد مهدی بن محمدرضا اصفهانی: نصف جهان فی تعریف الاصفهان<sup>۳۸</sup> (تألیف ۱۳۰۰ ق)، به تصحیح منوچهر ستوده، امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۰، ع + ۳۷۳ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (الف - بیج [= ۱۳ ص]، خطبه کتاب (ص ۱-۳)، مقدمه مؤلف (ص ۳-۶) و شش فصل. فصل اول: در بیان کلیات حالات اصفهان و ناحیه آن و تغییرات اسمی و نسبی که در آن روی نموده است. (ص ۲۰-۷)؛ دوم: در قسمت این ناحیه به شهر و بلوک و غیر آن و وضع شهر و حدود آن. (ص ۲۹-۲۱)؛ سوم: در اجزای صناعی اصفهان و امور متعلقه به آن (ص ۸۱-۳۰)؛ چهارم: در امور طبیعی اصفهان (ص ۱۳۸-۸۲)؛ پنجم: در تاریخ اصفهان و ابتدای بنای آن و وجه تسمیه آن بدین اسم (ص ۱۳۹-۲۹۵)؛ ششم: ذکر بلوکات اصفهان (ص ۳۳۶-۲۹۶). فهرست‌ها (ص ۳۷۳-۳۳۷).

توضیح: بنا به گفته مصحح محترم اثر حاضر جزء کتابهایی است که برای تنظیم مرآت البلدان ناصری در دوران ناصرالدین شاه تهیه و تنظیم شده است. این دسته از کتب نتیجه دقت و بررسی‌های افرادی بوده که پایه علمی و ادبی داشته‌اند و نتیجه مطالعات چندین ساله و مشاهدات محلی خود را به صورت کتابی تقدیم ناصرالدین شاه کرده‌اند تا مطلعین و اهل فن آنها را مورد مطالعه قرار دهند و مطالبی از آنها را برای تألیف مرآت البلدان ناصری برگزینند. (ص: الف).

تألیف کتاب حاضر در سال ۱۳۰۰ ق. اتمام یافته و به نظر دستگاه دولتی رسیده است. مؤلف در تألیف این اثر تنها به مشاهدات و اطلاعاتی که از دیگران کسب کرده اکتفا نکرده بلکه از بسیاری کتب و رسائل موجود درباره اصفهان نیز بهره برده است. برخی از مطالب کتاب در نوع خود چنان دقیق و مفصل است که در هیچ منبع دیگری نمی‌توان یافت.

نسخه منحصر به فرد این اثر جزء کتبی بوده که شیندلر (Schindler) هنگام مسافرت به ایران خریداری کرده است. ادوارد براون در ۱۹۱۷ م کتاب مزبور را برای دانشگاه کمبریج ایتیاغ نمود و پس از مطالعه آن، هفت مورد از

انتشارات کتابخانه خاندان فرمانروایان، تهران، ۱۳۴۰، XVI، قب + ۵۶۴ ص + ۷-۱، مصور.

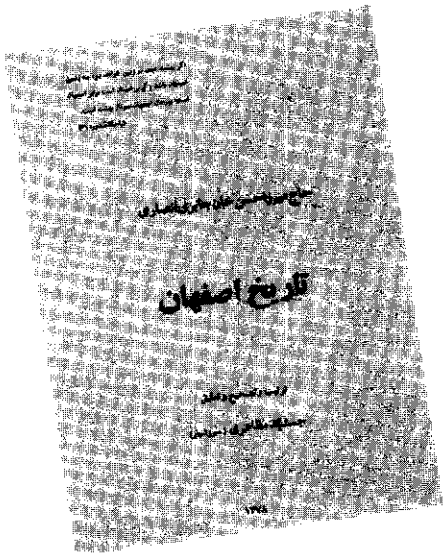
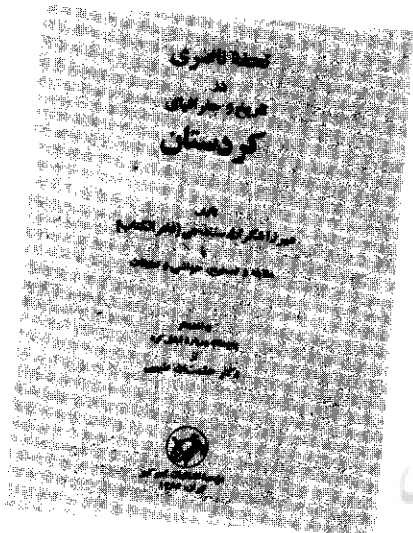
کتاب محتوی است بر مقدمه مفصل و طولانی مصحح شامل «نظر اجمالی به حوادث تاریخ کرمان (ط تا عح [= ۷۰ ص]، «منابع و مأخذ تاریخ کرمان (عح تا قحج [= ۶۴ ص]»، «وزیری و تاریخ او (قحج تا قعب [= ۲۹])؛ متن کتاب (ص ۴۵۶-۱)، توضیحات و اضافات (ص ۴۹۴-۴۵۷)، تصاویر و فهارس عیدیه (ص ۴۹۴-۵۶۴) مقدمه حافظ فرمان‌فرمایان به انگلیسی (۷-۱-P).

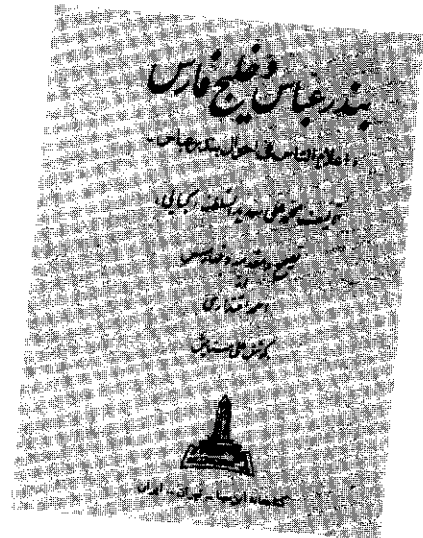
توضیح: احمدعلی خان وزیری (۱۲۹۴-۱۳۲۵ ق) در کرمان زاده شد، در آنجا به تحصیل پرداخت و با آن که کسالتش همه از دیوانیان بودند، او به فلاحیت مشغول شد. وی در سال‌های ۳- ۱۲۹۱ ق. کتاب حاضر را که شامل وقایع کرمان از آغاز تا زمان آغامحمدخان قاجار می‌باشد، به رشته تحریر درآورد. پس از مرگ وی پسرش علی محمد ملقب به آقاخان دنباله تاریخ را تا زمان حسام‌الملک (سال ۱۳۱۷ ق) نوشته است و به نام فرمانفرما سالار لشکر، سالاربه نامیده است، وزیری کتاب دیگری نیز در جغرافیای کرمان نوشته است که به کوشش استاد باستانی پاریزی در سال ۱۳۵۳ در ۲۸۶ صفحه انتشار یافته است. مطالب کتاب حاضر از آن جهت که در برخی موارد از منابعی اقتباس شده که اکنون در اختیار نیست، حائز کمال اهمیت است. همچنین امتیاز مهم دیگر کتاب در آن است که مؤلف وقایع دوره‌های افشاریه، زندیه و اوایل قاجاریه را دقیقاً از این و آن شنیده و اسامی افراد و امکنه را به دقت و رویدادها را با جزئیات تمام و کمال بیان نموده است و از این جهت منحصر به فرد شمرده می‌شود. (ص: قحج)

۵۳ - وقایع نگار کردستانی، علی اکبر: حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان، به تصحیح محمد رفوف توکلی، چاپخانه ارژنگ تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴، ۳۴۴ ص. مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص ۹-۱)، چند کلیشه از نسخه‌های خطی، متن کتاب (ص ۱۴-۳۲۳)، فهرست اعلام (ص ۳۴۴-۳۲۶).

توضیح: مؤلف کتاب، عموزاده مستوره کردستانی، شاعره و صاحب تاریخ اردلان (در تاریخ کردستان) می‌باشد. وی در دستگاه حکمرانان اردلان و والیان کردستان علاوه بر سمت منشیگری و وقایع‌نگاری، سمت مشاور و آمارگر و وصول‌کننده مالیات را نیز داشته است. به گفته خودش این کتاب خلاصه کتاب دیگری است که آن را تاریخ الاکراد نامیده و به خاطر تقدیم به ناصرالدین شاه قاجار (سلطنت: ۱۳۱۳-۱۳۴۴ ق.)، نام حدیقه ناصریه را بر آن نهاده است. (ص ۸) کتاب از منابع معتبر تاریخ کردستان به حساب





نکات مهم کتاب را بر روی ورق اول آن یادداشت کرده است. مصحح محترم از روی نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اقدام به تصحیح این اثر کرده است.

۵۵ - ادیب کرمانی، میرزا غلامحسین (ملقب به افضل‌الملک): تاریخ و جغرافیای قم، [به تصحیح حسین مدرسی طباطبایی]، انتشارات وحید، تهران، بی‌تا، تاریخ مقدمه: ۱۳۵۴ ش، ۲۷۱ ص.

کتاب مشتمل است بر یادداشت کوتاه مصحح (۲ ص)، معرفی اجمالی مؤلف و کتاب به قلم سیف‌الله وحیدنیا (ص ۱۴-۴)، متن کتاب (ص ۲۷۱-۱).

توضیح: افضل‌الملک (۱۳۴۸-۱۲۷۹ ق) بعد از تحصیل علوم متداول زمانه، در دستگاه حکومتی قاجار عهده‌دار مشاغل عیدیه‌ای گردید. از جمله چندی پیشکار مالیات قم و ساوه و زرنده بود. همچنین به فرمان دولتی به رتبه استیفاء نائل آمد. در ابتدای سلطنت مظفرالدین شاه به موجب فرمان دولتی مأمور گردید تا هر ساله تاریخ دولتی و وقایع سلطنتی، تغییر و تعیین وزراء و حکام را به راستی و درستی بنگارد. وی از اعضای دارالتألیف ناصری بود. روزنامه‌های عربی را که از مصر و اسلامبول می‌رسید برای ناصرالدین شاه ترجمه می‌کرد. همراه وی سفرهای متعددی نمود که حاصل آن نگارش برخی سفرنامه‌ها بوده است. در مدت اقامت در مازندران کتابی در تاریخ قدیم و جدید آن خطه با عنوان رکن‌الاسفار نوشت. وی در سال ۱۳۰۴ قمری در ملازمت شاهزاده علی نقی میرزا حکمران قم و ساوه و زرنده به قم آمد و هفده ماه در این شهر اقامت داشت و چون در دستگاه حکومتی بود «از روی کتابچه جزو جمع و استفسار از آگاهان و رفتن به بلوکات رساله‌ای با نام «کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم» در ۱۳۰۵ ق تدوین و به منظور استفاده در یکی از کتاب‌های جغرافیا حضور اعتمادالسلطنه تقدیم کرد. (ص ۲)

افضل‌الملک در تعریف از کیفیت تألیف خود می‌نویسد: «بحمدالله تاریخ حالیه و ژغرافیای قم نوشته شده هیچ نکته‌ای فروگذار نکردیم و یک سطر هم از روی تاریخ معروف قدیم قم درج نکردیم... و خوشه‌چین خرمن هیچ یک از مورخین و ژغرافیادان‌های قدیم نشده کار را به آن پایه رساندیم که هیچ کس به آن پایه ارتقاء نجسته است.» (ص ۲۵۳)

۵۶ - حسینی فسائی، حاج میرزا حسن: فارسنامه ناصری<sup>۳</sup>، به تصحیح منصور رستگار فسائی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷، ج ۲، ۱۹۷۴ ص، مصور، نقشه، جدول، عکس.

کتاب مشتمل است بر مقدمه بسیار مفصل و سودمند

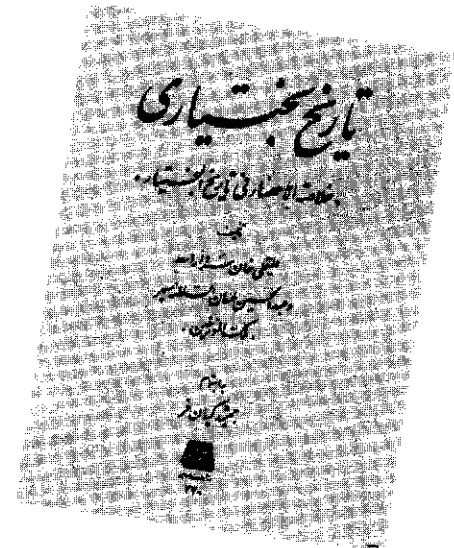
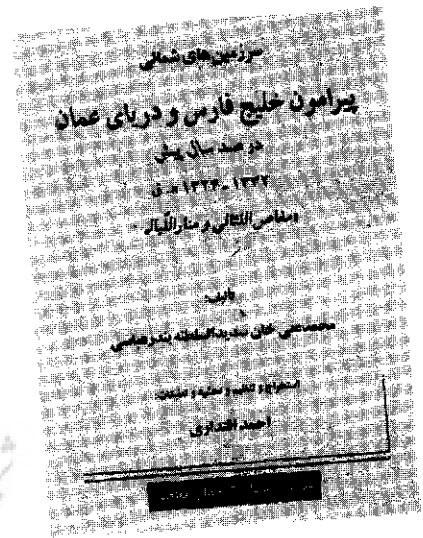
مصحح (ص ۱۶۴-۹)، متن کتاب، جلد اول: (ص ۸۶۶-۱۶۷)، جلد دوم: (ص ۱۶۷۶-۸۷۱)، فهرست‌های راهنما (ص ۱۹۷۴-۱۶۷۹).

توضیح: فسائی (۱۳۱۶-۱۲۳۷ ق) از جمله بزرگان علم و دانش خطه فارس در قرن سیزده و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری بوده است. او را از طبیبان نامدار فارس نیز دانسته‌اند. وی کتاب حاضر را به فرمان ناصرالدین شاه (سلطنت: ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) در تاریخ و جغرافیای فارس در میان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۱ ق نوشته و آن را فارسنامه ناصری نامیده است.

کتاب مشتمل است بر تاریخ جغرافیا و جغرافیای تاریخی فارس. مؤلف مباحث و مطالب کتاب را به دو گفتار [جلد] تقسیم کرده است، در گفتار [جلد] نخست، احوال پادشاهان و فرمانروایان و اعیان مملکت فارس را از صدراسلام تا سال ۱۳۰۰ ق. آورده و در گفتار [جلد] دوم به بیان صفحه زمین فارس و آنچه را خدای تعالی بر آن آفریده یا مردم در آن ساخته‌اند، اختصاص داده و به ترتیب ضمن مقدمات علمیه به ذکر تقسیم فارس در دوره پیش از دولت اسلام، خصائص شیراز و محلات شیراز، علماء، شعراء، وزراء، بقاع، مساجد، مدارس، بساتین شیراز پرداخته و سپس به ترتیب القبایی به شرح بلوکات فارس، آب و هوا و محصولات و مشاهیر و آثار آنها پرداخته و در پایان از ایلات مملکت فارس، به ترتیب القبایی، جزایر خلیج فارس، چشمه‌ها و دریاها و دریاچه‌های فارس، رودخانه‌ها، صحراها و طوایف متفرقه، قلعه‌های کوهی، کوه‌ها و معدن‌های فارس سخن رانده و فهرست دهات بلوکات فارس را ضمیمه آن ساخته است. (ص ۳۵) علاوه بر اینها فسائی در جلد اول کتاب خود دقیقاً اوضاع و احوال اجتماعی و حوادث و وقایعی را که دیگر تاریخ‌نویسان متذکر آن نشده یا از آن‌ها به تسامح گذشته‌اند، مشروحاً و دقیقاً مطمح نظر قرار داده است. (ص ۹۱).

گفتنی است که بخش قاجار جلد نخست فارسنامه به وسیله پروفیسور هربرت بوسه (Herbert Busse) به انگلیسی ترجمه شده و تحت عنوان History of Persia under Qajar rule در سال ۱۹۲۲ م در سلسله انتشارات میراث ایران: (Persian Heritage) انتشار یافته است. این کتاب دارای مقدمه و پیشگفتاری در ۳۹ صفحه و متنی در ۴۹۴ صفحه مشتمل بر ذیل، کتابشناسی و فهرست راهنما می‌باشد.

۵۷ - نصیر حسینی، میرزا سیدمحمد (ملقب به فرصت‌الدوله و متخلص به فرصت): آثار العجم در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن فارس. به کوشش علی دهباشی، انتشارات فرهنگسرا، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۲



# تاریخ لارستان

از: سیدعلاءالدین مورخ لاری

مصحح و مقدمه: سید علی دهباشی

میرزا قاجار که مرحوم فرصت آن را با خط و نقاشی خود در کتاب «دریای کبیر» آورده و مصحح محترم آن را عیناً در پایان این کتاب گنجانده است، فهرست اعلام دو جلد (ص ۱۱۵۴-۱۰۴۵) یک برگ نقشه فارسی به نگارش مرحوم فرصت به تاریخ ۱۳۱۱ ق.

۵۸ - سنندجی، میرزا شکرالله (فخرالکتاب): تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، به تصحیح حشمت الله طیبی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶ + هفتاد و سه + ۵۹۱ ص.

کتاب مشتمل بر پیشگفتار مصحح (ح - ن = ۱۷)، کلیشه چند صفحه از دو نسخه خطی، مقدمه مصحح شامل پنج مقاله تحقیقی: ۱- منشاء نژادی کرد، ۲- مهاجرت قبایل کرد به غرب ایران، ۳- زبان کردی، ۴- دین و مذهب در کردستان، ۵- تصوف و عرفان در کردستان (سه - هفتاد و دو)، متن کتاب (ص ۴۲۸-۱)، حواشی و تعلیقات (ص ۵۳۹-۴۳۱)، فهرست اعلام (ص ۵۹۱-۵۴۳).

توضیح: میرزا شکرالله فخرالکتاب در سال ۱۲۷۵ ق، در سنندج به دنیا آمد و در سال ۱۲۹۳ ق در سن هیجده سالگی به عنوان منشی شرف الملک به خدمت در حکومت کردستان درآمد و تا زمان حکومت ناصرالملک قراقرزولو (۱۳۲۳-۱۳۱۹ ق) در حکومت کردستان عهده‌دار مشاغل مختلفی بود. تألیف این کتاب را در سال ۱۳۱۹ ق به پایان رساند و به مظفرالدین شاه پیشکش نمود. کتاب حاضر علاوه بر جغرافیای مختصر کردستان، ذکر تاریخ فرمانروایی ولایت اردلان است. از آنجا که مؤلف از سنین جوانی وارد دستگاه حکومت کردستان شده و در حدود سی سال (تا سال ۱۳۱۹ ق) در حکومت مزبور مصدر برخی مناصب و مشاغل بوده و خود از نزدیک شاهدی صادق بر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خطه کردستان بوده؛ کتاب او به عنوان یک منبع سودمند در تاریخ محلی، حاوی آگاهی‌ها و اطلاعات ارزشمندی درباره کردستان است.

وی می‌نویسد: «مورخ باید صادق و بی‌غرض و عاری از تعلق باشد و رفتار و کردار هر طبقه را از روی حقیقت و درستی بنویسد.» (ص ۶۶) بنابر همین نظرگاه است که وی در جای جای اثر خود به بیان خصوصیات اخلاقی مردم، به ویژه طبقه اعیان و اشراف و علمای کردستان پرداخته، از جور و تعدی حکام و مباشرین و نابسامانی‌های اجتماعی و ردایب اخلاقی مردمان همزمانش شکایت می‌کند. بخش دیگری از کتاب که به جغرافیای کردستان اختصاص دارد برای شناخت ایلات و عشایر کرد حائز اهمیت بسیار است. (صفحه: ک)

۵۹ - جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان: تاریخ اصفهان<sup>۵</sup>، به تصحیح جمشید مظاهری (سروشیار)، نشر

قطع رحلی، افسست از روی چاپ سنگی طبع بمبئی هند، شانزده + ۶۵۳، مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه علی دهباشی (ده - شانزده)، متن کتاب (ص ۱-۶۰۴)، فهرست‌های راهنما (ص ۶۵۳-۶۰۵).

توضیح: فرصت‌الدوله (۱۳۳۹-۱۲۷۱ ق) بخش اعظم عمر خود را به تحصیل علوم و تألیف کتب پرداخت. اندکی بعد از مشروطیت به ریاست معارف فارس منصوب شد، و مدتی بعد رئیس عدلیه فارس گردید. مؤلف در سبب تألیف کتاب می‌نویسد: در سال ۱۳۱۰ قمری نظام السلطنه حاکم وقت فارس فرمودند در فارس امکنه بسیار هست که هنوز کسی قدمی در آنها نگذاشته و نقشه بر نداشت. باید همتی نموده نقشه برداشته بنیاد و تلیف کتابی نمایم. (ص ۴) فرصت‌الدوله در پی این فرمان از تهران عازم فارس شده و با سیر و سفر در جای جای این منطقه به ثبت و ضبط دیده‌های خود می‌پرداخت. او می‌نویسد: «مطالبی را که در عرض راه سفر، روز به روز به هنگام برداشتن نقشه آثار قدیمه نوشتیم و به هر مکانی که می‌رسیدیم در اوراق متفرقه یادداشت می‌نمودم، آنها را به عینه در این دفتر جمع‌آوری کرده مجموعه‌ای ساختم و آن را موسوم نمودم به آثار العجم». (ص ۴) مؤلف علاوه بر نوشتن مشروح گزارش اماکن مورد بازدید، به ترسیم نقشه‌هایی نیز پرداخته است. ضمن آن که از آثار باستانی با هنرمندی تمام تصاویری نیز فراهم آورده است. به همین جهت فراهم آورنده کتاب از او به عنوان «ولین باستان‌شناس ایرانی» (ص ۱۴) یاد کرده است. در مجموع از این اثر ارزشمند آگاهی‌های فراوانی درخصوص تاریخ و جغرافیای استان فارس می‌توان یافت از قبیل: تواریخ متعلقه به هر ناحیه، کتیبه‌ها، وقف‌نامه‌ها، مسطورات، نقوش الواح، صورت فرامین سلاطین، شرح تاریخی آثار و بناهای باستانی وضعیت جغرافیایی هر محل، قراء، قصبات، شهرها و وجه تسمیه آنها، شرح مساجد، مشاهد، مقابر، کاروانسراها، خصایص زندگانی مردم، شرح حال مشایخ و گرانمایگان هر مکان، کتب آنان و غیره... گفتنی است که در سال‌های اخیر استاد رستگار فسایی آثار عجم را به صورت منقح و مطلوب تصحیح نموده و با مقدمه‌ای مفصل منتشر کرده‌اند. با این مشخصات: آثار عجم، به تصحیح منصور رستگار فسایی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ۲ جلد. مصور، نقشه؛ جلد اول شامل مقدمه مصحح (ص ۱-۴)، زندگینامه فرصت شیرازی به قلم مصحح (ص ۵-۱۳۴)، متن کتاب (ص ۱-۴۳۵)؛ جلد دوم شامل متن کتاب (ص ۷۰۱-۴۳۷) شیرازنامه [= جزء دوم آثار عجم]، (ص ۱۰۰۳-۷۰۳)، تعلیق شامل متن «نامه خسروان» از جلال‌الدین

## الاصطهان

## تاریخ طوس

للمصنف: المصنف

تألیف: المصنف

تصحیح: المصنف

چاپ: المصنف

تألیف: المصنف

مشعل، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۸، ۴ جلد در یک مجلد، سیزده + ۷۱۷ ص - مصور.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (ص یک - سیزده)، جلد نخست: مهمات مباحث اصفهان (ص ۳-۴۵)، یادداشت‌های جلد نخست (ص ۱۰۳-۴۹)، جلد دوم شرح پاره‌ای مبانی ملتی و دولتی (ص ۱۸۲-۱۰۷)، یادداشت‌های جلد دوم (ص ۲۲۶-۱۸۵)، جلد سوم: سرگذشت ناموران هنری (ص ۳۳۸-۲۶۹)، یادداشت‌های جلد سوم (ص ۴۱۲-۳۵۱)، جلد چهارم: جغرافیای شهر و نواحی (ص ۴۵۶-۴۱۵)، یادداشت‌های جلد چهارم (ص ۴۸۱-۴۵۹)، فهرست راهنما، گزیده منابع یادداشت‌ها، عکس‌ها (ص ۷۱۷-۴۸۳)، توضیح: جابری انصاری (۱۳۵۵-۱۳۲۹ ق) از فضلاء و علمای قرن اخیر است که در دوران عمر طولانی خود آثار بسیار زیادی را به رشته نگارش درآورد. وی در دوران مشروطیت با دفاع و حمایت از این نهضت در زمره مشروطه خواهان درآمد. بیشتر مطالبی که او در دوران نهضت مشروطه نگاشته عمدتاً معطوف به «ترقی دولت و ملت ایران» است.

کتاب حاضر یکی از آثار ارجمند نویسنده درباره تاریخ اصفهان است. جلد اول و دوم و چهارم این مجموعه، برگرفته از کتاب مشهور وی، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان و جلد سوم، رساله‌ای است که مؤلف در اواخر ایام عمر با عنوان جلد سوم تاریخ اصفهان دست‌اندرکار طبع آن بوده که در اواسط کار در گذشته است. در مجموع هر چهار اثر مورد اشاره در خصوص تاریخ اصفهان آگاهی‌های ارزشمندی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

۶۰ - سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی خان (مشهور به کیابی): بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس) در جغرافیای تاریخی بندرعباس و جزائر خلیج فارس، به تصحیح احمد اقتداری، به کوشش علی ستایش، کتابخانه ابن سینا، تهران ۱۳۴۲، شانزده + ۷۳۶ + نود و پنج ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه مصحح (چهار - شانزده)، متن کتاب (ص ۷۳۶-۱)، فهرست مطالب و اعلام (یک - نود و پنج).

توضیح: سدیدالسلطنه کیابی (۱۳۶۲-۱۲۹۱ ق / ۱۳۲۰-۱۲۴۹ ش) در حدود هفتاد سال از زندگی خود را در خدمات دیوانی و دولتی و مسافرت‌های تحقیقی و تتبع در مسایل مختلف خلیج فارس به خصوص جغرافیای تاریخی بندرها و جزیره‌های آن به سر آورد. خدمات اداری و دولتی وی عموماً در خلیج فارس بوده و به مشاغلی از قبیل فتح بندر لنگه و طرد محمدبن خلیفه در بندر مزبور در سال ۱۳۱۶ ق و ریاست تذکره خلیج فارس در ۱۳۱۷ ق و کفالت

و کارگزاری بنادر در ۱۳۱۸ ق و برخی مشاغل دیگر در منطقه بندرعباس و خلیج فارس اشتغال داشته است. (ص: هفت) وی در طول زندگی آثار متعددی به رشته نگارش درآورده است.

از جمله کتاب حاضر را در سال ۱۳۲۴ ق آغاز و در ۱۳۲۹ ق در دو جلد به پایان رسانده است. با توجه به اشتغال هفتادساله نویسنده در منطقه بندرعباس و خلیج فارس نوشته‌های او در خصوص مناطق مزبور از دقت نظر زیادی برخوردار است.

۶۱ - سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی خان: سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان (مغاص اللثالی و منار اللیالی)، استخراج، تنظیم، تحشیه و تعلیقات: احمد اقتداری، انتشارات جهان معاصر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱، ۴۲۳ ص.

کتاب مشتمل است بر فهرست موضوعات (ص ۱۵-۵)، مقدمه مصحح (ص ۱۹-۱۷)، دیباچه نویسنده (ص ۲۱)، متن کتاب (ص ۴۱۶-۲۳)، فهرست راهنما (ص ۴۲۳-۴۱۹).

توضیح: سدیدالسلطنه بعد از اتمام نگارش دو کتاب مفتاح الادب فی تواریخ العرب [تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، تصحیح: احمد اقتداری، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰] و اعلام الناس فی احوال بندرعباس [ر. ک: شماره ۶۰ همین کتاب‌شناسی] در سال ۱۳۳۱ ق، اقدام به جمع‌آوری یادداشت‌ها و نوشته‌های سال‌های قبل خود نموده و تألیف اثر حاضر را در دو قسم ترتیب داده و آن را مغاص اللثالی و منار اللیالی نامیده است. (دیباچه مؤلف، ص ۲۱)، مصحح محترم کتاب را در دو جلد تنظیم کرده است. جلد نخست تحت عنوان سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان (کتاب حاضر) و جلد دوم با نام سرزمین‌های جنوبی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش. در این مجلد به مسقط، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت و بصره پرداخته شده است. (این جلد ظاهراً تاکنون انتشار نیافته است).

اما جلد نخست یعنی کتاب حاضر علاوه بر اشمال بر آگاهی‌های تاریخی و سیاسی، در بردارنده اطلاعات ارزشمندی از حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگ بومی، آداب و رسوم، باورها و سنت‌ها و... است.

در هریک از فصول بیست و دوگانه کتاب به این شهرها و مناطق پرداخته شده است. بوشهر، خوزستان، شبکویه، بندرلنگه، بندر خمیر، بستک، لارستان، بندرعباس، میناب، چاه‌بهار و گودار و پسابندر، و از جزیره‌های ایرانی واقع در ریه‌های شمالی خلیج فارس و دریای عمان با عناوین قشم، هرموز و لارک، هنگام، کیش، تمب (تمب

کوچک و بزرگ) لاوان و اندرابی، ابوموسی، سیری (سری) فرور (فرور و نابیوفرور) و خارک سخن رفته است و مطالب سودمندی ثبت و ضبط شده است.

۶۲ - سردار اسعد، علیقلی خان؛ لسان السلطنه سپهر، عبدالحسین: تاریخ بختیاری<sup>۵۲</sup> به اهتمام جمشید کیانفر، انتشارات اساطیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، ۷۶۶ ص مصور. کتاب مشتمل است بر مقدمه فراهم آورنده (ص ۴۴-۱۷)، متن کتاب (ص ۶۱۳-۴۵)، ضامم و تعلیقات (ص ۶۶۲-۶۱۷)، فهرست‌های راهنما (ص ۷۶۶-۶۴۳).

توضیح: کتاب حاضر نخستین اثر تألیفی مستقل درباره بختیاری است. برخی فصول آن در حوزه تاریخ سیاسی بختیاری، برخی فصول آن روشن‌کننده جغرافیای تاریخی قلمرو بختیاری و فصولی نیز حاوی آگاهی‌هایی است که تنها در منابع مربوط به تاریخ‌های محلی می‌توان یافت. کتاب به دستور علیقلی خان سردار اسعد بختیاری توسط عبدالحسین لسان السلطنه سپهر تألیف و به عبارتی تحریر یافته است، چرا که کتاب اصولاً حاصل یک کار گروهی است. مصحح محترم هریک از مؤلفان و مترجمان را در مقدمه کتاب به خوبی شناسانده‌اند. در مجموع، کتاب حاضر منبع بسیار سودمندی است برای شناخت تاریخ و سرزمین بختیاری و حالات و روحیات بختیاری‌ها.

۶۳ - مورخ لاری، سیدعلاءالدین: تاریخ لارستان، به تصحیح محمدباقر وثوقی، انتشارات راهگشا، چاپ اول، شیراز، ۱۳۷۱، ۲۰۲ ص، مصور، نقشه.

کتاب مشتمل است بر دیباچه مؤلف، مقدمه مصحح (ص ۲۱-۱۵)، یادداشتی از مصطفی کشفی، متن کتاب (ص ۱۹۲-۲۴)، تصاویر.

توضیح: مورخ لاری (تولد ۱۳۱۲ ق / ۱۲۷۳ ش) در دیباچه کتاب می‌نویسد: بنا به خواش جمعی از دوستان و همشهریان، با جد و جهد زیاد و کاوش و مطالعات در کتب تاریخی قدیم، مخصوصاً تاریخ خطی قدیم لار که کهنه و مندرس شده بود، و نیز مشهودات و مسموعات خود نگارنده در آن سرزمین مبادرت به تألیف کتابی به نام تاریخ لارستان و فارس و مشروطیت نمودم (ص ۱۴).

مصحح محترم در پایان برخی فصول حواشی مفیدی آورده‌اند که به فهم بهتر مطالب کتاب کمک می‌کند.

۶۴ - جناب، میرسیدعلی: الاصفهان (تألیف ۱۳۴۲ ق / ۱۳۰۲ ش) به اهتمام عباس نصر، انتشارات گل‌ها، اصفهان، ۱۳۷۱، سیزده + ۳۵۳ ص.

کتاب مشتمل است بر مقدمه کوشنده (ص نه تا سیزده)، متن کتاب (ص ۲۵۶-۳)، ترجمه سفرنامه شارن توسط جناب (ص ۳۱۵-۲۵۹)، فهرست راهنما (ص ۳۵۳-۳۱۸). مشخصات چاپ دیگر همین اثر چنین است:

الاصفهان، میرسیدعلی جناب، به کوشش محمدرضا ریاضی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۶، ۲۸۷ ص در قطع بزرگ. در این چاپ چند بخش افزوده نیز درباره اصفهان دیده می‌شود. کتاب شامل: فهرست مطالب و پیشگفتار کوشنده (ص ۱-۲۱)، بخش اول: متن اصلی کتاب (ص ۲۷-۱۵۷)، ترجمه سفرنامه شاردن توسط جناب (ص ۱۹۵-۱۵۹)، یادداشت‌های بخش اول و دوم (ص ۲۰۹-۱۹۶)، بخش سوم: تصاویر آثار و بناهای اصفهان از اطلس سیاحتنامه شاردن (ص ۲۲۸-۲۱۱)، بخش چهارم: تصاویر آثار و بناهای اصفهان از کتاب سفرنامه فلاندن و کست (ص ۲۴۹-۲۲۹)، بخش پنجم: تصاویر آثار و بناهای اصفهان از کتاب ابنیه و آثار جدید ایران تألیف پاسکال کُست (ص ۲۷۹-۲۵۱)، بخش ششم: تصاویر آثار و بناهای اصفهان از کتاب توصیف ارمنستان، ایران و بین‌النهرین تألیف تکسیه (ص ۲۸۶-۲۸۱) یک برگ نقشه در شهر اصفهان.

توضیح: میرسیدعلی جناب (۱۳۰۹ ش / ۱۳۴۹ ق - ۱۲۸۸ ق) از روحانیون اهل فضل و دانش اصفهان بوده که در فقه و اصول تبحر داشته و زبان فرانسه، ریاضیات قدیم و جدید و هیئت قدیم و نجوم جدید را به خوبی می‌دانسته است. وی کتاب‌الاصفهان را در سال ۱۳۰۲ شمسی تألیف و یک سال بعد در ۱۳۰۳ در اصفهان در قطع رحلی و به صورت چاپ سنگی منتشر کرده است.

عباس نصر کتاب را پرمحتوی و در حقیقت آن را دایرةالمعارف اصفهان دانسته است، از دید وی، مؤلف در زمان خود «به مطالعه وسیع بر روی شهر پرداخته است. پاره‌ای اطلاعات منحصر به فرد و آمار موجود در این کتاب برای مقایسه با وضع کنونی و ترسیم منحنی رشد این شهر طی ۷۰ سال گذشته بسیار جالب است.» (ص یازده) کتاب بعد از مقدمه مؤلف، به ترتیب، وجه تسمیه، تاریخ اصفهان، اوضاع جغرافیایی و طبیعی، مذهب مردم اصفهان، فهرست مساجد، حمام‌ها، کاروانسراها، فهرست مدارس قدیم و جدید، علم و دانش، اخلاق و عادات، اصناف، روزنامه‌ها، مقیاسات رایج، صادرات و واردات، معادن، و تغییرات مکانی شهر اصفهان را مورد گفت‌وگو قرار می‌دهد. به اعتقاد محمدرضا ریاضی «در بخش اخلاق و عادات مردم اصفهان، مؤلف با موشکافی خصوصیات اخلاقی مردم اصفهان را مورد بحث قرار می‌دهد و نکات مثبت و منفی آن را یادآور می‌شود، در بحث بعدی حدود ۲۲۰ گروه شغلی و صنفی را با ذکر نظرات هر صنف معرفی می‌کند. سپس به مقیاس وزن و زمان می‌پردازد و در این بحث اطلاعات با ارزشی پیرامون اوزان و مقیاسات در اواخر دوره قاجاریه به دست می‌دهد.» (ص ۱۸ و ۱۹). کتاب حاضر در مجموع

یکی از با ارزش‌ترین منابع مربوط به تواریخ محلی در اواخر عهدقاجار و یکی دو سال اول پهلوی است. ۶۵ علوی سبزواری، محمدمهدی: تاریخ طوس اوالمشهد الرضوی، نشر مطبعة النجاشی، بغداد، ۱۹۲۷ م [۱۳۰۶ ش]، ۲۸ ص.

توضیح: درباره تاریخ و جغرافیای شهر مشهد در قرن گذشته و حاضر کتابهای چندی نوشته شده است. در این خصوص هم کتاب حجیم و سه جلدی مطلع الشمس اعتمادالسلطنه را سراغ داریم و هم کتاب مختصر ولی بسیار مفید حاضر را که البته نایاب است، می‌شناسیم. کتاب به جهت آن که درست در اوایل سلطنت رضاشاه نوشته شده [۱۳۰۵ ش] از لایبای سطور آن می‌توان سیمای سنتی شهر مشهد را در آن سال‌ها دریافت و با تغییر و دگرگونی‌های بعدی آن که در دوران پهلوی صورت گرفته مقایسه کرد. از توضیحی که ناشر داده است معلوم می‌شود محمد مهدی علوی فرزند ابراهیم بن معصوم (متوفی ۱۳۱۵ ق.) است که

نسبش به امام صادق (ع) می‌رسد و تولد او در ۱۸ شعبان ۱۳۲۶ ق. در سبزواری بوده و در سال ۱۳۲۷ ق. به عراق رفته و در عتبات در محضر علمای بزرگ به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۴۳ ق. سفری به ایران کرده و مدتی در سبزواری مانده و این کتاب را در سال ۱۳۴۵ ق [۱۳۰۵ ش] تألیف کرده است. خود او هدف از تألیف کتاب را چنین دانسته است: «منظور من ذکر حقایق و نکته‌های مهم تاریخی بوده و به همین جهت سعی کرده‌ام استوار بنویسم و مطلبی را بدون ماخذ ذکر نکنم و خرافات را در نوشته‌هایم راه ندهم.» (بینش، ص ۹ و ۸). کتاب حاضر نخستین بار در آذر سال ۱۳۴۸ توسط آقای تقی بینش ترجمه شده و در نشریه فرهنگ خراسان انتشار یافته است. (دوره هفتم، شماره اول) با نقل انگیزه مترجم از ترجمه آن می‌توان به محتوی پرارزش کتاب بخوبی پی برد. بینش می‌نویسد: هنگامی که مقاله «مشهد» را از دایرةالمعارف اسلام برای نشریه فرهنگ خراسان ترجمه می‌کردم (شماره ۶-۷ دوره سوم و شماره ۵-۶ دوره چهارم، چاپ مستقل در سال ۱۳۴۷) متوجه شدم که در آنجا مکرر به کتاب علوی سبزواری اشاره و استناد شده است، لذا متوجه ارزش و سودمندی آن شدم و به ترجمه آن اقدام ورزیدم، محتوی کتاب از این قرار است: تاریخچه اجمالی طوس، مساجد، مقابر مشهور، مدارس علمی قدیم، مدارس جدید، چاپخانه‌ها، خیابانها، والی‌های معروف و وقایع مهم طوس، حرم رضوی، صحن کهنه، صحن نو، خاتمه در شرح حال امام رضا (ع). مؤلف از ذکر روزنامه‌های منتشره در شهر نیز غفلت نورزیده و اسامی و عنوان ۱۳ روزنامه [هفتگی] را ذکر کرده است: چمن، خورشید، آزاد، فکر آزاد، آزادی، طوس، صاعقه شرق، طلوعه شرق، آفتاب شرق، صدای شرق، منیر،

ترویج اسلام، ناطق اسلام. مؤلف سه روزنامه را بهتر از بقیه دانسته است: خورشید از مرتضی میرزا، ناطق اسلام از ادیب شیخ حسین تربتی، آزاد از نویسنده آزاده عبدالقدیر سبزواری.

۶۶ - ناصرالشریعه، شیخ محمدحسین: تاریخ قم، با مقدمه و تعلیق و اضافات به قلم علی دوانی، چاپ حکمت، قم، [تاریخ مقدمه ۱۳۴۲ ش]، غ + ۳۳۲ + چهارص. مصور. (همین کتاب برای بار نخست توسط مؤلف در سال ۱۳۳۴ ش. تحت عنوان «تاریخ قم موسوم به مختارالبلاد» توسط انتشارات اسلامی در قطع جیبی انتشار یافته است).

کتاب مشتمل است بر مقدمه علی دوانی (الف - غ [= ۲۷ ص])، متن کتاب (ص ۱-۲۸۴)، اضافات (ص ۲۸۶-۳۲۲)، فهرست مطالب (یک - چهار).

توضیح: شیخ محمدحسین ناصرالشریعه (۱۳۳۹-۱۲۷۲ ش.) از علمای قرن اخیر قم بوده که علوم مقدماتی را نزد آخوند ملاعبدالله که از اجله علمای قم بوده فرا گرفته و سپس از محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه قم به کسب علم پرداخته است. مؤلف بنا به علاقه‌ای که به شهر قم داشته، در تاریخ این شهر به غور و تفحص پرداخته و در نهایت به تألیف «تاریخ قم» همت گماشته است. برخی از مطالب و آگاهی‌های مربوط به یک سده اخیر قم به ویژه اطلاعات مربوط به حوزه علمیه، علما و طلاب که در این کتاب آمده است، واجد ارزش و اهمیت زیادی است. محض نمونه در جایی اشاره می‌کند که بعد از شهرپور ۱۳۲۰ طلاب علوم دینی از هر سو به منظور تحصیل روبه حوزه علمیه قم آوردند چنان که مراجع وقت امر به ساخت منازل و مدارس جدیدی کردند (ص ۲۹۰). در مجموع کتاب حاضر حاوی این مطالب است: قم در ازمنه قدیم، فضیلت شهر قم، قم را چرا قم می‌گویند؟ بنای شهر قم، ورود اشعریان به قم، روایات ائمه اطهار راجع به قم، ... مساجد قم، مدارس قم، فقها و محدثین قم، ... علما و فقها و محدثین قم، مدارس قم و ...

#### پی نوشت‌ها:

۱- یکی از ابوالحسن احمدین سیار بن ابوب مروزی (متوفی ۲۶۸ ق) و دیگری از ابو رجاء سنجی (متوفی ۳۰۹ ق). اگرچه هر دو کتاب اکنون در دست نیست اما بخش‌هایی از اولی در معجم‌البلدان یاقوت و دومی در الاصابه ابن حجر محفوظ مانده است. ر.ک: سزگین: المجلد الاول الجزء الثاني، ص ۲۲۹-۲۳۳؛ آینه‌نوند: ج ۱، ص ۱۶۳ و ۳۵۳.

۲- یکی از جعفرین احمد مروزی (م ۲۷۴) و دیگری از ابن خردادبه (م ۳۰۰). اولی در دست نیست اما دومی چند بار تصحیح و نشر شده از جمله در سال‌های اخیر دو ترجمه از آن به فارسی

نشر شده است. ر.ک: یادداشت شماره ۲۴.

به عنوان نمونه می‌توان از کتاب فتوح جبال طبرستان اثر ابوالحسن علی بن محمد (متوفی ۲۲۵ ق) یاد کرد که اکنون در دست نیست و این نخستین تاریخ طبرستانی است که اسم آن در تالیفات دیگران ذکر شده است. ر.ک: سلسله مقالات سیداحمد تبریزی [کسروی] راجع به تواریخ طبرستان مندرج در روزنامه نوبهار از شماره ۱۲ به بعد (سال ۱۳ دوره ۵) ۲۰ قوس [آذر] ۱۳۰۱=۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۳ ق.

۳- علاوه بر دو کتاب المسالک و الممالک مذکور، از دیگر منابع مهم جغرافیای تاریخی این قرن می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب الخراج و صناعة الكتابة اثر قدامة بن جعفر، البلدان اثر یعقوبی، الاعلاق النفیسه اثر ابن رسته، مختصرالبلدان اثر ابن فقیه همدانی.

۴- البته این نکته به معنای آن نیست که از قرن چهارم احساسات جهان وطنی اسلامی به کلی از بین رفت چرا که دقیقاً از همین قرن به بعد نگارش منابع جغرافیای تاریخی با نگرش مزبور در کنار تاریخ‌های محلی همچنان ادامه یافت. غرض ما در اینجا، تنها اشاره به وقوع تحول در نگرش مزبور و نیز تأکید کردن بر یکی از انگیزه‌های اساسی در شکل‌گیری تاریخ‌های محلی در ممالک اسلامی از جمله ایران است.

۵- قمی، حسن بن محمدبن حسن: تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، به تصحیح سیدجلال‌الدین طهرانی، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۴.

۶- آیینه‌وند: ج ۱، ص ۳۵۱.

۷- روزنتال: ج ۱، ص ۱۷۳. البته روزنتال با آوردن قید «نخستین بار» که ما آن را نیاوردیم، بر این باور بوده که برای اولین بار مافروخی در تألیف تاریخ محلی از خود گرایش حب الوطنی بروز داده است. در رد باور او همین بس که - چنانچه اشاره شد - حدود یک سده پیش از او، مؤلف تاریخ قم و بعد مؤلف تاریخ جرجان، ملهم از چنین گرایشی به تألیف آثار خود پرداخته بودند. جالب است که حتی مترجم محاسن اصفهان در عصر ایلیخانان (قرن ۸) دقیقاً با گرایش حب الوطنی به ترجمه اثر مذکور پرداخته است. مترجم در مقدمه خود یکی از ابیات معروف سعدی را آورده است:

سعدیا حُب وطن گرچه حدیثیست صحیح

نتوان مرد به سختی که من اینجا زادم

مترجم در ستایش از اقدامات اصلاحی - عمرانی خواجه

رشیدالدین فضل‌الله همدانی چنین سروده است:

... ملک ایران سال‌ها ویران بُد از جور فلک

بنگر از آثار عدلت زبیب عمران یافته

در میان هفت کشور خاص بر ملک عجم

اصفهان از اهماتمن فضل رجحان یافته...

(ر.ک: ترجمه محاسن اصفهان: ص ۷)

۸- السخاونی، شمس‌الدین محمدبن عبدالرحمن (۹۲۰-۸۳۱ ق): الأعلان بالتوبیخ لمن ذم أهل التاريخ، به نقل از روزنتال، ج ۲، ص ۱۲۷.

۹- روزنتال: ج ۱، ص ۱۸۳.

۱۰- البته این نظر تعبیر دیگری است از رأی ایرانشناس مشهور - پرفسور ادوارد براون. وی دقیقاً یکصدسال پیش (۱۹۰۰ م) در مقدمه ترجمه محاسن اصفهان به انگلیسی، درخصوص ارزش و جایگاه تاریخ‌های محلی چنین اظهار نظر کرده است. (عین عبارت وی:)

As these Local histories are often of very great important in supplementing the larg general histories.... : p.۴۱۱.

مرحوم علامه قزوینی در مقدمه تاریخ بیهق راجع به اهمیت تاریخ‌های محلی نظری ابراز نموده‌اند که با نظر براون دقیقاً یکی است. (ر.ک: تاریخ بیهق، صفحه ۵)

۱۱- افشار، ایرج: بیاض سفر، نوس، تهران، ۱۳۵۴، ص ۵۱۶.

۱۲- مقدمه مرحوم کسروی بر «تاریخ رویان» اثر اولیاء الله املی به کوشش عباس خلیلی، چاپخانه ارمان، تهران، ۱۲۸۳ ق، کسروی در ادامه همان مطلب درخصوص داده‌های نادر موجود در این کتاب می‌نویسد: «... این خبرها را جز در کتاب این مؤلف در جای دیگری پیدا نتوان کرد و این است که ما برای تکمیل تاریخ ماژندران حاجت به داشتن این کتاب داشته‌ایم.» ص ۵.

۱۳- ر.ک: مقدمه مصحح (شیخ عبدالرحمن الیمانی) بر تاریخ جرجان ص: ج.

۱۴- زرین‌کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، چاپ ۴، تهران، ۱۳۶۳، ص ۵۸.

۱۵- لمبتون، آن، کی، اس: مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، علمی و فرهنگی، چ ۳، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵.

۱۶- همو: همان، ص ۹ و ۱۰. با نگاهی آماری به فهرست منابع و مآخذ مالک و زارع در ایران چنین بر می‌آید که مؤلف برای تألیف این اثر بیشترین بهره را به ترتیب از منابع مربوط به تاریخ‌های محلی و بعد از منابع جغرافیای تاریخی برده است.

منابع تاریخ‌های محلی: ۴ مورد خطی، ۲۷ مورد سنگی و چاپی.

منابع جغرافیای تاریخی: ۲ مورد خطی، ۱۶ مورد سنگی و چاپی.

۱۷- تاریخ انتشار مقاله سال ۱۹۷۱ میلادی است.

۱۸- Historical studies Today: Edited by felix Gilbert and Stephen R. Graubard.

w.w. Norton Company NewYork. London.

۱۹۷۱، pp. ۳۰۳-۳۰۴.

کتاب حاضر حاوی مجموعه مقالاتی است در حوزه مباحث

نظری تاریخ، مشخصات یکی دیگر از مقالات مختصر و مفید و مرتبط با گفتار حاضر کتاب مزبور چنین است:

Lawrence Stone: English and United States

Local History. pp.۳۱۵-۳۱۹.

۱۹- روزنتال: ج ۱، ص ۱۹۵-۱۷۳؛ آیینه‌وند تعبیر تاریخ‌های محلی دینی و عمومی را به کار برده است. ر.ک: ج ۱، ص ۱۶۶-۱۵۳.

۲۰- روزنتال: ج ۱، ص ۱۹۱.

۲۱- همو: ج ۱، ص ۱۸۵.

۲۲- سوازه، ژان، مدخل تاریخ شرق اسلامی (تحلیلی کتابشناختی) به اهتمام کلود کاهن، ترجمه نوش‌آفرین انصاری (محقق)، نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۱ و ۵۲.

۲۳- روزنتال: ج ۱، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۲۴- نگارنده پیش از این مبادرت به تهیه و تدوین، «کتابشناسی جغرافیای تاریخی اسلام و ایران» نموده است (ر.ک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا: س ۳، ش ۳۱، اردیبهشت ۱۳۷۹) و حال برای تکمیل آن، کتابشناسی حاضر فراهم آمده است.

۲۵- برای آگاهی از مجموع منابع مربوط به تواریخ محلی تألیف شده در جهان اسلام از قرن سوم به بعد - اعم از مفقود یا موجود - می‌بایست به سیاهه تواریخ محلی که توسط - ابن حزم، ابن فندق، ابن خطیب، ابن فوطی، سبکی، ابن حجر و به ویژه جامع‌ترین سیاهه که توسط سخاوی و نیز حاجی خلیفه فراهم آمده است، رجوع کرد. برای سیاهه سخاوی بنگرید به ترجمه

«الأعلان بالتوبیخ لمن ذم أهل التاريخ» که در جلد دوم اثر روزنتال به طور کامل آمده است، ج ۲، صفحه ۲۸۹ تا ۳۲۶.

۲۶- برای یک بررسی و معرفی اجمالی این اثر [از این پس به اختصار: بررسی] بنگرید به: خانمحمدی، علی اکبر: قم نامه، کیهان فرهنگی، س ۳ (۱۳۶۵)، ش ۶: ۱۸-۱۹.

۲۷- بررسی: فروزانی، سیدابوالقاسم: تاریخ بخارای نرشخی (نمونه‌ای نفیس از تاریخ‌های محلی): کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، شماره ۱۶ (س ۲، ش ۴) ص ۲۹-۲۷.

۲۸- بررسی:

Lambton, Ann, K.S.: An Account of the Tarkhi Qumm.: Bulletin of the school of orientia studies (BSOAS) Vol XII: Parts ۳ and ۴. ۱۹۴۸.

pp. ۵۸۶-۵۹۶.

صدری افشار، غلامحسین: تاریخ قم، چیستا، ۳ (۱۳۶۴).

۷۳-۷۵.

۲۹- بررسی: صادقی، اشرف: تاریخ نیسابور، منتشر من‌السیاق: نشر دانش، ۴ (۱۳۶۳) ش ۵: ص ۳۶-۴۵.

۳۰- بررسی: عبدالرحمن بن یحیی الیمانی: تاریخ جرجان و نویسنده آن، ترجمه خدابخش داورنژاد، کارنامک، تهران، ۱۳۶۶.

ص ۱۴۹-۱۳۹؛ عطاران، فاطمه: تاریخ جرجان و خاندان مهلب، کتاب (ماه تاریخ و جغرافیا)، شماره ۲۷، (س ۳، ش ۳) ص ۲۱-۱۸.

۳۱ - بررسی: سلیم، عبدالامیر: بررسی اجمالی کتاب ذکر اخبار اصفهان، تألیف حافظ ابونعیم در زمینه فرهنگ و تاریخ و تمدن ایران. مجله دانشکده ادبیات تبریز، ۲۶ (۱۳۵۳): ص ۲۱۲-۱۹۷؛ صادقی، علی اشرف: تاملی در دو تاریخ قدیم اصفهان [ذکر اخبار اصفهان و طبقات المحدثین]. مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۹/۸ (زمستان ۱۳۶۹) ص ۲۷-۴۵.

۳۲ - بررسی: اسکارچیا، یک مسأله فریبنده متن تاریخ سیستان، ترجمه علی صفوی، آریانا، ج ۲۵، ش ۲، ص ۱۲۵-۱۲۱؛ روح الامینی، محمود: بودجه سیستان در دوره خلفای عباسی به روایت تاریخ سیستان. مجله آینده، ۱۲ (۱۳۶۵) ص ۲۲۰-۲۰۷؛ راستا، م: چوب برگ شکسته. مجله زبان‌شناسی، ۳ (۱۳۶۵) ش ۲، ص ۶۴-۶۱ (در عبارتی از تاریخ سیستان)؛ ده مرده، برات: نگاهی به سبک تاریخ‌نگاری تاریخ سیستان، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، شماره ۲۳ (س ۲، ش ۱۱) ص ۱۷-۱۴؛ مبین، ابوالحسن: سیری در تاریخ سیستان، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، ش ۸ (سال اول) ص ۱۷-۱۵.

۳۳ - بررسی: قزوینی، محمد: تاریخ بیهق، مقالات قزوینی ۵ (۱۳۶۶) ص ۱۳۶۴-۱۳۳۳.

۳۴ - بررسی: افشار، ایرج: عبدالعلی، راهنمای کتاب، ۱۹ (۱۳۵۵) ص ۹۱۲-۹۱۰.

۳۵ - بررسی: حبیبی، عبدالحی: فضایل بلخ، آریانا، ج ۲۸ (۱۳۴۸/۹) ش ۱، ص ۱-۳؛ زرین‌چیان، غلامرضا: فضائل بلخ [چاپ عبدالحی حبیبی] راهنمای کتاب، ۱۶ (۱۳۵۲) ص ۶۸۴-۶۷۷؛ حبیبی، عبدالحی: در پاسخ انتقاد بر فضائل بلخ. راهنمای کتاب، ۱۷ (۱۳۵۳) ص ۶۰۱-۵۹۳؛ خیراندیش، عبدالرسول: بلخ و تاریخ پرفراز و نشیب آن، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال اول، شماره دوم (آذر ۱۳۷۶) ص ۴-۲.

۳۶ - بررسی: تجلیل، جلیل: بررسی و نقدی در تاریخ طبرستان [ابن اسفندیار]، مجله دانشکده ادبیات تبریز، ۲۲ (۱۳۴۹) ص ۱۸۵-۱۶۸.

۳۷ - بررسی: قزوینی، محمد: بعضی فواید لغوی و تاریخی و رجالی‌النتوین رافعی از یادداشت‌های مرحوم محمد قزوینی. گردآوری ایرج افشار، مجله دانشکده ادبیات، ج ۲، ش ۴، ص ۱۱۰-۱۰۵؛ ج ۳، ش ۲، ص ۸۶-۷۶.

۳۸ - بررسی: (مؤلف؟): بحثی در تواریخ محلی، لرغونی هرات، ۱۱ (۱۳۵۹) ش ۱، ص ۴۳-۲۵ (بیشتر درباره تاریخ‌نامه هرات است).

۳۹ - بررسی: شهشهانی، احمد: شیراز نامه زرکوب شیرازی، یغما ۲۵ (۱۳۵۱)، ص ۱۲۲-۱۲۰.

۴۰ - بررسی: محبوب، محمدجعفر: تاریخ یزد، سخن، ۱۱، ص ۱۲۴-۱۲۱؛ ستوده، منوچهر: تاریخ یزد، سخن، ۱۱، ص ۱۲۷-

۱۳۴: باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: تاریخ یزد، یغما، ۱۳ ص ۴۱۱-۴۰۹.

۴۱ - بررسی: عمادی، عبدالرحمن: تاریخ گیلان و دیلمستان. راهنمای کتاب، ۱۴ (۱۳۵۰)، ص ۳۷۴-۳۶۳، ص ۵۶۷-۵۵۵؛ عمادی، عبدالرحمن: بررسی تاریخ گیلان و دیلمستان، نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، ۲ (۱۳۵۳)، ص ۴۸۵-۴۵۸.

۴۲ - بررسی: باستانی پاریزی، محمدابراهیم: احیاءالملوک، راهنمای کتاب، ۹ ص ۵۰۰-۴۹۴ و ص ۶۱۶-۶۱۱؛ سیستانی، محمداعظم: نگاهی بر کتاب احیاءالملوک، آریانا، ج ۲۷ (۱۳۴۸) ش ۳ ص ۵۰-۴۲؛ پراژه گریگوری (و) لیدیاب، اسمیرتوا: احیاءالملوک و تاریخ تألیف آن. ایران نامه، ۶ (۱۳۶۷) ص ۴۳۴-۴۱۷.

\* بررسی: شایسته، فریدون: جایگاه کتاب تاریخ گیلان در مطالعات دوره صفوی، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا) س ۴، ش ۳۸-۳۷، آذر ۱۳۷۹، ص ۱۲۱-۱۱۸.

۴۳ - بررسی: محیط طباطبایی، محمد: از خلاصه التواریخ تا خلاصه البلدان، گوهر ۳ (۱۳۵۴) ص ۱۷۷-۱۷۳ و ص ۲۶۰-۲۵۶؛ همو: خلاصه البلدان یا کتابی درباره قم سده یازدهم، گوهر ۲ (۱۳۵۳) ص ۶۱۰-۶۰۷ و ص ۶۹۶-۶۹۲.

۴۴ - بررسی: ستوده، منوچهر: جامع مفیدی، راهنمای کتاب، ۵، ص ۱۶۸-۱۶۵؛ محبوبی اردکانی، حسین: جامع مفیدی، راهنمای کتاب، ۷، ص ۹۶-۸۷؛ بافقی، محمد مفید: جزئی از جلد دوم جامع مفیدی، فرهنگ ایران زمین، ۱۱، ص ۲۲۸-۱۹۳.

۴۵ - بررسی: قدسی، محمدعلی: نادر میرزا و تاریخ تبریز، یادگار، ج ۲، ش ۵، ص ۲۶-۱۵؛ کیوان، مهدی: تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز آثاری از دوره قاجاریه درباره تاریخ و جغرافیای تبریز، مجله رشد آموزش تاریخ، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۷۸، ص ۵۸-۵۶.

۴۶ - بررسی: موحد، صمد: تحفة العالم. کتاب شناخت، تهران ۱۳۶۳، ص ۹۳-۷۵؛ ذکاوتی قراگزلو، علیرضا: تحفة العالم و ذیل التحفة، نشر دانش، ۵ (۱۳۶۴) ص ۳۳۳-۳۳۰.

۴۷ - بررسی: افشار، ایرج: تاریخ کرمان (سالاریه)، راهنمای کتاب، ۴، ص ۲۲۸-۱۰۲؛ دانش‌پژوه، محمدتقی: تاریخ کرمان (سالاریه)، یغما، ۱۵، ص ۱۸۶-۱۸۴؛ ستوده، منوچهر: تاریخ کرمان (سالاریه) سخن، ۱۲، ص ۱۰۹۱-۱۰۸۹.

۴۸ - بررسی: محبوب، محمدجعفر: نصف جهان فی تعریف الاصفهان، سخن، ۱۲، ص ۱۲۳۳-۱۲۷۰.

۴۹ - بررسی: حکمت، حسنعلی (پخرد): فارسنامه ناصری، وحیده، ج ۱، ش ۳، ص ۴۸-۴۱؛ فرمانفرمایان، حافظ: ترجمه فارسنامه ناصری [ترجمه هربرت بوسه]، ترجمه قدرت الله روشنی، آینده، ۵ (۱۳۵۸) ص ۸۷۶-۸۷۴؛ خیراندیش، عبدالرسول: حاج میرزا حسن فسایی، فارسنامه ناصری و سلسله اوقاف مدرسه منصوریه شیراز، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا) سال ۴، شماره ۳ (پیاپی ۳۹) دی ۱۳۷۹، ص ۱۷-۱۳.

۵۰ - بررسی: معصومی، علی: تاریخ اصفهان [از جابری

انصاری]. کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، شماره ۳۱ (س ۳، ش ۳) ص ۳۹-۳۸.

۵۱ - برای یک بررسی اجمالی از آثار مؤلف بنگرید به: افشار، ایرج: آثار سدیدالسلطنه کبابی، راهنمای کتاب، ۱۸ (۱۳۵۴) ص ۵۷-۵۳؛ یا حسینی، سیدقاسم: نقش احمد اقتداری در احیاء آثار سدیدالسلطنه کبابی، فصلنامه فارس شناخت، سال ۲، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۹، ص ۳۱-۲۰، در این مقاله مجموعه آثار چاپ شده و چاپ نشده سدیدالسلطنه اجمالاً معرفی شده است.

۵۲ - بررسی: تبریزتیا، مجتبی: تاریخ بختیاری یا خلاصه الاعصار فی تاریخ البختیار، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا) شماره ۶ و ۷ (سال اول) ص ۳۱-۲۰.

### منابع و مآخذ (منابعی که در تهیه این کتاب‌شناسی از آنها بهره گرفته شده است.)

- ۱- آیین‌وند، صادق: علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۲.
- ۲- افشار، ایرج: فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی، ۵ ج.
- ۳- بروکلان، کارل: تاریخ الأدب العربی، الجزء الثانی، نقل الی العربیة، عبدالحلیم النجار، الطبعة الرابعة - دارالمعارف القاہره، بی‌تا.
- ۴- حافظ قرآنی، مهین دخت: کتاب‌شناسی تاریخ ایران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۵۷.
- ۵- روزنتال، فرانتس: تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۸، ج ۲.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۳.
- ۷- سزگین، فؤاد: تاریخ التراث العربی، المجلد الاول، الجزء الثانی (التدوین التاريخی)، نقل الی العربیة د. محمود فهمی حجازی و راجعة د. عرفه مصطفی د. سعیدعبدالرحیم، مکتبة آية العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۱۲ق.
- ۸- صدیقی افشار، غلامحسین: تاریخ در ایران: شرح احوال و معرفی آثار مورخان و جغرافیایان ایران. ابن سینا، تهران، ۱۳۴۵.

### فهرست کتاب‌ها، اشخاص و مکان‌ها

#### نمایه کتاب‌ها:

- تذکر:
- ۱- اعلام مقدمه و یادداشت‌ها در این نمایه لحاظ نشده است.
  - ۲- شماره ارجاعات به شماره ردیف کتابها است.
- آثار العجم در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن



- فارس ۵۷
- احیاء الملوک ۳۳
- ارشاد الزراعة ۲۹
- استرآباد نامه ۴۵
- اعلام الناس فی احوال بندرعباس ۶۰، ۶۱
- الاصفهان ۶۴
- التدوین فی احوال جبال شروین ۴۲
- التدوین فی اخبار قزوین ۱۴
- السیاق ۳
- السیاق التاریخ نیسابور ۳
- المزارات ۲۰
- المضافات الی بدایع الزمان ۱۰، ۱۱
- المنتخب من السیاق ۳
- بدایع الزمان فی وقایع کرمان ۹، ۱۱، ۳۴
- بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس) ۶۰
- تاریخ آل سلجوق ۱۰، ۳۴
- تاریخ اردلان ۵۳
- تاریخ ارض اقدس ۴۱
- تاریخ اصفهان ۵۰
- تاریخ افضل ۱۰، ۳۴
- تاریخ الاکراد ۵۳
- تاریخ بخارا ۱
- تاریخ بختیاری ۶۲
- تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس ۵۰
- تاریخ بیهق ۸
- تاریخ جدید یزد ۲۵
- تاریخ جرجان او کتاب معرفة علماء اهل جرجان ۴
- تاریخ خانی ۳۰
- تاریخ خوانین ۴۹
- تاریخ دارالایمان قم ۴۴
- تاریخ در ایران ۲۶، ۳۲
- تاریخ رویان ۱۹
- تاریخ سیستان ۷، ۳۳
- تاریخ شاهی خواجه شهاب‌الدین ابوسعید ۱۵
- تاریخ طبرستان ۱۳، ۱۹، ۲۶، ۴۲
- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ۲۶
- تاریخ طوس اوالمشهد ۶۵
- تاریخ قم ۲، ۶۶
- تاریخ قم موسوم به مختارالبلاد ۶۶
- تاریخ کاشان ۴۷
- تاریخ کردستان ۵۳
- تاریخ کرمان ۱۱، ۱۵
- تاریخ کرمان (سالاریه) ۵۲
- تاریخ کرمان، سلجوقیان و غز در کرمان ۳۴
- تاریخ گیلان ۳۶
- تاریخ گیلان و دیلمستان ۲۶، ۲۷، ۳۰
- تاریخ لارستان ۶۳
- تاریخ مازندران ۱۹، ۳۷
- تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران ۶۱
- تاریخ مفصل کردستان ۳۲
- تاریخ ملازاده ۲۲
- تاریخ نامه هرات ۱۶
- تاریخ نیشابور ۳
- تاریخ و جغرافیای قم ۵۵
- تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز ۴۳
- تاریخ یزد جعفری ۲۵
- تتمه صوان الحکمة ۸
- تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان ۵۸
- تحفةالمالم و ذیل التحفه ۴۸
- تذکره شوشتر ۴۰، ۴۸
- تذکره هزار مزار ۲۱
- تذکره الاولیاء محرابی ۳۱
- ترجمه محاسن اصفهان ۶
- جامع الخیرات ۱۷
- جامع جعفری ۱۰
- جامع مفیدی ۳۹
- جغرافیای اصفهان ۴۶
- جغرافیای تاریخی بندرعباس و جزائر خلیج فارس ۶۰
- جغرافیای دارالسلطنه ۴۶
- حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان ۵۳
- خزائن العلوم ۱
- خلاصة البلدان ۲۸
- دائرةالمعارف ۴۱
- دائرةالمعارف اسلام ۶۵
- دائرةالمعارف اصفهان ۶۴
- دائرةالمعارف فارسی ۳۲
- ذکر اخبار اصفهان ۵
- رساله طریق قسمت آب قلب ۲۹
- رسالةالارشاد در احوال صاحب بن عباد ۶
- رکن الاسفار ۵۵
- روضات الجنات فی اوصاف مدينةالهرات ۲۸
- زبدة التواریخ ۱۰
- سرزمین‌های جنوبی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش ۶۱
- سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان ۶۱
- سفرنامه شاردن ۶۴
- سفرنامه فلانندن و کست ۶۴
- سمط العلی للحضرة العلیا ۱۰، ۱۵
- سیاحتنامه شاردن ۶۴
- سیاق التاریخ ۳
- شد الازار فی حطّ الآوزار عن زوآر المزار ۲۰، ۲۱
- شرفنامه ۳۲
- شیرازنامه ۱۸
- صلاح الصحاح فی طب ۹
- طبقات المحدثین باصفهان والواردین علیها ۵
- عقد العلی للموقف الاعلی ۹، ۱۰، ۱۵
- فارسنامه ناصری ۱۸، ۵۶
- فردوس در تاریخ شوشتر و برخی مشاهیر آن ۳۵
- فضائل بلخ ۱۲
- فهرست اسماء الرجال مذکورة احوالهم فی کتاب التلوین ۱۴
- کاروند کسروی ۴۸
- کتاب آب‌بخشی ۲۹
- کتاب الاصفهان ۶۴
- کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم ۵۵
- کتابچه جغرافیای دارالسلطنه اصفهان و بلوکات و توابع ۴۶
- مجالس المؤمنین ۲۸
- مجمع التواریخ ۱۰
- مجمل رشوند ۵۱
- محاسن اصفهان ۶
- مختصر مفید ۳۹
- مرآةالقاسان ۴۷
- مرآةالبلدان ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۴
- مزارات بخارا ۲۲
- مزارات شیراز ۲۰، ۲۱
- مزارات کرمان ۳۱
- مزارات هرات ۲۴
- مطلع الشمس ۴۱، ۶۵
- مغاص اللثالی و منار اللیالی ۶۱
- مفاتیح الادب فی تواریخ العرب ۶۱
- مقصود الاقبال و مرصداامال ۲۴
- منتخب کتاب السیاق ۳
- نخبه سیفیه ۴۵
- نصف جهان فی تعریف الاصفهان ۴۷، ۵۴
- وسيلة الشفاعات ۲۴

### نمایه اشخاص

- آخوند ملاعبدالله ۶۶  
آزند، یعقوب ۲۶  
آغامحمدخان قاجار ۵۲  
آقاخان ۵۲  
آل احمد، جلال ۴۶  
آملی، مولانا اولیاءالله ۱۹، ۲۶  
ابراهیم بن معصوم ۶۵  
ابن اسفندیار ۱۳، ۱۹  
ابن شهاب یزدی ۱۰  
ابن فندق ۸  
ابوالشیخ اصفهانی ۵  
ابوالقاسم کاشانی ۱۰  
ابوحامد محمدبن ابراهیم ۱۰  
ابوسعید بهادرخان ۶، ۱۵  
ابوعبدالله حاکم نیشابوری ۳  
ابومحمد نوح بن نصر سامانی ۱  
ابونعیم، احمدبن عبدالله ۵  
ابونعیم اصفهانی ۵  
ابی القاسم احمدبن محمدالحسینی القوبایء الاصفهانی ۶  
احمدزاده، مصطفی ۴۲  
ادیب کرمانی، میرزا غلامحسین ۵۵  
ارباب، محمد مهدی بن محمدرضا اصفهانی ۵۴  
ارموی، میرجلال الدین (محدث) ۳۵  
اسفزاری، معین الدین محمد زمجی ۲۸  
اسکندر ۳۹  
اشراقی، احسان ۴۲  
اصفهانی، محمد مهدی ۴۷  
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان ۴۱، ۴۲، ۴۷، ۵۵، ۶۵  
افشار، ایرج ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۹، ۴۵، ۴۷، ۴۹  
افضل الدین کرمانی، ابوحامد: ۹، ۱۰، ۱۱  
افضل الملک ۵۵  
اقبال، عباس ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۰  
اقتداری، احمد ۶۰، ۶۱  
السهمی، حمزة بن یوسف ۴  
اللهیار صالح ۴۷  
ایمانی، شیخ عبدالرحمان ۴  
امام، سیدمحمد کاظم ۲۸  
امیر تیمور ۲۴  
امیرنوح ۱

اوبن، ژان (Jean Aubin) ۳۹

اوزن حسن ۲۴

اولجایتو ۱۵

ایسن قتلغ نویان ۱۵

یارب (Barb) ۳۲

باربیه دومینار (Barbier De meynar) ۲۸

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم ۹، ۳۴، ۵۲

باقفی، محمد مفید بن محمود ۳۹

بدسپرد لوات (Bedesford Lovett) ۴۵

بدلیسی، امیر شرف خان ۳۲

براون، ادوارد (E. G. Browne) ۶، ۱۳، ۵۴

برهان لیمودهی، تیمور ۴۱، ۴۵

بوسه، هربرت (Herbert Busse) ۵۶

بهار، ملک الشعراء ۷

بهرامی، تقی ۲۰

بهمنیار ۸

بیانی، مهدی ۱۰، ۳۴

بیک ارباب، محمدتقی ۴۴

بینش، تقی ۶۵

بیهقی، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید ۸

تخویلدار، حسین بن محمد ابراهیم ۴۶

تربتی، شیخ حسین ۶۵

ترشخی، ابوبکر محمدبن جعفر ۱

تسبیحی، محمد حسین ۲۶

تقی الدین ابواسحاق ابراهیم الصریفینی ۳

توکل، محمد رؤف ۵۳

جابری انصاری، حاج میرزا حسین خان ۵۹

جزائری، سیدعبدالله (فقیر) ۴۰

جناب، میرسیدعلی ۶۴

جنید شیرازی، معین الدین جنید بن محمود ۲۰

حاجی سیف الدوله ۴۵

حافظ ابرو ۱۰

حبیبی، عبدالحی ۱۲

حسام الملک ۵۲

حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی ۲

حسین بن علی بن بابویه قمی ۲

حسین بن محمدبن ابی الرضا اوی ۶

حسینی شوشتری مرعشی، علاء الملک ۳۵

حسینی فسائی، حاج میرزا حسین ۵۶

حسینی، قاری سیدکلیم الله ۸

حسینی یزدی، سید رکن الدین ۱۷

خان بهادر خلیفه محمداسدالله ۱۶

خان بهادر مولی بخش ۴۰

خانیکوف، نیکلا ۳۶

خسروپاشا ۳۲

خلیلی، عباس ۱۹

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی ۶

خواجه محمد پارسا ۲۲

خواجه نظام الملک ۶

دارمستتر (Darmesteter) ۱۳

دارن، برنهارد (Bernhard Dorn) ۱۳، ۲۶، ۳۰، ۳۶

دانش پژوه، محمدتقی ۱۷، ۴۵

دد رینگ (Dedering) ۵

دوانی، علی ۶۶

دهباشی، علی ۲۰، ۵۷

ذبیحی، مسیح ۴۵

ذوقی ۲۹

زاینو (Rabino) ۲۶، ۲۷

رافعی قزوینی، عبدالکریم ۱۴

رجائی زفرهای، محمدحسن ۴۶

رستگار فسائی، منصور ۵۶، ۵۷

رشوند، محمدعلی خان ۵۱

رضاشاه ۶۵

ریاضی، محمدرضا ۶۴

ریو، چارلز (Charlse Rieu) ۱۳، ۲۸

زرکوب شیرازی، احمدبن ابی الخیر ۱۸

زرین کوب، عبدالحسین ۲۰، ۳۱، ۳۹

ستوده، منوچهر ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۵۴

سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی خان ۶۰، ۶۱

سردار اسعد، علیقلی خان ۶۲

سروشیار ۵۹

سعدالدین منجم غوری ۱۶

سعید (محرابی = خطیب) ۳۱

سلطان ابوسعید گورکانی ۲۴

سلطان احمدخان اول ۳۰

سلطان حسین میرزا بایقرا ۲۸

سلطان مراد سوم ۳۲

سندجی، میرزا شکرالله (فخرالکتاب) ۵۸

سهیل کاشانی ۴۷

سید اصیل الدین عبدالله واعظ ۲۴

سید امیر کیای ملاطی ۲۷

سید ظهیرالدین مرعشی ۳۰

سید عبدالله جزایری ۴۸

سید قوام الدین مرعشی ۲۶

سیفی ۱۶

شاه سلیمان ۳۹

- شاه طهماسب ۳۲  
شاه عباس اول ۲۶، ۳۴، ۳۶، ۳۷  
شرف الملک ۵۸  
شفر، شارل (Charles Schefer) ۱  
شفیعی کدکنی، محمدرضا ۳  
شوشتری، میرعبداللطیف خان ۴۸  
شیخ صدوق ۲  
شیخ عبیدالله ۴۳  
شیندلر، هوتم (Houtum Schindler) ۵۴  
صاحب بن عباد ۲، ۶  
صادقی، علی اشرف ۵  
صدیقی، محمد زبیر ۱۶  
صریفینی ۳  
صفوة الدين ۱۵  
صفی‌الدین بلخی، عبدالله بن عمر ۱۲  
صفی‌الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی ۳۸  
ضرابی، عبدالرحیم بن محمد ابراهیم بن صادق  
ضرابی ۴۷  
طباطبایی مجد، غلامرضا ۴۳  
طیبی، حشمت‌الله ۵۸  
طرب نائینی، محمد جعفر بن محمد حسین ۴۹  
طهرانی، سیدجلال‌الدین ۲، ۶  
ظل السلطان ۴۶  
عامری نائینی، علیمحمد ۹  
عباسی، محمد ۳۲  
عبدالرحمان مساح ۲۹  
عبدالرضا خان ۴۹  
عبدالغافر فارسی ۳  
عبدالقدیر سبزواری ۶۵  
عبدالله حسینی بلخی ۱۲  
عبدالله محمد بن حسینی بلخی ۱۲  
عبیدالله بن ابوسعید هروی ۲۴  
عطاران، فاطمه ۴  
عطاردی، عزیزالله ۱۴  
علوی سبزواری، محمد مهدی ۶۵  
علی بن جمال‌الدین روایتی ۲۶  
علی محمد ۵۲  
علی نقی میرزا ۵۵  
عموزاده مستوره کردستانی ۵۳  
عیسی بن جنید شیرازی ۲۱  
فاضل هروی ۲۹  
فخرالدوله دیلمی ۲  
فرای، ریچارد (Richard Frye) ۱، ۳  
فرصت‌الدوله ۵۷  
فرمانفرمایان ۵۲
- فرمانفرما سالار لشکر ۵۲  
فلور، ویلم (Willem Floor) ۴۶  
فومنی گیلانی، ملاعبده الفتح ۳۶  
قاسم بن یوسف ابونصری هروی ۲۹  
قاضی احمد قمی ۳۸  
قاضی نورالله شوشتری ۲۸  
قاضی نورالله شوشتری ۳۵  
قیابوی ۱  
قزوینی، محمد (علامه قزوینی) ۸، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۳۳  
قمی، حسن بن محمدرضا حسن ۲  
کاتبه احمد بن حسین بن علی کاتب تبریزی ۲۵  
کارکیا سلطان محمد ۲۶  
کازرونی، محمد ابراهیم ۵۰  
کیابی (سیدالسلطنه) ۶۰  
کریمی، بهمن ۳، ۱۸  
کسای، نورالله ۵  
کست، پاسکال ۶۴  
کسروی، سید احمد ۱۳، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۴۸  
کشفی، مصطفی ۶۳  
کوهی کرمانی، حسین ۳۱  
کیانفر، جمشید ۶۲  
کیانی مازندرانی، تقی ۱۳  
گلچین معانی، احمد ۲۲  
گنجعلی خان ۳۴  
گیلانی، ملاشیرعلی ۳۷  
لاهوری، محمد شفیع ۸  
لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین ۳۰  
لسان‌السلطنه سپهر، عبدالحسین ۶۲  
لیکوشین ۱  
مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد ۶  
مانکجی لیمجی هاتریا ۴۷  
مایل هروی، نجیب ۲۴، ۲۹  
مجتهد شبستری، محمد ۵  
مجیدی، عنایت‌الله ۵۱  
محدث ارموی، جلال‌الدین ۱۴  
محمد اسحاق ۲۸  
محمد بن ابراهیم ۳۴  
محمد بن زفر بن عمر ۱  
محمدشاه، قاجار ۵۰  
محمد صالح بن محمدتقی بن محمد اسماعیل  
استرآبادی ۴۵  
محمدعلی قورخانچی صولت نظام ۴۵  
محمد کاظم محمودی ۲  
محمد ولی میرزا ۴۹  
محمد هدایت حسین ۴۰
- مدرس رضوی ۱  
مدرس صادقی، جعفر ۷  
مدرسی طباطبایی، حسین ۳۸، ۴۴، ۴۶، ۵۵  
مرتضی میرزا ۶۵  
مرعشی، سید ظهیرالدین ۱۳، ۲۶، ۲۷  
مرعشی نجفی ۲۶  
مستوفی بافقی ۳۹  
مشکور، محمد جواد ۲۶، ۴۲  
مشیری، محمد ۴۳  
مظاهری، جمشید ۵۹  
معتصم الملک ۱۳  
معین الفقراء ۲۲  
ملا محمد جعفر قزاقی اهری ۳۰  
ملک دینار ۹  
ملک‌شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد بن شاه  
محمود سیستانی ۳۳  
ملکشاه سلجوقی، جلال‌الدین ۶  
ملک غیاث‌الدین کورت ۱۶  
ملک کیومرث رستم‌داری ۲۶  
موحد، صمد ۴۸  
مورخ لاری، سیدعلاء‌الدین ۶۳  
مورلی (Morlay) ۳۲  
مهرآبادی، میترا ۴۲  
میرزا ابوالقاسم بابر ۲۴  
میرزا سلیمان خاک رکن‌الملک ۴۶  
میرزا سید مهدی ۴۴  
میرعبدالحکیم بامرغانی ۲۹  
نادر میرزا ۴۳  
نادری ۵۰  
ناصرالدین شاه قاجار ۴۱، ۴۳، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶  
ناصرالدین محمد غوری ۱۵  
ناصرالدین منشی کرمانی ۱۵  
ناصرالشریعه، شیخ محمد حسین ۶۶  
نصر، عباس ۶۴  
نصرت‌الدین ابوالفتح فخرالملک ۶  
نصیر حسینی، میرزا سید محمد ۵۷  
نظام‌السلطنه ۵۷  
نقیسی، سعید ۲۰  
نیشابور ۱  
نیشابور، محمد بن حسین خلیفه ۳  
واعظ جوادی، اسماعیل ۱۸  
وثوقی، محمد باقر ۶۳  
وحیدنیا، سیف‌الله ۵۵  
وزیری کرمانی، احمد علی خان ۵۲  
وشمگیر بن زیار ۱۳

قزوین ۱۴، ۵۱	تبریز ۴۳
قشم ۶۱	ترکیه ۳، ۱۵
قطر ۶۱	تمب ۶۱
قم ۲، ۳، ۳۸، ۴۴، ۴۷، ۵۵، ۶۶	چرخان ۴
قوچان ۴۱	چلگه خوار ۴۱
کاشان ۳۸، ۴۷	چاه‌بهار ۶۱
کریلا ۳۸	حجاز ۵
کردستان ۳۲، ۵۳، ۵۸	حیدرآباد ۴، ۴۸
کرمان ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۳۱، ۳۴، ۵۲	خارک ۶۱
کلکته ۱۶، ۲۸، ۴۸	خراسان ۵، ۲۲، ۲۸، ۴۱، ۶۵
کوفه ۳۸	خرمشهر ۵۰
کویت ۶۱	خلیج فارس ۵۰، ۵۶، ۶۰، ۶۱
کیش ۶۱	خوزستان ۴۸، ۶۱
گرگان ۴، ۵	دامغان ۴۱
گوادر ۶۱	دکن ۴
گیلان ۱۳، ۲۷، ۳۰، ۳۶	دماوند ۴۱
گیلان بیه‌پس ۲۶	دیلمستان ۲۷
لار ۶۳	رشت ۲۷
لارستان ۶۳	رم ۱۱، ۴۰
لارک ۶۱	رودبار ۵۱
لاوان ۶۱	رویان ۱۹، ۲۶
لندن ۶، ۸، ۱۵، ۲۷، ۳۳، ۳۸	زرنند ۵۵
لیدن ۵، ۱۳، ۳۴	ساوه ۵۵
مازندران ۲۶، ۳۷، ۴۲، ۵۵	سبزوار ۴۱
ماوراءالنهر ۲۲، ۲۳	سمنان ۴۱
محمره ۵۰	سنندج ۵۸
مدینه ۳۸	سوادکوه ۴۲
مسقط ۶۱	سیاکله رود ۲۶
مشهد ۴۱، ۶۵	سیری (سری) ۶۱
مصر ۵۵	سیستان ۷، ۳۳
مکه ۳۸	شط کارون ۵۰
میناب ۶۱	شوشتر ۳۵، ۴۰، ۴۸
نجف ۳۸	شیکویه ۶۱
نخجوان ۳۲	شیراز ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۵۶، ۵۷
نیشابور ۳، ۴۱	شیروان ۳۲
واتیکان ۱۱	طبرستان ۱۳، ۲۶، ۴۲
ورامین ۴۱	عتبات ۳۹، ۶۵
هرات ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹	عراق ۵، ۴۸، ۶۵
هرمز ۶۱	عمان ۶۱، ۶۵
هلند ۵	غدیرخم ۳۸
هند، هندوستان ۱۴، ۱۶، ۳۹، ۴۸	فارس ۱۸، ۲۰، ۵۶، ۵۷
هنگام ۶۱	فردوس ۳۵
یزد ۱۵، ۱۷، ۲۵، ۳۹، ۴۹	فرور (فرور نابیوفورور) ۶۱
	قومن ۳۶
	فیروزکوه ۴۱

وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر ۵۳
ولادیمیر (ولیامینوف زرنوف (Zernof veliaminof) ۳۲
ولوکف (Volkov) ۳۲
هاشمی کرمانی، سید محمد ۳۱
هروری، سیف‌بن محمدرین یعقوب ۱۶
هوتسما (Houtsma) ۳۴

## نمایه جای‌ها

آبه ۲۸
آذربایجان ۳۳
آکسفورد ۴
آمل ۱۳
ایبوسوی ۶۱
اردلان ۵۳، ۵۸
ارمنستان ۶۴
استرآباد ۴۵
اسلامبول ۵۵
اصفهان ۶، ۳۹، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۴، ۵۹، ۶۴
الموت ۵۱
اندرآبی ۶۱
انگلیس ۴۵
بجنورد ۴۱
بحرین ۶۱
بخارا ۱، ۲۲
بختیاری ۶۲
بدلیس ۳
برلین ۸
بریتانیا ۲۰، ۳۳
بسطام ۴۱
بصره ۳۹
بصره ۶۱
بلخ ۱۲
بندرعباس ۶۰
بندرلنگه ۶۰
بنگال ۴۰
بودلیان ۴
بورسا ۳۱
بوشهر ۶۱
بیروت ۱۴
بین‌النهرین ۶۴
بیهق ۸
پاریس ۶، ۲۸
پسایندر ۶۱
پطرزبورغ ۲۶، ۳۰
تاشکند ۸، ۱